



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم
و سگهای زنجیرش

بهاء: ۵۰۰ ریال

بهمن و اسفند ۶۷ - ۴۶ صفحه

سال سوم - شماره ۲۴

”آیات شیطانی“ مستمسکی برای مقاصد ضد خلقی جمهوری اسلامی

مدتی است که قضیه سلمان رشدی و داده است. کتاب آیات شیطانی وی بازار تبلیغاتی جهان امپریالیستی را گرم و تنگور تبعه انگلستان می‌باشد و آنچه‌نیز در امپریالیستها و ایادی آنان و ادرا ایران برای بخت سیاست ارتجاعی معیسی داغ نموده است. در حالیکه نه سلمان رشدی یک شخصیت سیاسی است و نه کتاب او اساسا یک موضوع حدی سیاسی را مورد بحث قرار

سلمان رشدی یک نویسنده هندی الاصل تبعه انگلستان می‌باشد و آنچه‌نیز در امپریالیستها و ایادی آنان و ادرا ایران برای بخت سیاست ارتجاعی معیسی داغ نموده است. در حالیکه نه سلمان رشدی یک شخصیت سیاسی است و نه کتاب او اساسا یک موضوع حدی سیاسی را مورد بحث قرار



پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن

با فرارسیدن سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن، دو رویدادی که هریک نقش تاریخی سترگی در جنبش انقلابی خلقهای ما ایفا نموده‌اند، چریکهای فدائوسی خلق وظیفه خود میدانند ضمن گرامی‌داشت خاطره قهرمانیها و رشادتهای رزمندگان سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۴۹ و توده‌های میلیونی در قیام ۲۲ و ۲۱ بهمن سال ۵۷ باردیگر بر تداوم راه آن رزمندگان برای رسیدن به اهداف انقلابی توده‌های میلیونی تاکید ورزند.

در ۱۹ بهمن سال ۴۹ در شرایطی که دیکتاتوری امپریالیستی رژیم مزدور شاه با سرکوب تمامی مبارزات خلقهای ما و تبلیغات جهنمی خود اختناق و وحشتناک و طوانتی پر جامعه حاکم ساخته بود، چریکهای فدائی

جایگاه و نقش کنونی مبارزه مسلحانه در جنبش خلق کرد

در صفحه ۴۶

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها:

گرمکها برای دریدن یکدیگر دندان تیز کرده‌اند

وقتی که موسوی جنایتکار وعده ”خودکفانی“ می‌دهد!

جمهوری اسلامی و ازدیاد مصرف دارو در ایران

در صفحه ۳۰

گرامی با دخا طره کارل مارکس آموزگار و اندیشمند گمبیر پرولتاریا

در صفحه ۲۴

گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز تاریخی زن

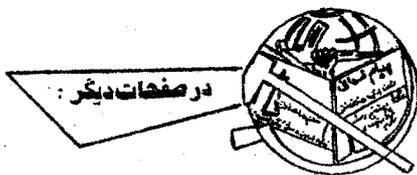
در صفحه ۲۹

مندوقهای قرض الحسنه و اظهارات ایادی رژیم در مورد آنها

در صفحه ۲۵

گرامی باد یاد شهدای پرافتخار ۱۱ اسفند

در صفحه ۴۶



در صفحات دیگر:

* بر علیه دستگیری پناهندگان ... ۲۰

* ”عفو عمومی“ برای اپوشانی ... ۲۷۰۰۰

* اخبار و گزارشهای خبری ۳۶

* روز شمار بهممن و اسفند ۴۳

* شهدای بهممن و اسفند

چریکهای فدائی خلق ایران ۴۳

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن

از صفحه ۱

قاطع و شریک طری قهر آمیز مبارزه با دشمن به این شیوه مبارزه روی آورده و ما در جریان قیام بهمن دیدیم که چگونه برخلاف خواست ستمیان رهبری که فرهاد میزدند هنوز فرمان "جهاد" نداده اند، مردم همراه با چریکهای فدائی خلق و به شیوه آنها مراکز سرکوب و ستم رژیم را مورد حمله قرار داده و رژیم شاه را بطور قطعی به زیاده بان تاریخ انداختند. اگر جاری شدن میل مبارزات توده ای و نفوذ تعین کننده ای که مبارزه مسلحانه در عمق و دامنه بختین به این مبارزات و قیام بهمن ایفا نمود و اقبال وسیع کارگران و توده های ستمدیده از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تا نائیدی است بر صحت نظرات و پیش بینی های رزمندگان سیاهکل به بسفون شك قیام بهمن و نتیجه ناگزیرش نیز درستی تحلیل و راه آن رزمندگان را آشکار میسازد.

رزمندگانی که با تحلیل شرایط عینی جامعه ما نشان داده بودند پیروزی انقلاب تنها با نابودی سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه داری وابسته امکان پذیر بوده و مبارزه مسلحانه طولانی تنها راه رسیدن به این پیروزی می باشد و معتقد بودند راه انقلاب ایران نه قیام مسلحانه شهری بلکه جنگی توده ای و طولانی است که در بستر آن هر قیام شهری نیز باید در جهت رشد و گسترش انقلاب بکار گرفته شود.

بنا بر این با دستک اجتناب ناپذیر قیام بهمن سلطه امپریالیستی اینستار در بیوشی جمهوری اسلامی با شدت هر چه بیشتر تداوم یافت و متأسفانه بدلیل فقدان رهبری صحیح و سازمان یافته، فداکارها و ایثارگرهای روشنفکران انقلابی و مبارزات عظیمی ما پس از قیام بهمن به برقراری یک جنبش پیگیر سراسری و جدی زیر پوشش یک رهبری انقلابی و کمونیستی مفتی نگر محدود یا سرکوب شده منتهی این مبارزات سازمانهای سیاسی اعتدالی و حشونک که نتیجه طبیعی تداوم دیکتاتوری امپریالیستی در ایران می باشد به جامعه حاکم شد و بار دیگر بین روشنفکران انقلابی و خلق فاصله افتاد و روشنفکران کمونیست مله رخم همه جانبا زبایمان در این سالها نتوانستند با طبقه خویش رابطه ای مستقیم و استوار برقرار سازند. و از آن بدتر بدلیل اپورتونیزم حاکم بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که بزرگترین و مهمترین سازمان کمونیستی در جنبش ما بوده ستاوردهای انقلابی رزمندگان سیاهکل بوسیله این فرصت طلبان مورد دستبرد قرار گرفته و انرژی انقلابی ای که به اعتبار ۸ سال مبارزه خونین، حول این سازمان جمع گردیده بوده به هز رفت و بحران در جنبش کمونیستی ایران هر روز شدت و گسترش بیشتری یافت.

سلطه اپورتونیزم بر جنبش کمونیستی و غلبه راه حل های سازشکارانه و رفربستی بر این جنبش، ضریات جبران ناپذیری به ردد و گسترش مبارزه

خلق با حمله به پاسگاه سیاهکل مبارزه مسلحانه را بر علیه سلطه امپریالیستی آغاز نمودند.

در شرایطی که در بستر شکست تمامی مبارزات بهمن و ناتوانی و نقصانهای سازمانها و رهبریهای این مبارزات و خیانت رهبران به توده ها روحیه یاس و سرخوردگی و ناامیدی بر توده ها چیره شده و مبارزات آنها دچار رکود گردیده و هرگونه رابطه مستقیم و استوار بین روشنفکران انقلابی و توده ها قطع گردیده بوده رزمندگان سیاهکل با علم به اینکه همه کوهی دشمن در جهت حفظ همین وضع میبایده با آغاز مبارزه مسلحانه نفیسی به قدرت تاریخی توده ها زدند تا "میل خروشان مبارزه توده ای" را جاری ساخته و وضع موجود را تغییر دهند وضعی که در آن بقول رفیق بویگان روشنفکران انقلابی "نه همچون مایه در توپهای حمایت مردم بلکه همچون ماهیهای کوچک و پراکنده در محاسره تساح ها و مرغان ماهیخوار" بسر میبردند.

آنها ایمان داشتند که "رودر خروش" مبارزه ای که با غلبه مسلطایان در سیاهکل جاری میگردد سرانجام به "توپهای توده ها" خواهد پیوست و با جاری شدن "میل خروشان مبارزه توده ای" انقلاب مسلحانه توده ای خلقهای ما سرانجام سلطه امپریالیزم و سگهای زنجیربستی را از بنیان بر خواهد افکند.

مبارزات سالهای ۵۷ - ۵۶ و سرانجام قیام بهمن بروشنی حیرت انگیزی صحت راه آن رزمندگان را به اثبات رساند و آوای سلسل آنها در سیاهکل در فریاد برخورد توده های میلیونی در قیام بهمن انعکاس یافت و شعاع "ایران را سراسر سیاهکل می کنم" به شعار توده های قیام کننده تبدیل شد و شرایط برای توده های عدل مبارزه مسلحانه و ایجاد رابطه ای مستقیم و استوار با توده ها هر چه بیشتر و در ابعاد وسیعتر مهیا گردید و دیدیم که چگونه در ترکمن صحرا و کرستان این واقعیت با برجستگی تمام خود را آشکار ساخت.

مبارزه مسلحانه ای که رزمندگان سیاهکل آغازگر آن بودند نه تنها ماهیت واقعی رژیم شاه را در برابر مردم آشکار نمود و دشمنی آنرا هر روز و هر ساعت در کوچه و خیابان به نمایش گذاشت، بلکه با ربودن خواب آرام از چشم دشمنان خلق، رژیم شاه را مجبور ساخت همه اقدامات خویش را با محاسبه این مبارزه و برای سرکوب آن سازمان داده و همه وسائل سرکوب خود را به میدان آورد و سترونی آنها را در نابودی مبارزه مسلحانه به مردم نشان دهد.

با توجه به آگاهی انقلابی که در طی چند سال مبارزه مسلحانه پیشگانان در جامعه ایجاد یافته بود توده های میلیونی با درک اهمیت

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

سلحانه و در نتیجه امر شکل‌هایی بهرولتاریا وارد ساخت و به همین دلیل مبارزه سلحانه و مبارزه‌ای که ضرورت‌های نظام حاکم آنرا به عنوان تنها راه‌رهایی در دستور کار انقلاب ما قرار داده است در سال‌های اخیر علم‌رغم همه جان‌نایزها و کوشش‌های کمونیست‌های رهرو راه سیه‌اکل، عمدتاً بوسهله جریانات‌خرده بورژوازی به بهرولت و باعث گسترش نفوذ این سازمانها و حفظ تمکک‌های مبارزاتی آنها گردید.

به این ترتیب سیمای تاریخ دهساله اخیر ایران را این واقعیت ترسیم می‌کند که در حالیکه بورژوازی وابسته کماکان قدرت دولتی را قبضه نموده است، با اعمال سرکوب و خنثیانه حتی آن حداقل شکل‌های کارگری زائیده شرایط پس از قیام را نابود ساخته و بهرولتاریای ما فاقد شکل‌های صفتی بوده و سازمان‌های مدعی نمایندگی این طبقه نیز بدون ارتباط با آنان در تحت و پراکندگی بسر می‌برند و در همان حال خرده بورژوازی با توسل به مبارزه سلحانه نسبتاً متشکل گشته و از سازمان یافتگی بیشتری برخوردار است و نقش فعال تری در صحنه سیاسی جامعه ایفا می‌نماید. از نتایج حاصل از این واقعیت یعنی ضعف جنبش کمونیستی و قدرت نسبی سازمان‌های خرده بورژوازی باید به اگاهی هرچه وسیع‌تر ایده‌ها و تفکرات خرده بورژوازی در سطح جامعه و حتی در درون جنبش کمونیستی اگاهی نمود. از جمله به ایده‌ها و تفکراتی که چشم اندازهای واقعی انقلاب ما را که چه در تداوم رزم دلاوران سیه‌اکل و ثمرات آن و چه در تجربیات قیام بهمن ترسیم و حقانیتشان به اثبات رسیده است را مدور ساخته و با اگاهی چشم اندازهای کانب و غیرواقعی در رابطه با امر آزادی و دمکراسی به توهمات خرد بورژوازی برایین مورد دامن زده است.

اگر رزمندگان سیه‌اکل معتقد بودند که تنها جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر می‌تواند نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری وابسته را نابود ساخته و طبقات مختلف خلق را از مظالم بی حد صر این نظام رهایی بخشد و تجربه دهسال حاکمیت سیه‌اکل جمهوری اسلامی نیز باز دیگر این واقعیت را به اثبات رسانده است، گرایش‌های خرده بورژوازی همچنان به این توهم دامن می‌زنند که از طریق بدون دست‌یابی به جمهوری دمکراتیک خلق هم خلق‌های ما می‌توانند به چنین خواستی دست‌یابند و در حالیکه تنها راه رهایی از سلطه دیکتاتوری امپریالیستی و جمهوری دمکراتیک خلق می‌باشد و این جمهوری بواقع آن حداقلی است که بهرولتاریا در این مرحله از انقلاب در جهت تحقق این مبارزه می‌کند و دست‌هایی به آزادی و دمکراسی نیز تنها در گرو برقراری چنین حکومتی می‌باشد نیروهای خرده بورژوازی در همین مخالفت با دیکتاتوری جمهوری اسلامی که جز دیکتاتوری امپریالیستی نمی‌باشد راه حل‌هایی ارائه می‌دهند که با تمامی تجربیات تاریخی و تجربیات خلق‌های ما در تضاد می‌باشد. به این ترتیب "الترناتیسم" سازمان‌های غیر واقعی رونق گرفته و انواع مختلفی از "جمهوری دمکراتیک" و "دولت موقت انقلابی" "جمهوری دمکراتیک انقلابی" تا "جمهوری دمکراتیک اسلامی" به عنوان جانشین رژیم خمینی برای برقراری دمکراسی و آزادی تبلیغ میگردد.

در سالروز رستاخیز سیه‌اکل و قیام بهمن در حالیکه دهسال از حاکمیت سیه‌اکل رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می‌گذرد - دهالی که خلق‌های ما گرچه یکی از دردناک‌ترین دوره های تاریخ حبسود را زیر سلطه یکی از سیه‌اکل ترین دیکتاتوریهای امپریالیستی گذرانده‌اند

لیکن نرهمان حال یکی از برده‌کوه‌ترین مقاومت‌های تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خود را نیز به نمایش گذاشته‌اند - وظیفه خود میدانیم بر مبنای تئوری راهنمای انقلابیون کمونیست سیه‌اکل و با تکیه بر تجربیاتی که این دو واقعه بزرگ تاریخی در انقلاب ما بجا گذاشته‌اند باز دیگر در باره چشم اندازهای موجود در برابر مبارزات خلق‌های قهرمانان، با مردم خویش سخن گوئیم.

واقعیت این است که کشور ما تحت سلطه امپریالیسم فرار دارد و تا ما دامیکه این سلطه با برجاست هر رژیمی به حفاظت و حراست از نظام موجود بپردازد - جز رژیمی وابسته به امپریالیسم نخواهد بود که ضرورتاً باید با دیکتاتوری شدیداً وسیعاً قهرآمیز هرگونه آزادی و دمکراسی را سرکوب نموده و شرایط را برای استعمار و غارت دست‌نترج توده‌ها مهیا نماید.

بنابراین دشمن اصلی خلق‌های ما و طبقه کارگر مبارزان سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه داری وابسته بوده و رژیم‌هایی همچون رژیم سلطنتی یا جمهوری اسلامی نیز جز دستکاهائی در جهت حفظ و حراست از این نظام نمی‌باشند. در نتیجه ما نظام سرمایه داری وابسته وجود ندارد و تمویض این نوع رژیمها و تغییر اساسی در زندگی مردم ما ایجاد نمی‌کند. بخصوص در رابطه با دستیابی به دمکراسی و آزادی که قبل از هر چیز خواست طبقات مختلف جامعه ما میباشد، باید دانست که از آنجا که دیکتاتوری زائیده نظام سرمایه داری وابسته بوده و الزامات این نظام اساساً شکل عربان و سخن دیکتاتوری را ایجاد میکند، کجای دمکراسی و رسیدن به آزادی جز با نابودی نظام سرمایه داری وابسته و قطع نفوذ کامل امپریالیسم از عثونات مختلف جامعه ما امکان پذیر نمی‌باشد.

ولی واقعیت فوق تماماً مورد انکار نیروهای خرده بورژوازی قرار دارد. آنها بدون درک این حقیقت که دیکتاتوری ذاتی نظام سرمایه داری وابسته میباشد، دیکتاتوری و اعمال و خنثیانه رژیم‌های سرکوبگر از جمله رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی را کوتاه نظرانه ناشی از خود این رژیمها دانسته و حتی آنرا منبعث از منفعت و یا غری "خوبی مردم" مزدوران بر سر کار تلقی میکنند. آنها هرگز نمی‌خواهند آنچه را که باید از تجربه قیام بهمن آموخته و بر آن تاکید نمود مورد اعتنا و توجه خویش قرار دهند و ببینند که اگر قیام بهمن موفق به سرنگونی رژیم شاه گردید ولی از آنجا که نظام سرمایه داری وابسته همچنان با برجا مانده و جمهوری اسلامی به حفاظت و تحکیم این نظام پرداخته، دیکتاتوری و اعمال شدیدترین مظالم در حق توده‌ها همچنان تداوم یافت و سرکوب عثونت‌بار و خنثیانه کماکان سیمای سیاسی جامعه ما گردید و بر این اساس اتفاقاً تجربه و درس گرانقدری که از رویدادهای سرنگونی رژیم شاه، بجا مانده است - سرمایه داری وابسته در ایران و استقرار جمهوری اسلامی باید اخذ نمود. همانا تاکید بر این آموزش چریک‌های فدائی خلق میباشد که آنچه که باید آماج حملات انقلاب ما قرار گیرد کل نظام سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیستی است و هرگونه تحولی در جامعه ما باید سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه داری وابسته را با دیکتاتوری ذاتی آن نابود سازد. درست است که حکومت‌هایی که برای حفاظت از نظام حاکم از طرف امپریالیسم بر سر کار گمارده میشوند کماکان اصلی مبارزه توده‌ها با امپریالیسم و سگان زنجیریت در جهت نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیستی میباشد و ولی برای تحقق اهداف فوق‌نابودی صرف این حکومتها کافی نیست بلکه

ایجاد دیگر شرایط مقتضی ضرورت ندارد. بر همین اساس است که علیرغم تمام ارزش مبارزاتی سرنگونی این حکومتها، این امر بهیچوجه از آن اهمیت کسی نیروهای خرده بورژوازی اپورتونیستها و سازشکاران برای آن قائل هستند. برخوردار نمیباشد. برای اینکه مبارزه توده های میلیونی بر علیه رژیمهای وابسته به امپریالیسمی همچون رژیم شاه یا رژیم جمهوری اسلامی به هدف انقلابی خود نایل آید بایستی با نابودی سلطه امپریالیستی و حاکمیت خلق یعنی دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان تحت رهبری پرولتاریا در جامعه استقرار یابد. تنها در این صورت است که دمکراسی و آزادی در مفهوم واقعی و گسترده خود در مناسبات اجتماعی حاکم گشته و شرایط برای تحقق مطالبات خلق که مفهوم آن جز کارگران و دهقانان و اقشار مختلف خرده بورژوازی نمیباشد، فراهم میگردد.

در رابطه با آنچه از طرف بورژوازی نظیر بختیار و بازارگان و بنی صدر و غیره در ضدیت با جمهوری دمکراتیک خلق عنوان میشود لازم به توضیح چندانی نیست. اینان جز منافع سیستم سرمایه داری وابسته نمیباشند و لاجرم علیرغم اینکه امروز چهره دمکرات بخود گرفته و از ضرورت آزادی و دمکراسی در جامعه دم میزنند، دمکراسی و آزادی مورد نظرشان مفهومی جز دیکتاتوری امپریالیستی نمیتواند داشته باشد. بواقع اینها خود دیکتاتورهای هستند که دستمان از قدرت کوتاه است و اتفاقاً تماسی بر دمکراتیکان نیز از این امر نفاذ نمیگردد و اما در مورد نیروهای خرده بورژوازی یا آلترناتیوهای رنگارنگی که در مقابل جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر علم کرده و زیر پوشش دفاع از دمکراسی و آزادی به تظاهر محتوای این جمهوری میگردانند خرده بورژوازی که خود را "دمکرات" مینامند و از "مضرات" دیکتاتوری دمکراتیک کارگساران و دهقانان و با اندر زبانه های دیکتاتوری پرولتاریا سخن میرانند بایستی به دو موضوع اشاره شود.

اول این نیروها با توجه به شرایط تولید و زندگی خویش هرگز به خودی خود خواهان براندازی سیستم سرمایه داری وابسته نمیباشند. این موضوع در برنامه هائی که این نیروها برای آینده ایران ترجمه مینمایند کاملاً خود را آشکار میسازد. همچنین در سالهای اخیر در رابطه با چگونگی برخورد آنها چه در نظر و چه در عمل به جنبش خلق کرد و عسکر کوشش در از بین بردن مناسبات امپریالیستی در این منطقه و ایجاد شرایط تولیدی دمکراسی نوین و کمتر از آن حتی عدم طرح ضرورت این امر و برخورد این نیروها به مسئله حق تعیین سرنوشت خلق کرد و مسئله خودمختاری این خلق همه و همه این واقعیت را بوضوح نشان داد که مبارزه نیروهای خرده بورژوازی با رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه هدف نابودی شرایط تحت سلطه گسی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم از ایران را تعقیب نمیکند. البته انسان مخالف دیکتاتوری، مخالف سرکوب و مخالف بسیاری از اجناتانی هستند که تحت رژیم جمهوری اسلامی به توده های خلق روا میبود. با اینحال آنها قادر به رویت ریشه و اساس این مطالب نبوده و نمیتوانند درک کنند که دیکتاتوری جمهوری اسلامی و دیکتاتوری هر رژیم وابسته دیگری که بر سر کار قرار گیرد از وظیفه ای که وی جهت حفظ و حراست از نظام موجود بمثابه یک دولت به مفهوم اخر کلمه بردوش دارد منفک نمیباشد. بر این مبنا آلترناتیو هائی که اینان در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ترجمه میکنند و آنرا تحت نامهای گوناگونی از قبیل "جمهوری دمکراتیک"، "دولت موقت انقلابی"، "جمهوری دمکراتیک انقلابی"، "جمهوری دمکراتیک اسلامی" و

غیره عرضه مینمایند، با همه ادعاهای آزادیخواهی و همه وعده و وعده های بظاهر دمکراتیک - اگرچه بطرح آن وعده ها نیز حداقل مقصور است که به خرج داده میشود - از آنجا که اساس سیستم سرمایه داری وابسته و عمده ترین عامل بقای آن یعنی ارتداد امپریالیستی در آنها مورد حمله قاطع قرار نگرفته اند از شرایط لازم برای برقراری دمکراسی برفع توده های ستم دیده خلق و آزادی برای آنان برخوردار نمیشاگردنیم دیگر و بطور واضحتر باید گفت که این آلترناتیوها همه شرایط لازم را برای استقرار مجدد دیکتاتوریهای امپریالیستی دارا میباشند و لذا هر یک از این یا منطقی اصلاح آلترناتیوهای بهیچنهادی نیروهای خرده بورژوازی در صورتیکه متحقق شوند جز عنوانهای جدیدی در خدمت حفظ شرایط تحت سلطه و اعمال دیکتاتوری و سرکوب بر علیه توده های خلق نخواهند بود.

از طرف دیگر باید روی این امر که واقعیت عملکردهای روزانه سیستم نیروهای سیاسی خرده بورژوازی نیز آنرا تا حدی میکند تا کینموده که فقط در فقدان رهبری پرولتاریا قدرتمند در جامعه مبارزه این نیروها برآیند و کم عمق و ناقص اندازهای وسیع میباشد بلکه افق دید محدود و عدم تکلیف به توده ها، توهم کسب قدرت از طریق بند و بست با قدرتهای مختلف امپریالیستی و غیره که در ماهیت این نیروها نهفته است باعث آن میگردد که هر جا امکان دست بردن از آن صف خلق و منطبق را بخود ساخته و یا حتی با قلندری حقوق دمکراتیک دیگران را نقض نمایند و در سازش با امپریالیسم و نیروهای مترجم ضربات بزرگی بر جنبش ضد امپریالیستی توده ها وارد آورند. آنها به این ترتیب سترونی طبقاتی خود را نشان داده و به این حکم تاریخی مهر تائید میزنند که خرده بورژوازی با باید تحت رهبری پرولتاریا قرار گیرد و یا خود را به بورژوازی که در شرایط ما همانا بورژوازی وابسته میباشد بسپارد و همین جایاید به مسئله دوم در مورد این نیرو اشاره کنیم و بگوئیم که خرده بورژوازی طبقه ای است که بدلیل شرایط مادی تولید خود، فاقد نیرو تولید مستقلی بوده و هم از اینرو قادر به برقراری نظام اقتصادی معین و مختص به خود نمیشاگرد و حتی خود را به نظام موجود وابسته میداند و لذا بخودی خود قصد نابودی نظام موجود را نمیکند. او بر علیه دولت حافظ نظام امپریالیستی موجود میجنگد ولی در حالیکه خود بواقع توان ایجاد "جمهوری" ایده آل خویش را نداشته و ادعاهای کنونی مبنی بر اینکه به صرف نابودی رژیم خیمینسی دمکراسی و آزادی در جامعه برقرار خواهد شد، فاقد حقیقت میباشد در همین حال به جمهوری دمکراتیک خلق و به جامعه ای که پرولتاریا نوید برپایش را مینماید اعتقاد نداشته و آنرا غیر واقعی و غیر علمی میدانند. بیپرده نیست که نیروهای سیاسی منافع این طبقه ضمن ابراز ناراضی از وضع موجود و تبلیغ بر علیه آلترناتیو پرولتاریا، نسبت به توهم پراکنشی زده و نظرگاه هائی را اشاعه میدهند که در مغایرت با تمام تجارب تاریخی قرار دارند. ولی اگر خرده بورژوازی بنا بدلیل مختلف از جمله بنا بدلیلی که فوقا اشاره رفت قادر به رهبری انقلاب جهت نابودی سلطه امپریالیستی نمیشاگرد و در شرایطی که حول آزادی و دمکراسی جز بسا نابودی نظام سرمایه داری وابسته امکانپذیر نبوده و در نتیجه نیروهای که هستند خود را صرفاً برانداختن "رژیم خیمینسی" قرار داده اند، هرگز قادر به تحقق دمکراسی و آزادی در جامعه نخواهند بود. پرولتاریا تنها طبقه ای است که توانائی و رسالت نابودی نظام موجود و برقراری

رزمندگان سياهك و تجربيات مبارزه مسلحانه‌اي كه آنها در جامعه‌ما زمان دادند و چه تجربيات قيام بهمن و مبارزات دهساله اخير بر رويني نشان داده است كه براي رسيدن به آزادي و دمكراسي راهي جز ناپودي سلطه امپرياليسم و برقراري جمهوري دمكراتيك خلق غرايط را براي گذار به سوسياليسم مهيا مينمايد .

خلقهاي ما در هفتاد سال اخير زير سلطه سلنت رضا شاه و پسرش محمدرضا شاه و جانشين خلفرخميني جنايتكار اسارت و بندگي را بهينه شده و تجربه کرده‌اند ، آنها رنج و عذاب نيكتاتورهاي امپرياليسني و رژيم هائي كه حافظ سلطه امپرياليسني واستعمار و بندگي مردم بوده‌اند را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند در نتيجه براي آنان قابل ترك بوده و بايد به اين امرا گاهي يابند كه براي رهائي از اسارت و دستيابي به آزادي در ايراني آزاد و دمكراتيك و مستقل همچ راهي جز سرنگوني اين رژيمها و ناپودي فئال سرمایه‌داري وابسته و قطع قطعي سلطه امپرياليسم وجود ندارد و اين نيز همانطور كه گفته شد تنها با برقراري جمهوري دمكراتيك خلق به رهبري طبقه كارگر امكانپذير بوده و هر راهي جز اين توهمني بيش نيست .

بنابراين تاريخ دوچشم اندازه بيشتر در مقابل خلقها و طبقه كارگر ما قرار نداده است با ايراني تحت سلطه و غرقه در بحران و فقر و فلاكت يعني ايراني زير يوغ نيكتاتورهاي امپرياليسني و با ايراني مستقل و آزاد و دمكراتيك يعني ايراني تحت حاكميت جمهوري دمكراتيك خلق ؛ يا اسارت يا آزادي - طبقه كارگر و توده‌هاي مستعبد ما كه همان غرايط اختناق و نكبت بار جمهوري اسلامي را تجربه کرده‌اند بايد بدانند كه چه تحليل

جاودان باد خاطره عهداي رستاخيز سياهك و قيام بهمن
مرگ بر امپرياليسم و سگهاي زنجيرش
مرگ بر رژيم وابسته به امپرياليسم جمهوري اسلامي
زنده باد مبارزه مسلحانه كه تنها راه رسيدن به آزاديست
برقرار يا جمهوري دمكراتيك خلق بر رهبري طبقه كارگر

با ايمان به پيروزي راهمان
چريكهاي فدائي خلق ايران
۱۹/ بهمن ۶۷



غسان شاري'ادي



محمد رحيم رسامي



صفائي فراهاني فرمانده مبارزان سياهك



اسماعيل جني غرايي



هادي بنده عبدالكرودي



محمد علي معتمد فندقي



هوشنگ نوري



احمد فرھوسي



محمد هادي هادي



ناصر صفاي فراهاني



جليل انوردي



شجاع‌الله شمشي



محمد مهدي اسحاقی



عهور حسن پور اصل



اسكندر رحيمي

"آیات شیطانی" مستمسکی برای مقاصد ضد خلقی

جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

شد در حال حاضر به تهرگی روابسط نیپلماتیک بین جمهوری اسلامی و دول مختلف امپریالیستی انجامیده است. کشورهای بازار مشترک اروپا سفیران و کارداران سفارتخانه‌های خود را از تهران فرا خواندند بوش رئیس جمهور آمریکا ضمن تقبیح تهدید برگ برعلیه رشدی از تصمیم جامعه اقتصادی اروپا مبنی بر فراخواندن سفرا و کاردارهای خود از تهران جانبداری نمود. دولت آلمان اظهار کرد موافقت نامه فرهنگی دو جانبه‌ای که اخیرا بین آلمان و ایران منعقد شده است اجرا نخواهد شد و خواستار اجرای مجازات اقتصادی برعلیه ایران گردید.

وزیر تجارت خارجه فنلاند سفر خود به تهران را باطل کرد و ۰۰۰۰ و خلاصه باین ترتیب از مساله‌ای که نارای بار منعی بوده و موضوع منعی عمرده میشود یک موضوع کاملاً سیاسی پدیدار شد و بعبارت صحیحتر معلوم شد که موضوع کتاب آیات شیطانی و جنجال بر سر آن در واقعیت امر هرچه بوده باعد اکنون به مثابه موضوعی سیاسی مطرح بوده و بالطبع در خدمت پیشبرد اهداف سیاسی معینسی قرار گرفته است.

البته باید دانست که قرار گرفتن موضوع کتاب فوق الذکر بعنوان ستاویزی سیاسی نه ابداع خمینی بوده است و نه

ورزید و بالاخره خامنه‌ای که در آنزمان در یوگسلاوی به سر میبرد بگونه‌ای که این فتوا را بسیار بلاهت آمیز یافته و از آن بچار شگفتی شده است اظهار داشت که گناه سلمان رشدی در صورت ندامت از کرده خویش مورد بخشش قرار خواهد گرفت.

باری خمینی همچنان بر اجرای فتوای مزبور اصرار ورزیده و طی پیامی ضمن تاکید بر شعار باصطلاح "نه شرقی و نه غربی" عوامفریبانه اظهار داشت: "استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و عزل اقتصادی را بدنبال آورد ما در جا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر مینمائیم ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها بدست می‌آوریم"

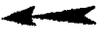
در ادامه این روند اکنون دو مرزبندی یکی برله و دیگری برعلیه جمهوری اسلامی در سطح جهان بوجود آمده است و خبرگزارها در حالیکه مثلاً از تظاهرات "مسلمانان" در پاکستان و هندوستان بخاطر اعتراض به انتشار کتاب آیات شیطانی و از ارقام کشته شده‌های تظاهرات یاد شده بدست پلیس این کشورها خبر میدهند اعتراض رؤسا و دست اندرکاران دول و محافل مختلف امپریالیستی را نیز که گوئی تازه متوجه نقض حق بیان از طرف خمینی و نیکتا توری و خونخواری وی شده اند منعمک میسازند.

ادامه این روند همانطور که گفته

از طرف خدا نازل نشده بلکه توسط پیامبر و یا کسی دیگر برشته تحریر شده است. ولی طرح همین موضوعات در کتاب مذکور کافی بوده است که خمینی گویا بدلیل آنکه سلمان رشدی به پیامبر اسلام اهافت نموده است فتوای قتل برای وی صادر نماید و مقامات رژیم جمهوری اسلامی وعده پرداخت بیش از یک میلیون دلار جایزه برای کسی که رشدی را به قتل برساند تعیین کنند و دول امپریالیستی در جامعه اقتصادی اروپا در عکس العمل نسبت به فرمان خمینی با ژست دفاع از دمکراسی و دفاع از حق آزادی بیان سفرای خود را از تهران فراخوانند و باین ترتیب با هم آوازی نیکگردول امپریالیستی رابطه امپریالیستها با اصطلاح معروف رابطه غرب با رژیم جمهوری اسلامی که پس از برقراری آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق و طرح مساله بازسازی مورقت تا صورت خوش خویش را باز یابد به سردی و تیرگی بگرایند.

فتوای خمینی در ابتدای امر واکنش‌های متفاوتی را در بین سردمداران رژیم بوجود آورده و رفسنجانی پس از مدتی سکوت طی "خطبه‌های" نماز جمعه بدون آنکه در مورد فتوای مزبور اظهار نظر مشخصی بنماید در حواشی آن صحبت کرد. موسوی نخست وزیر بر ضرورت اجرای فتوای امام و قتل سلمان رشدی تاکید





این امر صرفاً محدود به کشور ایران می‌باشد و اساساً قبل از اینکه خمینی بیاد صدور فتوای مرگ برای نویسنده کتاب آیات عیطانی بیاقتد، مترجمین دیگر از جمله در هندوستان و پاکستان برای مقاصد سیاسی دیگری و مشخصاً جهت انحراف مسیر مبارزاتی توده‌های تحت‌ستم‌لین کشورها که دارای پتانسیل مبارزه ضدامپریالیستی قوی می‌باشند از آن سود برده‌اند. متوجه‌الجب است بدانیم که حدود سه ماه پیش در جلسه‌ای که از اغلب سفرای کشورهای اسلامی به پشتیبانی عربستان تشکیل یافته و کارزار سفارت جمهوری اسلامی در لندن نیز در آن حرکت ناعنت کتاب مزبور مورد بحث قرار گرفته و حداکثر مقرر شده بود که در چارچوب قوانین انگلوس به این کتاب برخورد نمود. بدون آنکه این موضوع گهری مورد اعتراض دیگر مقامات جمهوری اسلامی قرار گیرد و یا خمینی در آن زمان لازم ببیند جاروجنجال امروزی خود را در مورد سلمان رشیدی و کتاب وی برآه افشازد. حتی پیش از این در خود نشریات رژیم یعنی در کیهان فرهنگی، کتاب مزبور مورد نقد و بررسی قرار گرفته بود.

در حال در رابطه با جاروجنجال اخیر در مورد کتاب آیات عیطانی طرح مسئله در هر دو وجه خویشچه در رابطه با خمینی مزبور که تحت پوشش اسلام‌خواهی فتوای مرگ برای نویسنده آن تعیین نموده و چه در رابطه با دول و محافل مختلف امپریالیستی که گویا فتوای خمینی موجب جریحه‌دار شدن وجدان آزادیخواهان

آنان گردیده هیچگونه جای شکی در اینکه موضوع کتاب «آیات عیطانی» جز یک سوز و تبلیغاتی جهت پیشبرد مقاصد امپریالیستی خاص و ستاویزی برای لایوشانی واقعیاتی از انظار توده‌ها نمی‌باشد باقی نمی‌گذارد ولی برای پی بردن هرچه بیشتر به کنه واقعیت لازمست ضمن باآوری و تاکید بر تجربه توده‌های آگاه و مبارز ما که همال است حکومت‌ها و رژیم‌ها وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را با پوست و گوشت خود لمس کرده و چهره مکار و فریبکار سردمداران این رژیم و اربابان امپریالیست آنان را در جلوه‌های گوناگون دیده‌اند اندکی به توضیح موضوع بپردازیم.

رژیم جمهوری اسلامی بمثابه رژیم وابسته به امپریالیسم که استقرار خود را مدیون سیاست نو استعماری محملاند امپریالیستی است از بدو بر سر کار آمدن چهره کریمه خویش را با دو نقاب پوشانده است. نقاب اسلام‌خواهی و نقاب ضد امپریالیستی و تحت این پوشش ارتجاعی‌ترین و بیش‌رمانه‌ترین سیاستها و عملکرد را در جهت تامین منافع امپریالیست‌ها در ایران پیش برده است. تا آنجا که به التجا این رژیم به اسلام مربوط می‌شود تا کنون در رابطه با ریزترین تا اساسی‌ترین مسائل جامعه نشان داده شده که در حالیکه آنان پیشبرد سیاستهای امپریالیستی را با منهی بودن حکومت و اجرای اصول و موازین اسلامی توجیه نموده‌اند در عین حال هرکجا که الزام تامین منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته حکم

به نایده گرفتن و زیر پا گذاشتن حتی آشکارترین قوانین منقوب به اسلام و طرف عموم مسلمانان داده است اندک تردیدی در اجرای آن حکم بخود راه نداده‌اند.

در وجه انعای ضد امپریالیست بودن نیز که جمهوری اسلامی تا کنون با ما نوره‌های متعدّد سود فراوانی از آن برده است، صرف نظر از گویائی تحلیل‌های مارکسیستی از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، رسوائی نمونه‌هایی همچون «افعال سفارت آمریکا» و جریان رسوائی «ایران گیت» تماماً کتب انعای ضد امپریالیست بودن این رژیم را آشکار ساخته و در عین حال چهره مکار امپریالیست‌ها را که ظاهراً خود را مخالف با اعمال فاجعه بار جمهوری اسلامی قلمداد مینمایند و بنمایش گذاشته است. ولی علیرغم افشای این واقعات یعنی افشای انعاهای ضد امپریالیستی و اسلام خواهی کاتب رژیم جمهوری اسلامی در پیشگاه خلقهای آگاه ما، مترجمین جهت پیشبرد مقاصد ضد خلقیمان باز به چنین ترفندهای کهنه‌ای توسل می‌جویند گویی که چاره‌ای جز آن ندارند و چنانچه امروز در رابطه با جنجالی که بر سر انتشار کتاب «آیات عیطانی» جدا از طرف رژیم جمهوری اسلامی وجه از طرف محافل مختلف امپریالیستی برپا شده است و

بلعد آنهم که با تاکید بر منهی بودن رژیم جمهوری اسلامی و اسلام خواهی وی، کوششها تماماً مصروف القا این تصور بوج و باطل گردیده‌است که گویا اقدام اخیر خمینی بدلیل اعتقادات منهی وی صورت گرفته و گویا این تمعبات ضدک منهی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است که مسیر جامعه



پیش بسوی سازماندهی هسته‌های سیاسی - نظامی در شهرها

مطلب دیگری که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد اینست که با جنجال اخیر در مورد کتاب مذکور بواقع برده نمایشی در حال اجراست که اگر در آن کراهت چهره خمینی و رژیم جمهوری اسلامی با برجستگی هرچه بیشتر در انظار جهانیان نمایانده میشود. امری که پیش از این نیز در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق و اخیرا در رابطه با موج اعدامها و قتل عام زندانیان سیاسی توسط این رژیم ددمنش، شناخته شده بود. امپریالیستها با بعمده گرفتن رل مقابل نقش خمینی در این نمایش، با برافراشتن پرچم دروغین مخالفت با اقدام خمینی و دفاع از آزادی بیان سعی دارند ضمن پیشبرد اهداف و مقاصد معینی که منظور نمایش فوق الذکر است از این نمذ کلاهی نیز برای خویش بدوزند و در حالیکه در بین افکار عمومی جهان خود را آزادیخواه و مخالف دیکتاتوری جلوه می دهند، بار دیگر دست به فریب توده های مبارز ما زده و در میان آنان زمینه مقبولیت برای خویش بوجود آورند. بر این اساس دستگاه های تبلیغاتی غرب با بدست گرفتن مستمک فتوای خمینی — — — — — تبلیغاتی جدیدی بر له امپریالیستها بدست آورده و چنین جلوه می دهند که گویا موضع گیری دول مختلف امپریالیستی بر علیه فتوای خمینی و جنجال بر سر آن بدلیل مخالفت امپریالیستها با اعمال دیکتاتوری (؟!) و عدم تحمل نقض حق بیان از طرف رژیم جمهوری اسلامی می باشد!! ولی این توجه برای تمامی کسانی که با چهره امپریالیسم چه در کشورهای متروپل و چه در کشورهای وابسته به امپریالیسم آشنائی داشته و ستان خون آلود امپریالیستها را که

را تعیین و سرنوشت آنها رقم میزنند، ولی تمسک به این توجیه مضحک، رسواتر از آنست که موجب فریب توجه های آگاه و مبارز ما گردد؛ آنها از خود می پرسند مگر مطالب مندرج در کتاب آیات شیطانی تازگی دارد؟ مگر تا کنون مطالبی نظیر آنچه در آن کتاب در مورد پیامبر اسلام و غیره درج شده است در خود ایران و بر زبان بسیاری از مردم ایران جاری نیست؟ وانگهی چگونه است که خمینی برای کسی که در خاک کشوری دورست کتابی بر علیه "پیامبر" نوشته است فرمان قتل صادر می کند ولی در خود خاک ایران دست دوستی به سوی رویزیونیستها نی تراز می کند که هر چند اصول مارکسیسم را زیر پا نهاده اند ولی در حال آتئیست محسوب می گردند. نکند اعتقاد و تعصب خمینی به "پیامبر خدا" بیشتر از "خدای پیامبر" است؟! پاسخ خلقهای آگاه ما به این سئوالات روشنگر بسیاری از واقعتهاست و قبل از هر چیز این حقیقت را بر ملا میسازد که در حال اعتقاد باطنی خمینی هر چه بوده باشد یک چیز مسلم است و آن اینکه مقام "خدای" خمینی یعنی امپریالیسم از هر مقامی در نزد وی ارجحتر است و مصالح و منافع این "خدا" است که زبان او را برای صدور فرمان قتل سلمان رشیدی و فخر دین دست رویزیونیستها توانمند میسازد. والا اعتقادات مذهبی شخص خمینی دلیل فتوای او در مورد سلمان رشیدی نیست. حقیقت را بخواهیم اصل مطلب این است که نه ظاهرا به خصم آمدن خمینی این مزبور حقیر درگاه امپریالیسم از کتاب آیات شیطانی و نه صدور فتوای مرگ برای نویسنده آن توسط وی به خود این شخص و کتاب وی بر نمی گردد.

با از آستین سگان زنجیریشان در کشورهای تحت سلطه خویش بیرون آمده و یا مستقیما بر علیه زحمتکشان و توده های مبارز فجایع ننکین و جنایت باری آفریده اند، باز میهناسند مضحک ای بیس محسوب نمی شود و در حقیقت باید گشت امپریالیستها غرق در گرداب بحرانسی بزرگ و در شرایطی که رژیم دست نشانده شان در ایران در میان افلاس و ورعکستگی اقتصادی و سیاسی دست و پا میزند در چنان موقعیتی به سر می برند که قادر به لایوشانی طرح توطئه گرانه خویش در ظاهری آراسته و منطقی نبوده و زیوانه موضوعی را ستاویز پیشبرد مقاصد ارتجاعی خویش قرار ندهند که ماهیت توطئه گرانه آن از پیش بر ملاست. اگر اندکی به نتایج و اثرات حاصل از آنچه مورد تمسک هم رژیم خمینی و هم امپریالیستها قرار گرفته است توجه نمائیم خواهیم دید که در اینجا بواقع برده نمایشی در حال اجراست که از جهاتی با نمایش تخیر سفارت امریکا توسط مزدوران جمهوری اسلامی و جنجال دول و محافل مختلف امپریالیستی بر سر آن شباهت دارد. همه می دانند که نمایش تخیر سفارت امریکا اساسا با توجه به شرایط بحرانی درون جامعه ایران و با توجه به مخمدهای که رژیم جمهوری اسلامی در آن گرفتار آمده بود بوقوع پیوست و منجر به ظاهرا قطع ارتباط رژیم با امپریالیسم امریکا و تهرگی و سردی رابطه آن با دیگر دول امپریالیستی گشت که از آن هم رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و هم امپریالیستها سود فراوانی بردند. اکنون نیز توطئه صدور فتوای مرگ

و باعث چنان بلیسو و آشفتگی در دستگاههای دولتی گردیده که به جرات می‌توان گفت که از مدت‌ها پیش هیچ امری بدون برخورد با موانع گوناگون پیش نمی‌رود و بسیاری از امور بدلیل عملکرد این تضادها مواجهه با بن‌بست می‌یابند.

پس از برقراری آتش‌بس در جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق و طرح مسئله بازسازی عمدتاً دو خط کاملاً متمایز یعنی راه‌حلهایی جهت غلبه بر بحران و به گرفتن درآوردن چرخهای اقتصاد وابسته و مقابله با توده‌ها و مبارزات آنان در مقابل یکدیگر قرار گرفته و مبارزه‌ای حاد بین آن دو در جریان بوده است. اگر چه منشا و چگونگی عملکرد این خطوط که انعکاس خود را در عملکرد جناحهای درون هیئت‌حاکمه نشان می‌دهد باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد ولی در اینجا میتوان دوخط مذکور را در کلیت خود به این صورت از یکدیگر تفکیک نمود که خط اول تحقق منظور فوق یعنی مهار و تخفیف بحران و حراست از نظام موجود در مقابل تعرض توده‌ها را در دعوت سولیه‌ناران خارجی به ایران و سرمایه‌گذاریهای وسیع ارزیابی نموده و بر این اساس لزوم تغییراتی را در شعارها و بعضی امور سیاسی و اجتماعی لازم می‌شمارد. منافعی این خط از جمله رفسنجانی و خامنه‌ای تحت عنوان "ما باید از صنعت و تکنولوژی غرب استفاده کنیم" به تجدید رابطه با دول امپریالیستی و حتی ارتباط گیری علنی با "شیطان بزرگ" امریکا روی خود نشان داده و عملاً خواستار علنی کردن رابطه بیندانی جمهوری اسلامی با امپریالیست‌هاست. ولی خط دوم که موسوی و محتشمی و غیره در پشت آن قرار گرفته‌اند

وسعت جنگ امپریالیستی ایران و عراق در طی ۸ سال بودجه عظیمی را بلعیده و خرابی و خسارت فراوانی بجای گذاشته است و در شرایطی که دولت برای ترمیم خرابیهای جنگ و حتی تامین ضروری‌ترین نیازهای جامعه با کسری بودجه عظیمی روبروست باعث آن شده که جامعه با ورعکتگی اقتصادی کامل مواجه گردد. اقتصاد ورعکسته به نوبه خود اثرات مخرب خویش را در شئون مختلف اجتماعی و سیاسی بجای گذاشته و شرایط بسیار ناهنجاره پیچیده و سردرگمی را برای گردانندگان سیستم موجود بوجود آورده است. در بطن چنین اوضاعی تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد توده‌های تحت سلطه ما با امپریالیسم و سگان زنجیرش حسد و شدت هرچه بیشتری یافته و جامعه را تماماً و پیش از پیش در حالت انفجاری شدید قرار داده است. در چنین شرایطی است که امپریالیستها و ایالتشان در ایران در حالیکه هراس از توده‌ها و سیل مبارزات بنیان‌کنشان، آنان را در وحشت فرو برده است جهت نجات سیستم منط سرمایه‌داری وابسته ایران سخت به تکاپو افتاده‌اند، بگونه‌ای که امروز مساله راه‌اندازی چرخهای زندگی سیستم وابسته حاکم بر ایران و مقابله با توده‌ها و مبارزات قهرمانان نشان معض اصلی و حیاتی آنان را تشکیل می‌دهد.

ماحصل این واقعیت‌ارائه راه‌حلهای گوناگون و کوشش در پیشبرد خطوط سیاسی-اقتصادی معین و مقابله و کفاکر این راه‌حلهای با یکدیگر می‌باشد که خود را در تضادهای حاد و علاج‌ناپذیر جناحهای مختلف درون هیئت‌حاکمه منعکس ساخته است. تضادهایی که رشد دائم‌التزاید آنها بنوبه خود بر وخامت اوضاع افزوده

برای نویسنده کتاب آیات‌شیطانی از طرف خمینی و جنرال امپریالیستی بر سر آن اگر چه در شرایطی کاملاً متفاوت از شرایط تسخیر سفارت امریکا بوقوع می‌پیوندد و اگر این امر درست برخلاف آنموقع نه در جهت ایجاد محبوبیت برای خمینی و رژیم وابسته‌اش بلکه در متن نفرت و انزجار عمومی نسبت به این رژیم، چهره رسوائی از آنرا به جهان‌نشان نشان می‌دهد همانند توطئه سفارت بر دو پایه استوار است. اول پاس‌گونی هرچند موقتی بسه به نیازهای جامعه بحران زده ایران در جهت تحکیم سلطه امپریالیستی و سرکوب هرچه بیشتر مبارزات توده‌ها و نوم‌پیشبرد سیاست ظاهر خصومت آمیز بخشمین به رابطه جمهوری اسلامی با دول امپریالیستی و به اصطلاح قطع ارتباطات این رژیم با امپریالیستها. بر این اساس جهت ترک هرچه روشنتر مقاصدی که از جارو جنرال اخیر در مورد کتاب آیات‌شیطانی تعقیب می‌شود باید توجه خود را قبل از هر چیز به سوی شرایط بحران زده ایران و موقعیت وخامت باری که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است معطوف داریم.

واقعیت اینست که وابستگی جامعه ما به سیستم جهانی امپریالیسم در شرایطی که این سیستم سالهاست در گرداب بحرانی عمیق غوطه‌ور است موجب نابسامانی‌های بسیاری در اوضاع اقتصادی و اجتماعی جامعه ما می‌باشد خوابیدن تولید و زندگی چرخهای سیستم سرمایه‌داری وابسته حاکم، تقلیل درآمد نفت بمثابه ماده‌ای که عمده‌ترین درآمد ایران از ارز حاصل از فروش آن بنسبت می‌آید در اثر اشیاع بازارهای جهانی از این ماده، در حالیکه جنگی با حسد و

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

خویش به پیش میبرند، بنا بر این امروز در اوضاع وخامت بار جامعه که خطوط سیاسی - اقتصادی متفاوت در مقابل یکدیگر قرار گرفته و تلاشهای مغایر هم جهت راه اندازی سیستم بحران زده سرمایه - داری وابسته در جریان است، این امر قبل از هر چیز بیانگر عدت بحران علاج ناپذیر نظام موجود و عدم موفقیت راه‌حلهای تاکنونی امپریالیستها در مهار و یا تخفیف این بحران بوده و در یک کلام عمق ناتوانی آنان جهت چاره‌جویی برای حل این معضل را نشان میدهد.

این واقعیتی است که ۸ ماه پس از برقراری آتش بس در جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق و طرح مسئله بازسازی امپریالیستها هنوز موفق به جا انداختن خط سیاسی - اقتصادی معین و مشخصی در ایران نشده‌اند و بواقع هنوز سیاست معینی نتوانسته است بمثابة سیاست تثبیت‌شده امپریالیستی در جامعه ما به پیش برده شود.

حال در بطن چنین شرایطی است که باید و میتوان مقاصد را که امپریالیستها از یکسو و خمینی در رأس رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از سوی دیگر از جنجال بر سر کتاب آیات شیطانی تعقیب مینمایند با توجه به نتایج عملی و سیاسی حاصل از این امر در اوضاع بحرانی ایران تخصص داده و جوانب آنرا مورد توجه قرار داد.

همانطور که میدانیم انتشار کتاب آیات شیطانی و فتوای خمینی مبنی بر قتل نویسنده آن و سپس جنجال تبلیغاتی غرب دایر بر دفاع از آزادی بیان و تقبیح فتوای خمینی منجر به قطع روابط نهیلماتیک جمهوری اسلامی با دولت انگلیس گشت در حالیکه هنوز بیش از یکماه

برعکس با انگشت گذاشتن بر فقر و کمبود صنایع پایه‌ای در کشور و طرح این امر که در شرایط کنونی جامعه دچار جنسان "تنگناهای اقتصادی" است که اساساً از ظرفیت لازم جهت جذب سرمایه‌های وسیع برخوردار نمیبازد راه نجات سیستم پوسیده سرمایه‌داری وابسته و حراست از آن را در پایه‌ریزی زیرساختهای لازم و رفع تنگناهای اقتصادی موجود و آماده‌سازیهای مقدماتی جهت جذب سرمایه‌های کلان امپریالیستی میداند. بر این مبنا اگر مثلاً مدافعین خط اول اخذ وام از دول امپریالیستی را لازم می‌شمارند، مدافعین خط دوم برعکس بر لزوم استقرار وام از منابع داخلی و تامین قسمتی از هزینه‌های دولت از طریق اخذ مالیات از سرمایه‌داران بخش خصوصی و غیره تاکید می‌ورزند و بر چنین اساسی است که خط دوم بهیچوجه آشکار ساختن روابط پنهانی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را با امپریالیستها جایز ندانسته و تعداد شمارهای دروغین ضد امپریالیستی پیشین و ابراز خصومت ظاهری با دول امپریالیستی را امری لازم در جهت حفظ و حراست از نظام تلقی میکند.

نکته‌ای که در اینجا باید مورد تاکید قرار گیرد این است که تعیین جهت سیاستهای جمهوری اسلامی با توجه به وابستگی این رژیم و نظام سرمایه‌داری حاکم به امپریالیسم در همه عرصه‌های عهده امپریالیستها قرار دارد و این آنها هستند که در هر موقعیت معینی بسا تشخیص اینکه چه سیاستی در آن مقطع خاص بنحو هر چه مطلوبتر متضمن تامین منافع مادی آنانست کل نظام را در آن جهت هدایت نموده و با همیاری سگان زنجیری



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



نمودند و این کتاب دستاویزی شد که با آن نیت و مقاصد ارتجاعی معینی را پیش ببرند. بر چنین اساسی بود که خمینی با قاطعیتی که آنرا مدیون مزدوری خویش در بارگاه امیرالایم میباید بلافاصله پس از صدور فرمان قتل برای نویسنده کتاب مزبور طی بهای اظهار داشت که "تامن هتم نخواهم گذاشت حکومت بدست لیبرالها بیافته تا من هتم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد و..." و آنگاه خطاب به جناح مخالف موجود در ماهین دولتی گفت "آنانی که هنوز در این باورند و تهدید میکنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر کنیم و ما خطا کرده ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدیم که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی شرق و غرب نسبت به ما و نهایتاً انزوای این کشور شده است و اگر ما واقع بینانه عمل کنیم آنان با ما برخورد متقابل انسانی میکنند و احترام متقابل به ملتها و مسلمین میگذارند، این یک نمونه است که خدا میخواست پس از انتشار کتاب کفر آمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیافتد و دنیای استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در نشانی نیرینه اش با اسلام برملا سازد تا ما از سادگی اندیشی بدر آئیم."

بله منافع خدای خمینی یعنی امیرالایم در حال حاضر "تجدید در سیاست و اصول و دیپلماسی" را ایجاد نمیکند و خواهان "عمل واقع بینانه" و بهرون آمدن از "انزوا" نمیباشد و در نتیجه کتاب "کفر آمیز آیات شیطانی" لازم شده است تا آنان از سادگی اندیشی بدر آیند و... اینها آن خطوط اساسی است که

امیرالایستها و سگان زنجیرشان در ایران از جنجال اخیر خود در مورد کتاب آیات شیطانی تعقیب میکنند. ولی قبل از جمع بندی مشخص موضوع لازم است این نکته توضیح داده شود که کتاب آیات شیطانی حداقل ۶ ماه قبل از تعبت خمینی - بدان انتشار یافت و در بعضی از کشورهایی که دارای اهالی مسلمان میباشند توسط مترجمینی که با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی و عقب ماندگی و ناآگاهی توده ها در صف آنان نفوذ کرده اند بعنوان وسیله ای جهت تحریف مبارزات ضد امیرالایستی آنان بکار گرفته شده است البته این امر خود بیانگر تلاشی مذبحخانه دیگری از طرف امیرالایم می باشد که میکوشد در مقابل توده های که در شرایط بحرانی کنونی وسیعاً بسوی مبارزه روی می آورند، به منب توستل جسته و به این وسیله محتوای مبارزات ضد امیرالایستی آنان را کم رنگ و بسا از واقعیت انقلابی خویش تهی سازد.

همچنین در ایران جنجال در مورد کتاب آیات شیطانی در خدمت این امر قرار دارد که افکار عمومی چه در ایران و چه در سطح جهان را از اعمال بغایست جنایتکارانه ای که سردمداران دهنش جمهوری اسلامی با اعدام فجیع و گسترده زندانیان سیاسی بدان دست زده و بطور بی سابقه خون هزاران کمونیست و مبارز در میهنمان را به کباره بر زمین ریخته، منحرف نمایند و چنین فاجعه خشم انگیزی را تحت الشعاع جنجال در مورد کتاب مزبور قرار دهند. موضوع دیگری از موارد سوء استفاده امیرالایستی از کتاب آیات شیطانی که نباید آنرا از نظر دور داشت اینست که با توجه به تنفر و انزجار عمومی مردم مبارز ایران از رژیم جمهوری اسلامی و

بخش خمینی مزدور امیرالایستها با ایفای نقش مخالف خمینی و رژیم ضد خلقی اش در نمایش اخیر سعی در فریب افکار عمومی مردم ما و هم رنگ و هم رای نشان دادن خود با آنان را داشته و بدین نحو می کوشد در شرایطی که دیگر امکان بر سر کار نگاه داشتن رژیم خمینی نبود بسا چهره بزرگ شده خود را در صف توده های خلق قرار دهند و سیاست محالانه دیگری را بر علیه خلقهای ما به اجرا در آورند. اما در جمع بندی اصلی ترین مقاصد در برپائی جنجال در مورد کتاب آیات شیطانی باید گفت که ساله نه بر سر ادعای مضحک خمینی و نه بر سر ادعاهای کاتب امیرالایستهاست. این کتاب در جامعه بحران زده ایران و در شرایط ورشکستگی اقتصادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی که امیرالایستها و ایادی آنان را ناتوان از به گیری و تثبیت سیاست امیرالایستی معینی نموده است بمثابه دست آویزی در خدمت به فساد سیاستی قرار گرفته است که از نقطه نظر تامین منافع امیرالایستی ایجا تغییراتی را در اوضاع جدیداً پیش آمده و قطع ارتباطات علنی رژیم جمهوری اسلامی با دول امیرالایستی را ضروری شمرده و اساساً کتمان رابطه ارگانیک این رژیم با امیرالایستها و تاکید بر بنیادگرایی و مذهبی بودن آنرا حکم می کند بدون شك تغییر و تحولات سیاستهای خارجی و حل و سفت شدن رابطه دیپلماتیک و ظاهری این رژیم با دول مختلف امیرالایستی به نوبه خود بازتاب و انعکاس آزمایش "راه حل های" متفاوتی است که حل و تغفیف بحران درمان ناپذیر و عمیق گریبانگیر رژیم

جایگاه و نقش کنونی مبارزه مسلحانه در جنبش خلق کرد

از صفحه ۴۶

مسلحانه یا امپریالیستها و رژیمهای ستمگر و وابسته به آنان که غیر از زبان گلوله هیچ منطقی را نمیفهمند، وجود ندارد. و تنها تضمین و اهرم قدرتمند برای مقابله با اعمال ستم این دیکتاتوری های امپریالیستی و جهت گیری عملی در راستای کسب حق تعیین سرنوشت همانا وجود یک نیروی توده ای مسلح و ارتش نیرومندی است که متعلق به خود آنها باشد. به همین دلیل است که در تاریخ معاصر میهن تحت سلطه ما سنت درخشان مبارزه مسلحانه انقلابی بویژه در نزد توده های محروم کردستان اهمیت درخور ستایشی یافته و در طول سالهای متمادی هزاران تن از فرزندان رشید این خلق در زنجیر در لباس مقننس "پیشمرگه" خلق سلاح بدست گرفته و در راه آرمانهای انقلابی مردم خویش، در میدانهای نابرابر جانشان را فدا ساخته اند. اتفاقا به دلیل وجود چنین منبع انقلابی بیکرانی است که جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم در طول یک دهه سرکوب عنان گسیخته و جناایتبار و با وجود استقرار بیش از صدها هزار مزدور تا بین دندان مسلح و هزاران پایگاه سرکوب در این خطه، هنوز قادر به درهم شکستن مقاومت انقلابی این خلق در زنجیر نشده است.

بعلاوه، تجربه یک دهه اخیر جنبش انقلابی خلق کرد و تجربه درخشان جنبش انقلابی سراسری چه در دوره شاه و چه بعد از آن برای تمامی آنها که چشمی برای دیدن و گوشه ای برای شنیدن نداشته اند بروشنی حیرت انگیزی ثابت نمود که در شرایط دیکتاتوری امپریالیستی و سرکوب سیستماتیک ناشی از آن، سازمانهای پیشرو و تشکلهای انقلابی تنها با توسل به مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی مبارزه توانستند ادامه کاری و بقاء رزمنده خود را حفظ و تضمین نمایند.

این امر بمنابا به حقیقتی بسه ثبوت رسیده و صریح مبارزاتی در جامعه تحت سلطه ما و بالطبع در کردستان تهران بیانگر نقش محوری و اساسی مبارزه مسلحانه انقلابی در امر پیشروی جنبش جاری بمنظور بسیج و تشکل توده ها در راه تحقق خواستهای دمکراتیک و فدا امپریالیستی آنان بر علیه رژیم جنایتکار حاکم میباشد.

از همین جاست که در جنبش انقلابی کردستان و در نزد توده های آگاه خلق کرد، یکی از اساسی ترین معیارهای شناخت و محبوبیت سازمانها و احزاب سیاسی، جدا از برنامه و خواستهای هنرنیرو، میزان شرکت این نیرو در مبارزه مسلحانه بر ضد ارتش ضد خلقی و پاسداران سرکوبگر و سایر

نهادهای ستمگر امپریالیستی در کردستان بوده و هست. خلق آگاه و مبارز کرد در طول سالها و در تحریکات زندگی مبارزاتی خویش درک کرده است که رمز پیشروی هرچه بیشتر جنبش حق طلبانه و انقلابی در ارتقاء مبارزه مسلحانه و گسترش میدان و عمق آن و همچنین تقویت مادی و معنوی نیروی نظامی حافظ منافع اوست. این خلق دریافته است که انکشاف و تعمیق هرچه بیشتر جنبش انقلابی در مقابل رژیم وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر حاکم منوط به اعمال قدرت هرچه بیشتر خلق که در ارگانهای مسلح توده ای و در صفوف پیشمرگان سازماندهی شده اند و راهگشائی نظامی و عملی برای این بستر میباشد.

با اینحال، آنچه که امروز در بررسی روند دهساله اخیر جنبش انقلابی خلق کرد و تداوم قهرمانانه کنونی این جنبش بیش از همه جلب نظر میکند عبارت از طرح چند سوال اساسی است. و آن اینکه آرایش و توازن کنونی بین نیروهای مسلح انقلابی و نیروهای سرکوب ضد انقلاب بیش از همه محمول چه عامل و یا عواملی است؟ چرا رژیم وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر جمهوری اسلامی در طول این سالها با وجود مبارزات مسلحانه و قهرمانانه خلق بیخاسته کرد و سازمانهای انقلابی توانسته بیش از هزاران پایگاه ضد خلقی و صدها هزار مزدور سرکوبگر خود را در سراسر کردستان مستقر کرده و بساط چنین میلیتاریزم ضد خلقی و متراکمی را در این خطه پهن سازد؟ و بالاخره چرا با وجود عوامل بسیار مساعدی نظیر کیلومترها منطقه آزاد شده و توده های سلاح برگرفته و بیخاسته و با وجود هزاران پیشمرگه مسلح انقلابی، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی امروز بعد از گذشت دهسال سرکوب خونین و گسترده توانسته است که تفوق نسبی و اجتناب پذیری را در عرصه نظامی کردستان و در مقابل نیروهای انقلابی برای خود تضمین کند؟ و چرا ضربات قهرمانانه و قدرت آتش پیشمرگان دلاور خلق کرد با وجود آنکه توانسته در تمامی این سالها آمایش و امنیست مورد دلخواه نیروها سرکوب رژیم ضد خلقی را از آنان برپا کند هنوز موفق به یک راهگشائی تعیین کننده در پیشروی این مبارزه و جنبش انقلابی نگشته است؟

در پاسخ به این سؤالات تفکرات انحرافی و محدود موجود در جنبش با سطحی نگری و کوتاه بینی قدیمی خویش را ساز کرده و مبارزه مسلحانه را اصولا فاقد ظرفیت برای پیشبرد و قطعیت بخشیدن به جنبش انقلابی قلمداد

به این نکته ضروری است که در این جنگ عادلانه و انقلابی، خلق چگونه و با چه شی و برنامه جنگی و استراتژی نظامی میجنگد. به جرات میتوان گفت که قدرت جنبش خلق در پیشروی برای قطعیت بخشیدن به فرجام این جنبش عادلانه و مسلحانه و آرمانهای سیاسی و انقلابی آن در فهم جدی این نکته نهفته است. اما برغم تمامی این واقعیات روشن مبارزاتی، رهبریهای موجود در جنبش خلق گسرد در حالیکه بخش اساسی هویت و موجودیت امروزه خویشتن را مرهون شرکتشان در عرصه مبارزه مسلحانه انقلابی در این جنبش هستند به این واقعیات روشن اعتنائی نداشته و از آن میگذرند. در طول این سالها، جایگاه مبارزه مسلحانه در دیدگاه آنان نه بعنوان اساسی ترین روش و ابزار برای سازماندهی جنگ انقلابی در راستای کسب قدرت سیاسی و احقاق حقوق به تاراج رفته خلق کرد توسط قدرتهای مرکزی وابسته به امپریالیسم، بلکه حداکثر بعنوان یک عامل فرعی، دارای ارزش و اعتبار بوده است. تزلزل و ناپایداری و درک محدود و خرده بورژوازی آنها که ناشی از موقعیت خاصشان در روابط تولیدی است نه تنها در اعمال تاکتیکیهای سازشکارانه و ارائه برنامه های فرمیستی، بلکه در روش رسیدن به اهدافی که در مقابل خویشتن ترسیم کرده اند نیز به شکل بارزی تجلی یافته است.

بررسی روند دهساله اخیر این جنبش در عرصه نظامی نشان میدهد که با وجود برخورداری مبارزه مسلحانه از پتانسیل بسیار بالایی برای شکل و بسج توده ها از یک سو، و تضعیف پایه های ستم و سلطه امپریالیستی در تمام شئون زندگی توده ها از سوی دیگر، رهبریهای موجود جنبش انقلابی خلق کرد هیچگاه با این شکل اساسی مبارزه به شیوه ای واقع بینانه و جدی برخورد نکرده اند. آنها مبارزه مسلحانه و اعمال قهر انقلابی را در شرایطی که امر انقلاب قهرآمیز و درهم شکستن پایه های قدرت و ستمگری رژیم وابسته و سرکوبگر حاکم بنابه شواهد زنده مبارزه طبقاتی در دستور اصلی کار جنبش انقلابی قرار دارد هیچگاه با این هدف و مضمون به کار نگرفته و نمیگیرند.

به این ترتیب در شرایطی که بخصوص راهگشا شیه های نظامی و گسترش جنگ انقلابی جاری، بزرگترین ضرورت هدایت و پیشروی این مبارزات برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت و آزادی خلق کرد میباشد، آنها سالهاست که این شکل اساسی و محوری مبارزه را در بهترین حالت به عنوان اهرم فشاری بر علیه قدرت مرکزی به کار گرفته اند. و از آنجا که هدف و خلعت اساسی این شکل از مبارزه در نزد آنان بسج و شکل وسیعترین توده های بیخاسته و تحت ستم در ارتش انقلابیشان، خود کردن ارتش ضد خلقی و سایر زوائد سرکوبگر آن و جهت گیری و برنامه ریزی و ارتقاء مبارزه برای کسب قدرت سیاسی و درهم شکستن کلیت نهادها و پایه های مناسبات امپریالیستی حاکم، نبوده است، به همین دلیل مبارزه مسلحانه این نیروها همواره در حد یک "اهرم فشار" موثر نیز کمتر تاثیرات جدی و

میکنند و به این بهانه غیر واقعی برای همان "استراتژیهای" کهنه شده رنگارنگ خویشتن با زار گرمی مینمایند. برخی تفکرات حتی پا را از این حد نیز فراتر گذاشته و بسا تکیه سطحی و یک جانبه به توازن نیروی نظامی موجود در کردستان، با طرح این موضوع که بهر حال نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به لحاظ کمی و به خاطر امکانات وسیع در سطح بسیار بالاتری از نیروی پیشمرگه قرار دارند، نوعی قدر قدرتی برای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قائل شده و با دیدی کوتاه بین و یاس آلود تفوق نیروی نظامی دشمن و اشغال مناطق آزاد شده توسط این نیروی سرکوبگر را امری طبیعی و اجتناب ناپذیر تلقی مینمایند. و منطفا چنین تلقی را در خدمت توجیه اعمال انحرافی کنونی خویشتن قرار میدهند.

صرفنظر از جنبه های دیگر امر اولین خصوصیت بارز چنین اندیشه های ظاهربینانه ای، یکجانبه نگری و ناتوانی آنها در تحلیل دقیق و همه جانبه اوضاع نظامی در کردستان است. در واقعیت امر برداشت سطحی از مسائل "قدر قدرتی" نیروهای سرکوبگر رژیم آنقدر چشم انسان را کور ساخته که ضعفهای جنبش انقلابی در این عرصه از نظر آنها دور مانده است. و به همین خاطر نتیجه گیریهای آنها در نهایت امر به انفعال طلبی مغرپی ختم میگردد که در مقابل جنبش انقلابی و مسلحانه ترمز زده و با ارائه راه حلهای تسلیم طلبانه چشم انداز پیشروی را از او میگیرد.

با توجه به دلائل فوق الذکر و به خاطر مجموعه ای از مسائل دیگر است که امروز بیان خطوط یک تحلیل صحیح از چگونگی وضع مبارزه مسلحانه و جنگ عادلانه خلق کرد و نقش و جایگاه آن در جنبش انقلابی این خلق بر علیه امپریالیست ها و سگان زنجیریشان از اهمیت بسیاری برخوردار میگردد. ما پیش از ورود به بحث اصلی لازم است که بر روی یک نکته مهم انگشت بگذاریم.

مارکسیسم در عین حال که به ما میآموزد که اصولا هر جنگ بیان تداوم سیاستها و منافع طبقاتی معینی در اشکال دیگر است، از سوی دیگر بر این واقعیت روشن نیز صحه میگذارد که خود جنگ صرفنظر از اینکه از لحاظ سیاسی در خدمت پیشبرد چه سیاست معینی (انقلابی یا ضد انقلابی و عادلانه یا غیر عادلانه) قرار دارد، دارای قانونبندیها و پیچیدگیهای خاص خود بعنوان یک فن و علم نیز است. به بیان دیگر در هر مبارزه قهرآمیز درجه موفقیت نیروهای متخاصم صرفنظر از اینکه در راستای چه اهداف و آرمانهای انقلابی یا ضد انقلابی میجنگند در وجه دیگر خویشتن منسوط به شناخت قانونبندیهای خود جنگ بعنوان یک فن و به نتیجه اتخاذ تاکتیک و استراتژی و برنامه جنگی مناسب میباشد. سالها مقاومت مسلحانه و جنگ انقلابی در کردستان هم از این قاعده مستثنی نیست. در شناخت جوانب و چگونگی مبارزه مسلحانه انقلابی در کردستان برای حق تعیین سرنوشت و حصول آزادی نخست باید تاکید کرد که تنها کافی نیست که یک خلق تحت ستم، مسلح شود و بجنگد. در عین حال توجه

یک دهه اخیر در مقابل یورشهای ضد خلقی رژیم حاکم، پیشمرگان دلاور خلق کرد همواره در میدانهای شرف و حماسه آفرینی پوزه نیروهای رنگارنگ سرکوبگر رژیم را به خاک مالیده و خون پاک بسیاری از پیشمرگان انقلابی در اوج افتخار و در نبردهای دهساله اخیر به زمین ریخته شده است و اتفاقا نتایج مثبت و درخشان همین نبردهای دلیرانه است که نمایانگر حقانیت راه پیشمرگان خلق کرد در تداوم یک جنگ توده‌ای و طولانی و انقلابی بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش در این خطه میباشد. اما از آنجا که رهبری این مبارزات و تفکر رهنمون این رهبری بهمانگونه که اشاره گشت، فاقد یک برنامه ریزی انقلابی در امر سازماندهی و پیشبرد این عرصه اساسی مبارزه بوده، مبارزه مسلحانه دلاورانهای که با آتش و جانفشانی بسیاری از فرزندان پیشمرگه خلق کرد انجام گرفته موفق به اخذ نتایج شایسته مبارزاتی و یافتن جایگاه واقعی و نقش موثر خود در راهگشائیهای لازم نگردیده است. بنا بر این در اینجا بحث بر سر محدودیتهای و گاستیهای رهبری این مبارزه و جنگ انقلابی است.

در همین رابطه باید گفت جائیکه کومه‌له بعنوان بخشی از این "رهبری" ندانم کار موجود با تزئین ترهات خرده بورژوازی خود با "مارکسیسم انقلابی" تحقق خودمختاری برای خلق کرد را در چهارچوب برنامه حزب کمونیست کاغذی حداکثر با "بیرون راندن قوای اشغالگر از کردستان" در عین وجود قدرت مرکزی وابسته به امپریالیسم میسر میدانند و ضمناً به رغم ظاهر آراسته با اصطلاح پیش این "خودمختاری" را از هر حکومت بورژوازی [و در شرایط مشخص ما از بورژوازی وابسته به امپریالیسم] هم مطالبه میکند، طبیعی است که با چنین استراتژی سیاسی ای مبارزه مسلحانه انقلابی را نه بعنوان اساسی ترین روش برای امر بسیج و سازماندهی توده‌ها به منظور سرنگونی و کسب حاکمیت سیاسی بلکه بعنوان یک عامل کم رنگ و درجه دوم و یا به عبارت خودش برای "اعمال فشار مستقیم" بر رژیم حاکم و در خدمت سایر اشکال مبارزه ببیند. اشکال دیگری که اتفاقاً خود آنها تنها در بستر این شکل اصلی مبارزه موثر و ادامه کار هستند.

اصولاً کومه‌له در نقش یکی از نیروهای اصلی جنبش انقلابی خلق کرد همواره در صحنه این جنبش با یک تناقض اساسی، یعنی تضاد بین تئوری و عمل خویش روبرو بوده است. در حالیکه بخش اصلی نیروی او یعنی نیروهای نظامی اش در بستر یک مقاومت مسلحانه توده‌ای و طولانی یک خلق بپا خاسته فعالیت کرده و در آن ایفای نقش میکند. از سوی دیگر این جریان با تشکیل و شرکت در "حزب کمونیست" و قرار دادن استراتژی "گارا رام سیاسی" بمنظور تدارک قیام شهری خود را در یک تناقض آشکار قرار داده است. به بیان دیگر وزن اساسی نیرو و موجودیت این جریان منطبق بر درگیری جنگ توده‌ای و طولانی است، بدون آنکه کومه‌له بخواهد به قانوبندیهای رهنمون این جنگ به شکلی آگاهانه تن دهد و به خصلت این جنگ معرفت داشته و

راهگشائیهای لازم را از خویش به جای گذارده است.

دید محدود و تاکتیکی آنها از این روش مبارزه و نگرش به آن بیثابه یک ابزار عمدتاً تبلیغاتی و نه سازماندهنده و متشکل کننده، در بهترین حالت همواره باعث گردیده که این جنبش در عین نیاز مبرم به وجود یک برنامه اساسی در این عرصه مبارزه هیچگاه از چنین امتیازی برخوردار نگردد. مبارزه مسلحانه این جریان با وجود آنکه در جای خود قابل ارزش و درخور ستایش است، اساساً به شکلی خودبخودی و بدون برنامه جدی و همچنین با جوهری دفاعی و نه تعرضی به کار گرفته شده است. هیچگاه دورنمای استراتژیک نداشته و با تمام اینها حتی در سطح یک دفاع از خود فعال نیز به کار گرفته نشده است. درست به همین دلائل است که در طول این سالها، یکی از بزرگترین کمبودهای جنبش انقلابی خلق کرد و نیروهای اصلی آن و همچنین اساسی ترین عامل عدم انکشاف و تعمیق هر چه بیشتر این جنبش عبارت از این مسئله اساسی بوده است که مبارزه مسلحانه‌ای که توسط نیروهای "رهبری کننده" این جنبش بدان مبادرت ورزیده شده، عمدتاً از مضمون فعال و استراتژیک و واقعا انقلابی خویش تهی گردیده و خصلتی تاکتیکی، خودبخودی و غیرفعال به خود گرفته است. و بالطبع به تبع از چنین نگرشی و در پرتو حکومت چنین بینش‌پای محدود خرده بورژوازی بر این شکل از مبارزه است که بخش اعظم انرژی لایزال این جنبش بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول سالها و متمادی توسط نیروهای با اصطلاح رهبری کننده آن به هرز رفته و تلف گردیده است. مناطق وسیع آزاد شده که بعنوان امتیازی بزرگ در ابتدای کار وجود داشته، بابتی برنامه کامل و با وارد شدن ضایعات چندین زیاده دشمن از دست رفته است. به امر اتحاد عمل نیروها و بهره‌گیری از توان نظامی بسیار بالای این جنبش بی توجهی شده و حتی در موارد عدیده‌ای توان نظامی موجود به جای تمرکز در مقابل دشمن و پیشبرد جنگ انقلابی صرف رقابتهای کونه بینانه "هژمونی-طلبانه" و ماجراجوییهای غیر انقلابی گردیده است. و سرانجام امروز نیز در شرایط سخت و بغرنج کنونی جنبش عدم یک برنامه ریزی صحیح و انقلابی و ادامه روال تبعیت از رویدادهای خودبخودی، نیروهای داعیه دار "رهبری" را در برخورد به این شرایط به معضلات فراوان و بن بستهای مشکلی گرفتار نموده است. البته در بررسی روند نیل به موقعیت امروزی و آنچه که در فوق مختصراً شرح داده شد، لازم است که به خاطر جلوگیری از غلط مباحثهای احتمالی و همچنین به خاطر تاکید بر روی یک واقعیت درخشان مبارزاتی بر روی این نکته تأمل نمود که هنگامی که ما از کمبودها و گاستیهای جنبش مسلحانه انقلابی خلق کرد یاد می‌کنیم این امر به هیچ رو به معنای کتمان ارزشهای موجود و واقعی مقاومت مسلحانه ای که در همه حال توسط پیشمرگان جانباخ و انقلابی خلق کرد در طول این سالها انجام شده نمیباشد. مسلماً در طول

استراتژیک بدون یک دورنما و برنامه روشن، و در یک کلام استراتژی عقب نشینی منظم و فایده برنامہ، بوده اند. و همچنین شاهد بوده اند که رهبری حزب دمکرات چگونه در زمانی نه چندان دور و در کوران از دست دادن مناطق آزاد و نقاط محوری و استراتژیک، بی اعتنا به واقعیتهای ناگوار و که در جوارش میگذشت در انتظار نگران مردم کردستان و پیشمرگان قهرمان بالابالایگری خاص خود کوتاه بینانه با شعار "عیبی ندارد جنگ پارتیزانی میکنیم" (*) آن واقعیات را امری کاملاً عادی و طبیعی جلوه داده و گاهی حتی در گوشه و کنار، از دست دادن شهرها و مناطق مهم را در میان نیروهایش امری "لازم و ضروری" ارزیابی می نمود. در پرتو چنین بینشهای انحرافی و زیانباری بسیار طبیعی هم بود که نیروهای سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بسیاری از این مناطق را با تلفات و فاسیقات نه چندان زیادی (*) به تصرف خود درآوردند. البته در مورد حزب دمکرات حتی وارد شدن به مرحله "جنگ پارتیزانی" مورد نظر این رهبری نیز به خاطر عدم درک جدی بر روی ویژگیها و ملزومات و خصلت ویژه این شیوه جنگ و همچنین اصولاً به خاطر جاه طلبی و کم اهمیتیت این جنگ در استراتژی عملی این رهبری در درازمدت مشکلی را از روند شکستها و بن بستهای این

* - این شعار: "قهیدی نیه شهری پارتیزانی ده که بن دره مان زمان و بعدها در بین پیشمرگان آگاه کردستان بمشابه مضحکهای جهت نشان دادن لایالیگری در انجام کاری بکار گرفته شد.

* - هرکس که در جریان ده سال نبردهای قهرمانانه پیشمرگان در نقاط مختلف کردستان قهرمان برعلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، از نزدیک دستی بر آتش داشته باشد به آسانی تأیید میکند که:

در تمام نبردهای مهم این دوره و یورشهای وسیع وحشیانه برای اشغال مناطق آزاد، عمده ترین عاملی که در نفوق کلی جمهوری اسلامی نقش اساسی داشت همانا عدم یک برنامه ریزی صحیح جنگی در صفوف نیروهای پیشمرگ و بویژه نیروی قابل ملاحظه حزب دمکرات بود. در موارد متعددی با وجود آگاهی قبلی به مکان و زمان و چگونگی هجوم رژیم، نه تنها هیچگونه هماهنگی مرکزی بین نیروهای حزب دمکرات و کومه له و پیشمرگان سایر جریانات مختلف و همچنین امکانات متفاوت آنها برای یکپارچه کردن امر مقاومت صورت نمی پذیرفت، بلکه عمدتاً بین این نیروها و بطور مشخص حزب دمکرات و کومه له بر سر استفاده و کاربرد این امکانات در جنگ برعلیه رژیم اختلافاتی معنی بروز نموده و باعث میشد که در برخی موارد در مقابل یورشهای ضد خلقی ارتش امپریالیستی و سپاه ضد خلقی به مناطق آزاد، مقاومت در حد نا کافی و غیر موثر صورت بپذیرد و نیروهای رژیم به همین دلیل و بخاطر آگاهی از عدم مقاومت جدی نیروی

بقیه پا ورقی در صفحه بعد

این واقعیات را قبول کند. به این اعتبار، این جنگ برغم تمامی تئوری پردازیهای "نظامی" کومه له به یک مفهوم به او تحمیل گردیده است.

بنابراین کومه له باید این تناقض یعنی تناقض شرکت چشمگیرترین و اساسی ترین بخش نیروها پیش در یک جنگ توده ای طولانی در عمل را با تئوری بافیهای حزب کمونیست ادعائی که منطقاً طی یک پروسه تدارک و کار آرام سیاسی باید طبقه کارگر را در مراکز صنعتی بمنظور سازماندهی یک اعتماد عمومی و قیام شهری، البته تحت دیکتاتوری لحام گسیخته امپریالیستی آگاه و متمشکل سازد، برای خود و برای جنبش انقلابی خلق کرد حل کند. چرا که با ادامه این تناقض آشکار کومه له تنها موفق خواهد شد که به یمن "رهبریش" انرژی بیشتری از جنبش انقلابی خلق کرد و "پرولتاریای جوان کردستان" را در مبارزه موثر بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به هرز دهد. در این رابطه بهتر است اضافه کنیم که اگر کومه له بواقع میتواند واقعیات جنگ انقلابی کردستان را آنگونه که هست - و نه آنگونه که خود تعبیر میکنند - بپذیرد آنگاه درک میکرد که اکنون نیز اگر این جریان میتواند ارتباط محدود خویش با توده های تحت تسلط کردستان در شهرها و روستاها را حفظ کند و به "کار آرام سیاسی" و "آگاهگرانه" در میان آنها بپردازد این امر به برکت مبارزه مسلحانه و بخاطر قدرت آتش پیشمرگان در این مبارزه برای او بوجود آمده است. بدون شک اگر هیچکس نداند تجربه روند عقب نشینی ده ساله گذشته خوبی برای کومه له روشن کرده است که حفظ و تداوم همین ارتباط محدود، بمنظور ارتقاء جنبش انقلابی توده های تحت تسلط و حتی "پرولتاریای جوان کردستان" نیز منوط به حفظ و گسترش دامنه عمل نیروی نظامی او و بالطبع گسترش جنگ انقلابی و مبارزه مسلحانه است.

در پرتو حاکمیت چنین بینشهای محدود بر جنبش مسلحانه خلق کرد است که از سوی دیگر حزب دمکرات که بنوبه خود تطلی بارز و به بن بست رسیده یکی از رهبریهای خرده - بورژوازی و سازشکار این جنبش است پس از سالها مبارزه مسلحانه صراحتاً اعلام میکند که "مسئله کرد راه حل نظامی ندارد" (نشریه کردستان شماره ۱۴۶)

البته رهبری حزب دمکرات با اعلام صریح این سپراندازی در حالیکه در راه عدول از شعارهای اصلی جنبش حق طلبانه خلق کرد یعنی آزادی و خودمختاری نیز مشغول گام برداشتن است، پیش از هر چیز فقدان یک چشم انداز روشن مبارزاتی در نزد خود و فرجام منطقی چگونگی فعالیتها گذشته اش در عرصه نظامی کردستان را بیان میکند. خلق مبارز کرد در طول ده سال تداوم جنبش انقلابی شاهد نقش چشمگیر این حزب در عقب نشینیهای بی پای و بدون برنامه در مقابل نیروهای سرکوبگر نه چندان منسجم جمهوری اسلامی بخصوص در سالهای اول جنبش، عدم سازماندهی مسلح و جدی توده ها از دست دادن سریع شهرها، جاده های اصلی، نقاط گرهی و

جنبش انقلابی، وجود یک برنامه ریزی جدی برای سازماندهی وسیعتر عمل انقلابی و گسترش و انکشاف هرچه بیشتر جنگ انقلابی و به این اعتبار راه حل نظامی "است، این حزب به کشف جدید و زیانبار خویش میرسد. اما به هر دو برغم تمامی محدودنگریها و تئوری پردازیهای کونه بینانه ای که حزب دمکرات و کومه له با ادعای "رهبری" "مردم کردستان" و یا "پرولتاریای کردستان" ارائه داده و با اتکاء به آنها هر یک به انحاء مختلف مشغول کند کردن رادیکالیزم این جنبش انقلابی و محدود کردن دامنه عمل انقلابی این جنبش مسلحانه هستند، امروز در واقعیت امر بیش از پیش روشن شده است که هرگونه ارتقاء کیفی و پیشروی کنونی جنبش خلق کرد اتفاقاً منوط به درک انقلابی از نقش اساسی و سازماندهی مبارزه مسلحانه و خلعت و اهداف استراتژیک آن و ارتقاء سطح کنونی این مبارزه به سطح عالیت و سازمانیافته تر بدانگونه که شایسته یک جنگ انقلابی حقیقی است، میباشد. لیکن متأسفانه این نیروها نشان داده اند که هر یک به دلائل و درجات متفاوتی نه میخواهند و نه میتوانند که از تجارب مبارزاتی گذشته و واقعیات کنونی جنبش انقلابی خلق کرد در عرصه نظامی درس بگیرند و به همین دلیل است که این نیروها به هیچ رو قادر به اعمال رهبری انقلابی و راهگشایی عملی، نه تنها در هدایت سیاسی جنبش بلکه در رهبری جنگ انقلابی آن هم نیستند. در واقعیت امر در پرتو حاکمیت چنین "رهبریهائی" و تحت تاثیر چنین بینشهای غیرواقعی، محدود و زیانباری، بر امر هدایت جنگ انقلابی در کردستان، نظیر کردستان "راه حل نظامی ندارد" و یا تئوریهای "اعمال فشار" و... است که میتوان در جنگ انقلابی جاری در کردستان، دلیل توازن نیروی نامطلوب کنونی بین نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی و نیروهای مسلح انقلابی را بازشناخت.

بدون شک هرگاه که در جنبش انقلابی و مسلحانه خلق کرد در طول سالهای گذشته یک نقشه سیاسی نظامی صحیح و هدفمند عمل مینمود و این جنبش دچار تبعیت از سیر خودبخودی

حزب حل نکرد بلکه از بین رفتن مناطق آزاد در سالهای اخیر برخلاف ادعاهای تبلیغاتی و دهان پرکن رهبری این حزب، "حضور" ایشان در تمام کردستان را چه به یمن صدها هزار نیروی تاجران دندان مسلح و هزاران پایگاه سرکوبگر رژیم و چه به یمن سازماندهی جنگ غیرانقلابی با کومه له و اخیراً با جناح انشعابی حزب - رهبری انقلابی - دچار مشکلات و محدودیتهای بیشماری هم نموده است.

حزب دمکرات در جنبش مسلحانه این سالها در مواردی حتی گاه از مبارزه مسلحانه محدود و فاقد برنامه ای که نیروهایش بدان مشغولند شدیداً هراسناک شده و با نگرانی از این مسئله "ترسیده است که یک روز صبح بلند شود و ببیند که فرماندهانش در تهران رژه میروند" (*).

البته رهبری این حزب با توجه به توصیفات بالا حلق هم دارند که شدت از این مسئله "بترسند" چرا که مطابق منطق و دیدگاه "واقع بینانه"، ایشان روشن نموده اند که هیچگاه بطور واقعی و در میدان عمل جنگ انقلابی جاری، از مبارزه مسلحانه و دلاورانه پیشمرگان، قصد سرنگون کردن رژیم ضد خلقی حاکم را ندارند. چرا که "خود مختاری" مورد نظیر خود را در چارچوب همین رژیم هم قابل حصول میدانند و به این ترتیب دیگر چه احتیاجی به سرنگونی "رژیم آخوندی" از طریق قهر مسلحانه و در صحنه جنگ انقلابی باقی میماند؟ (**)

با توجه به چنین درک کوتاه بینانه ای است که میتوان فهمید بطور مشخص چرا رهبری حزب دمکرات بدور از احساس مسئولیت و واقع بینی انقلابی اخیراً با درج "توضیحات ضروری" در ارگانهای تبلیغاتی مشغول جانداختن این مسئله برای نیروهای خویش و توده های ستمدیده کردستان است که کردستان "راه حل نظامی ندارد" و در حالیکه اتفاقاً اقتضای ماهیت بنیادین غدار و ضد خلقی رژیم حاکم از یکسو و بتانسیل و آگاهی مبارزاتی توده های تحت ستم و بیپاخته خلق کرد از سوی دیگر بیش از هر زمان دیگری بر این امر دلالت دارند که رمز پیشروی و تعمیق هرچه بیشتر این

و حاضر و آماده برای استفاده از انرژی و امکاناتشان در امر مبارزه در مناطق اشغالی بود. بیشک رفع این موارد و دهها مورد نقصانات و کمبودهای اجتناب پذیر دیگر در پرتو یک دید صحیح و برنامه جنگی انقلابی میتوانست کیفیت اوضاع و توازن نیرو بین ضد انقلاب حاکم و جنبش انقلابی خلق کرد را کاملاً منفع انقلاب تغییر دهد که البته بحث جامع روی آنها فرصت دیگری را میطلبد.

* نقل به معنی از مصاحبه دکتر قاسملو با یکی از روزنامه های خارجی

** بخصوص که این رهبری نمیخواهد که بقول خود ماننند "سازمانهای چپ ایرانی"، "نقش اپوزیسیون دائمی را برای خود پذیرفته و "اعتقاد" یا "امید" خود را برای "شرکت" در حاکمیت از دست بدهد! (کردستان ۱۴۵)

پیشمرگ دهها کیلومتر را بدون برخورد به مواضع مهمی در مناطق با اصطلاح مورد نفوذ حزب دمکرات یا کومه له به پیش میرفتند. بطور کلی در اکثر جاهائی که توسط نیروهای پیشمرگه حزب دمکرات و کومه له و بویژه حزب دمکرات مقامات و متهای چشمگیر صورت میپذیرفت این امر عمدتاً بصورت خودبخودی انجام یافته و عموماً به درجه رشادت و دید نظامی فرماندهان مناطق و واحدهای عملیات مزبور و خصوصیات فردی آنها بستگی مییافت، تنها در منطقه آلان سردشت بود که پیشمرگان تمام نیروهای شرکت کننده در جنبش خلق کرد در آرایشی یکپارچه در کنار یکدیگر به مقاومتی بس قهرمانانه و متحدانه دست زدند. ولی حتی در این مورد نیز اتحاد عمل مبارزاتی حاصل برنامه ای از پیش طرح شده و برخوردی آگاهانه نبود.

مورد دیگر بی توجهی به سازماندهی توده های انقلابی

حوادث و ناپیکیری در روند جنگ نمیگشت، هرگاه این جنبش در مقاومت و جنگ انقلابی خویش دارای یک برنامه استراتژیک و موثر میبود و توده‌های بپاخاسته را بعنوان ذخایر عظیم مادی و معنوی این جنگ عادلانه بطور جدی و بی‌پیکر سازماندهی مینمود و بالاخره و مهمتر از همه هرگاه نیروهای اصلی این جنبش در طول سالهای متعددی گذشته حداقل کوششهای متمرکز و مداوم را برای گسترش شعله‌های این جنگ انقلابی به نقاط دیگر میکردند و ... آنگاه قاطعانه میتوانستیم بگوئیم که نیل به تفوق نسبی امروزی برای جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش در کردستان غیرممکن نبود. در مورد اخیر اساسا اگر هیچ کس نداند رهبری حزب دمکرات و کومه‌له بخوبی میدانند که در طول این سالها مناسبترین زمینه‌ها و فرصتهای طلایی برای گسترش دامنه جنگ انقلابی به نقاط دیگر و بخصوص به مناطقی همچوار کردستان وجود داشت. بویژه اینکه شرکت قابل توجه سایر خلقهای تحت‌ستم ایران و سازمانهای انقلابی دیگر در مبارزه مسلحانه و حق طلبانه خلق کرد زمینه‌های مساعد مبارزاتی هرچه بیشتری را برای گسترش حدود عمل مبارزه مسلحانه و بالنتیجه تقویت موقعیت نظامی نیروهای مسلح خودی در کردستان بوجود آورده بود.

اما به هر شکل لازمه تمامی این اقدامات اساسی در درجه اول منوط بوجود یک رهبری قدرتمند پرولتری براساس جنبش خلق کرد میباشد. چراکه رهبری‌های غیرپرولتری اصولا قادر به پیشبرد موفقیت‌آمیز و به فرجام رساندن قطعی این جنبشها نیستند و این بیش از هر چیز به محدودیت ذاتی و خواستگاه طبقاتی این نیروها یعنی طبیعت خرده‌بورژوازی آنها باز میگردد.

بنابراین و با در نظر گرفتن مجموعه این حقایق است که میتوان جواب سئوالهای مطروحه فوق الذکر در جنبش مسلحانه خلق کرد را پیدا کرد و چه به تفکری که تفوق نسبی کنونی جمهوری اسلامی در کردستان را کوتاه‌نظرانه به عدم کارایی نقش مبارزه مسلحانه در جنبش خلق کرد نسبت میدهد و چه به آن تفکری که برای رژیم جمهوری اسلامی در مقابل با جنبش خلق کرد با دیدی یکسان به قدرتی غیرواقعی قائل میشود، با دآوری نمود که اگر چه نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با برنامه‌تر، هدفمندتر و

بیکریتر و با استفاده از تمامی تجارب ضد انقلابی موجود و با هماهنگی کامل در مقابل جنبش خلق کرد عمل نموده و به یمن تمامی امکانات وسیع امپریالیستی که از هر نظر در اختیارشان قرار میگرفت از قدرت و توان هرچه بالاتری برخوردار بودند اما این واقعیتی است که ضعفهای اساسی در صفوف جنبش انقلابی و نیروهای داعیه‌دار "رهبری" آن به مقدار زیادی بر این قدرتمندی افزود و باید بی‌شک داشت که اگر چه این رژیم وابسته به امپریالیسم برغم تمامی سرکوبهای وحشیانه‌اش در حق جنبش انقلابی خلق کرد هیچ رو موفق به سرکوب مطلوب و قطعی این جنبش نشده است، ولی در هر حال موفقیت‌های خود را در بخش مهمی، بر بستر محدودیتها و ضعفهای احتساب‌پذیر "رهبری" این جنبش انقلابی به دست آورده است. به عبارتی دیگر باید گفت که در طول ده سال جنبش مسلحانه خلق قهرمان کرد به لحاظ رهبری و پیشبرد یک برنامه استراتژیک سیاسی - نظامی هیچگاه موفق نشده که از تمام ظرفیت و توان و پتانسیل نظامی و انقلابی خویش استفاده کند.

بی‌تردید جنبش انقلابی خلق کرد تا روند امروزی خود برغم تمامی ضعفهای موجود به همت از جان گذشته‌گی یک خلق بپاخاسته و مسلح که برای آزادی پیکار میکنند در مقابل رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سنگر به سنگر جنگیده و عقب‌نشسته است و اتفاقا همین متبوع پایان ناپذیر مادی و معنوی، آن عامل مهمی است که همچنان با وجود تمامی محدودیتها و نقصانات به این مقاومت انقلابی تداوم میبخشد و همچنان خواب خوش را بر امپریالیستها و سگان زنجیریشان در منطقه حرام نموده و همچنان بعنوان کانون گرم انقلابی و خطر بسیار جدی برای سلطه امپریالیستی شمار میرود، با اینحال همانطور که گفته شد ضرورت پیشروی این جنبش عادلانه و اعتدالی انقلابی آن در درجه اول وجود یک نیروی رهبری کننده پرولتری با یک برنامه و استراتژی سیاسی - نظامی انقلابی در راس این جنبش را میطلبد و با وجود چنین رهبری است که چشم‌انداز پیروزی قطعی بر امپریالیسم و سگان زنجیریش در فردای روشن مبارزات قهرمانانه خلق کرد در مقابل این جنبش قرار دارد.



"آیات شیطان" مستمسکی ۵۵۵۵

از صفحه ۱۱

و ابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده‌اند بحران مهلك و دائم‌التزایدی که به نوبه خود امپریالیستها و سگان زنجیریشان در ایران را به تلافی منبوحانه و کاملاً منافی با یکدیگر واداعته و عمیق ناتوانی آنها را در حل این معضل چنین هایل" ولی برای توده‌های ستم‌دیده ناگیر نشان می‌دهد، و چنین است که خمینی جناحهای متضاد طبقه حاکم را به وحدت فرا می‌خواند، آنها را از خطر است سقوط رژیم به دست توانای توده‌ها همدار می‌دهد و آشکارا انعام می‌دارد که "سب تاریخ در پیش است و بیم موج و گردابی



گرامی باد یاد شهدای پرافتخار ۱۱ اسفند!

از صفحه ۴۶

و کمونیستی افزودند و تحت شرایطی که رکود و خود بر مبارزات فدائیمیرالیستی خلقهای ایران سیطره یافته بود، راه نوینی در مقابل خلق قرار داده و با عمل قهرآمیز خویش انبوه کهنسال یاس و ناامیدی را در مقابل چشمان پویای خلق از پای درآوردند. رفیق کبیر مسعود احمدزاده و دیگر چریکهای فدائی خلق در شرایطی مبارزه مسلحانه را آغاز نمودند که رژیم شاه خائن بمنابسه ژاندارم قدر قدرت منطقه و حاکم بلامنازع امپریالیستی در کشورمان سالها بود که به حیاتش ادامه داده و با دستگاه اهریمنی خویش، ساواک، هرگونه ندای آزادیخواهی را سرکوب و انقلاب ایران را مختنق نموده بود.

در چنین شرایطی که افق پیروزی تاریک و دست نیافتنی مینمودا احمدزاده و یارانش فصل نوینی را در مبارزات خلق گشودند و با عمل انقلابی خویش توده های ستم دیده خلق کارگران و زحمتکشان را به قدرت واقف گرداندند.

آنها انقلابیونی بودند که به پیروزی میاندمیدند و اعتقاد راسخ داشتند که مبارزه ای که آغاز نموده اند رودی است که به دریای توده ها خواهد پیوست و سیل خروشان مبارزات خلق جاری خواهد شد و جزیره شیات آریامهری را در خود فرو خواهد برد. و اینچنین بود که خون آنها ما من حقانیت را هشان شد.

همگان در جریان اوجگیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق در سالهای ۵۷-۵۶ دیدند که چگونه توده های قهرمان ما بمانند پیشروان کمونیستشان سلاح برکف گرفته و بشیوه آنان یکی پس از دیگری مراکز سرکوب و مظاهر ظلم را مورد یورش قهرآمیز خویش قرار دادند، و باور خود را نسبت به درستی راهی که چریکهای فدائی خلق

طی سالیان حکومت شاه خائن در آن گام مینهادند با سردادن شعار "تنها زهرهای ره سرخ فدائی" و "ایران را سراسر سیاهکل میکنیم" اعلام داشتند.

در مقابل سران جمهوری اسلامی این جانشینان خلسف مزدوران رژیم پهلوی در سر خوردن چریکهای فدائی خلق و راه انقلاب ایران دو تاکتیک مزورانه را بکار گرفتند از یکطرف آنها از بدو بقدرت رسیدن همواره سعی کرده و میکنند تا این عقیده منحط را به میلیونها تن از توده های ستم دیده القاء کنند که گویا پیروزی خلقهای ما بر شاه خائن تنها با مشت های گره کرده میسر شد و از طرف دیگر از آنجا که کاملاً به این امر واقف بودند که در گیریهای قهرمانانه چریکهای فدائی خلق و دیگر انقلابیون مسلحاً مزدوران رژیم شاه تا چه حد باعث احترام و علاقه توده ها نسبت به آنان گردیده و چگونه مردم عشق چریکها را در قلب خویش حک نموده اند، جهت ایجاد مقبولیت برای خویش در بین مردم به دروغ و ریا خود را به انقلابیون مسلح منتسب نمودند.

علاقه بی نظیر توده ها به چریکهای فدائی خلق علیرغم همه خصومت مزدوران جنایت پیشه جمهوری اسلامی نسبت به کمونیسم و کمونیستها، در شرایطی که این مزدوران بنا به تاکتیک محیلانه امپریالیستی در ابتدا سعی داشتند خود را در صف توده ها جای دهند باعث گردیده بود که این مرتجعین نتوانند علناً بر علیه کمونیسم و چریکهای فدائی خلق تبلیغ نموده و آنها را مورد حمله قرار دهند، آنها فقط موقعی حمله به کمونیسم را که اکنون در نزد خلق با دو نام صادق ترین و رشیدترین فرزندان خلق عین گشته و مقبولیت توده ای یافته بود، آغاز نمودند که دیگر مبارزات توده ها امکان لاپوشانی چهره ضد خلقی این مزدوران ریاکار را نمیداد و حنایشان دیگر در نزد کارگران و دیگر اقشار آگاه جامعه رنگی نداشت. همه این واقعیات بیانگر درستی راه چریکهای فدائی خلق و حقانیت مبارزه ای بود که خون کمونیستهای کبیری چون رفقا مسعود احمدزاده و عباس مفتاحی و دیگر شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند بیای آن ریخته شده بود.

اکنون هر شرایطی که پس از هفده

سال هنوز راه و نقطه نظرات چریکهای فدائی خلق و از حمله شهدای پاکباخته ۱۱ اسفند بدلیل اثبات درستی آنها در کوران پراتیک انقلابی، راهنمای حرکت انقلابیون کمونیست میباید. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با تمسک به انواع شیوه های ضد خلقی و با سرکوب سیستماتیک توده ها و مبارزات آنان سعی دارد شرایطی را به جامعه ما حاکم گرداند که تقریباً در فاصله سالهای پس از کودتای امپریالیستی و ننگین شاه در ۲۸ مرداد سال ۲۴ تا آغاز مبارزه مسلحانه از جنگهای سیاهکل برقرار بود، و قبل از هر چیز تماماً میکوشد روحیه یاس و سرخوردگی را بر توده ها و روشنفکران غالب گرداند، بدون شک در این میان وظیفه انقلابی کمونیستها و همه انقلابیون راستین است که بکوشند همانند احمدزاده ها و مفتاحی ها یا تکیه بر قهر انقلابی کوششهای این رژیم ددمش را درهم شکسته و با انجام و پیشبرد مبارزه مسلحانه به جریان جاری مبارزه در جامعه جلائی تازه بخشند. ولی این مهم از عهده کسانی ساخته است که در درجه اول اسلوب و رفتار آنان را در برخورد با دشمن و شرایط دشواری که امپریالیسم و سگان زنجیرش برای توده ها و مبارزین بوجود میآورد الگوی خود قرار دهند.

چریکهای فدائی خلق و در بین آنان شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند با اعتقاد عمیق به پیروزی محتوم کارگران و زحمتکشان بود که به عرصه مبارزه با دشمن شتافتند و در شرایطی که پیروزی بسیار دور دست مینمود از فکر رسیدن به آن لحظه ای باز نمانده و در درستی راهشان کوچکترین شکی نکردند. سخنان رفیق حمید توکلی که در بیدادگاههای آریامهر میخروشید که "من یک کمونیستم و در راه تحقق آرمانهایم برای نابودی بساط حکومت ننگین شما سلاح بدست گرفتم" حاکی از ایمان و امید نسلی از مبارزین مسلح بود که در عرصه مترک پیکار طبقاتی در مقابل دشمنی که شکستناپذیر مینمود، سرفرود نیاوردند. آنان روحیات و کوتاه نظریهای روشنفکران اخته و تهی مغز را که تنها شکستها و نشیبهای مبارزاتی



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

پیروزی مایوس گرداند ، چراکه پیروزی خلقهای ما را تاریخ گواهی کرده است و آن حکم محتومی است .

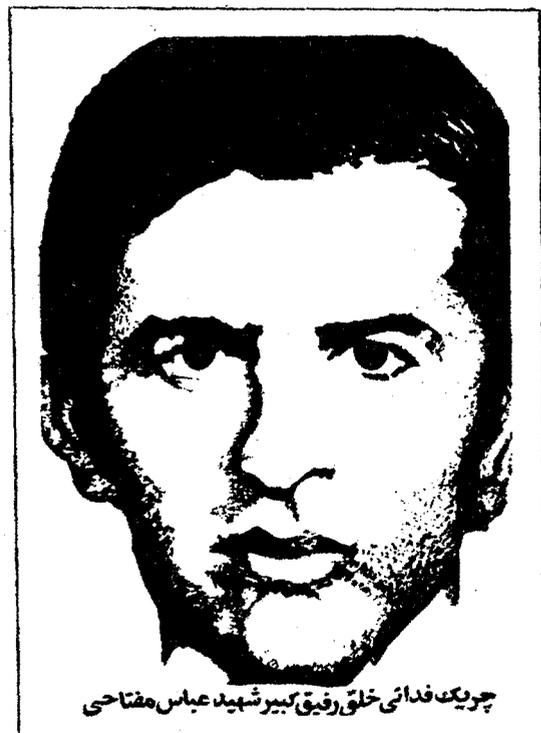
در آستانه هفدمین سالگرد شهادت قهرمانانه رفقای کبیر مسعود احمدزاده و عباس مفتاحی و رفقا مجید احمدزاده اسدالله مفتاحی ، غلامرضا گلوی و حمید توکلی بار دیگر خاطره آنان را گرامی داشته و با ایمان به پیروزی راهمان پیمان میبندیم تا رهاشی خلقهای دربند میهنمان از پای ننشینیم .

هم و غم خویش را مصروف پراکندن تخم یاس و ناامیدی کرده اند و در حالیکه برخی از روشنفکران مایوس و سرخورده عاجز از دیدن افق روشن مبارزه در ماتم نشسته اند وظیفه هرانقلابی و آزاده ایست که همچون پیشازان جنبش نوین کمونیستی با عزمی راسخ به پیروزی کارگران و زحمتکشان و نابودی امپریالیستها و دست نشاندهگان شان به مبارزه برخیزد و با تکیه بر تحریکات پیشگامان جنبش مسلحانه به راه احمدزاده ها تداوم بخشد . بیشک رژیم جمهوری اسلامی به عبث میکوشد تا توده های مبارز و دلیر را از رسیدن به

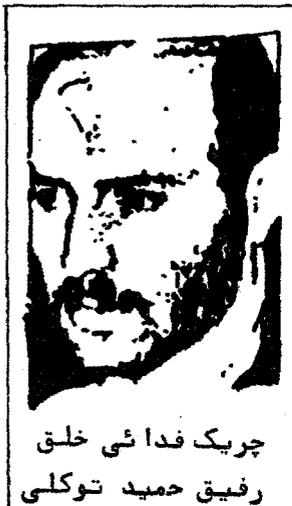
را میدیدند و بر تاثیرات شگرف جریان انقلاب چشم نمیگشودند ، به مسخره گرفتند و با شور و عزم ، صداقت و آگاهی انقلابی و با ایمان خلل ناپذیر در آن سالهای سیاه دیکتاتوری امپریالیستی موفق شدند تا از میان خون و آتش راه خود رایه سوی خلق خویش هموار سازند و با آن رابطه ای نوین برقرار نمایند . چنین برخورد و رفتار انقلابی است که امروز باید راهنمای حرکت هرانقلابی و مبارزی باشد که قلبش برای کارگران و زحمتکشان میتد . در شرایطی که دشمنان خلق تمامی



چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید مسعود احمدزاده



چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید عباس مفتاحی



چریک فدائی خلق رفیق حمید توکلی



چریک فدائی خلق رفیق مجید احمدزاده



چریک فدائی خلق رفیق اسدالله مفتاحی



چریک فدائی خلق رفیق غلامرضا گلوی



بر علیه دستگیری پناهندگان ایرانی در ترکیه بیاخیزید!

خلقهای مبارز ایران!

بدنبال سفر محتشمی مزدور وزیر کشور جمهوری اسلامی و هیئت همراهش به ترکیه و مذاکراتی که فی مابین این مزدوران با همتایان جنایتکارشان در ترکیه صورت گرفت؛ روز ۱۸ بهمن ماه پلیس مزدور ترکیه به پناهندگان و پناهجویان ایرانی در شهر آنکارا سبوعانه یورش برده و تعداد زیادی از ایرانیان آواره مقیم این شهر را دستگیر نموده، که بنا به توافقات انجام شده هر آن امکان تحویل آنان به رژیم ددمنش جمهوری اسلامی وجود دارد.

در مذاکرات اخیر هیئت‌های نمایندگی ایران و ترکیه، دو دولت ضد خلقی در رابطه با کنترل وسیعتر مرزهای مشترک دو کشور و اعمال محدودیتهای هرچه بیشتر بر آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه و همکاری در سرکوب مبارزات خلق کرد در هر دو کشور به توافقاتی دست یافتند که اساساً در چهارچوب سرکوب انقلاب در منطقه و در جهت تأمین مصالح اربابان امپریالیستان می باشد؛ امپریالیستهایی که ایجاد "ثبات و امنیت" جهت غارت و چپاول هرچه فزونتر خلقهای مبارز دو کشور از مهمترین اهدافشان بوده و برای رسیدن به این هدف به هر توطئه جنایتکارانه‌ای متوسل می‌گردند.

نیروهای انقلابی و مترقی!

با توجه به ماهیت وابسته به امپریالیسم رژیم حاکم بر ترکیه و سابقه اعمال جنایتکارانه پلیس این کشور در تحویل هم‌میهنان آواره‌مان به رژیم مزدور جمهوری اسلامی، خطری جدی جان پناهندگان و پناهجویان دستگیر شده در روز ۱۸ بهمن در آنکارا، را تهدید می‌کند و وظیفه انقلابی شماست که به حمایت از آنان برخیزید و توطئه مشترک دو رژیم ضد خلقی ایران و ترکیه را درهم بشکنید.

رفقای هوادار!

وظیفه انقلابی شماست که از ایرانیان آواره‌ای که تحت فشارهای ناشی از حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بالاجبار خانه و کاشانه خود را رها کرده و از جهنمی که این رژیم ددمنش برای توده‌های ستمدیده ما بوجود آورده است به ترکیه گریخته‌اند پشتیبانی نموده و فریاد اعتراض خود را بر علیه بیدادگرها و اعمال جنایتکارانه رژیمهای ایران و ترکیه که این چنین بی‌محابا به جان توده‌های خلق ما افتاده و هرگونه آسایش و امنیت را از آنان سلب نموده‌اند بلند کنید.

با انعکاس هرچه وسیعتر خبر فوق‌الذکر ضمن برده برداشتن از سیسه جنایتکارانه‌ای که در حق پناهندگان و پناهجویان ایرانی در ترکیه سازمان یافته است و جلب نظر افکار عمومی نسبت به ضرورت



آزادی هرچه سریعتر دستگیر شدگان ۱۸ بهمن ماه مجامع مختلف بین‌المللی را مجبور به اعتراض بر علیه این دستگیریها نمائید.

بدون شك اقدامات مبارزاتی شما در پشتیبانی از پناهندگان و پناهیویان دستگیر شده گام مهمی در جهت عقیم ماندن این توطئه بوده و رژیمهای ضد خلقی ایران و ترکیه را در پیشبرد سیاستهای ضد انقلابی شان با شکست مواجه خواهد ساخت.

مرگ بر امپریالیسم و گمهای زنجیریش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
برقرار باد اتحاد تمام نیروهای انقلابی و
تمام خلقهای سرافراز ایران!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ بهمن ۶۷

جلوه دیگری از وحشیگری مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی

کجهان ۶۷/۱۱/۲۹



رژیم وابسته به امپریالیسم دسته قاجاقچیان جزء و قربانیان نظام ضد خلقی را این چنین بدار میکشد تا چهره گریه خود بعنوان عامل اصلی قاجاق و اعتیاد در میهنمان لایوشانی کند.

در آستانه اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر تعدادی دیگر از قاجاقچیان حرفه‌ای، که سابقه ممتاز در بیچارگی و دزدی خانوادها و جوانان ساده لوح داشتند، اعزام شدند. عکس لحظاتی بعد از اعلام را در زندان قصر نشان می‌دهد. انکاش آنهایی که هنوز خود و عوامل خود را به مأموران معرفی نکرده‌اند، هر چه زودتر بخود آیند، و قبل از اینکه گرفتار شوند، خود را معرفی کرده و امان نامه دریافت نمایند...

گرامی باد ای ربه ندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

از صفحه ۴۶

گرچه مزدوران ضد خلقی محمدرضا شاهی جنبش حق طلبانه خلق کرد را در آن مقطع سرکوب و رهبران دلاور آنرا بنادر آویختند ، اما برغم تمامی این تشبثات سرکوبگرانه آنچه را که شاه و اربابانش هیچگاه نتوانستند به گور سپارند ، یاد و راه قاضی محمد و جمهوری خودمختار کردستان و آرمانهای انقلابی این خلق ستمدیده و مبارز در قلیسب توده ها بود . جنبش ضد امپریالیستی و حق خواهانه خلق کرد برای آزادی و برای کسب حق تعیین سرنوشت ، بمثابه آتشی در زیر خاکستر همچنان زنده ماند و سالها بعد با وجوگی دوباره همچنان بعنوان یک خطر جدی گریبان نظام امپریالیستی حاکم بر ایران و رژیمهای وابسته به آن را در چنگال نیرومند خود فشرد . امروز نیز ۱۰ سال پس از آنکه غریب آتش تفنگهای فرزندان پیشمرگه این خلق مبارز همچنان خواب خوش را بر امپریالیستها و رژیم جمهوری اسلامی حرام کرده و با وجود سرکوب عنان گسیخته ضد انقلاب حاکم و همچنین ضعفهای کوچک و بزرگ دامنگیر آن ، این جنبش انقلابی نشان داده است که به شرط وجود یک رهبری انقلابی و پرولتری همچنان از ظرفیت بالایی مبارزاتی برای تغییر و دگرگونی برخوردار است .

بیشک جمهوری خودمختار کردستان و آرمانهای ملی و انقلابی آن ، برغم تمامی محدودیتهای اجتناب پذیر و اجتناب ناپذیرش منابع غنی ای از دانش مبارزاتی را برای نسلهای انقلابی آینده و بویژه خلق دلاور کرد بر جای گذارد . مناسبتی که در سبب از آنها میتوانست سالها بعد در شرایط قیام قهرمانانه توده های تحت ستم میهنمان و با وجوگی دوباره جنبش انقلابی بویژه در این خطه ، نقش قابل ملاحظه ای برای نیروهای که داعیه رهبری جنبش انقلابی خلق کرد را پس از قیام بهمن داشتند ، در رشد و پیشروی این مبارزات ایفاء کند .

همانطور که اشاره شد جمهوری خودمختار کردستان نباید از نماد و نمیتوانست نیز پایدار بماند . اما با وجود عمر کوتاهش تجربه این جمهوری نشان داد که در درجه اول در شرایط حاکمیت سلطه امپریالیستی و دیکتاتوری ذاتی آن ، مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم ، مادام که در هم شکستن این سلطه و نابودی ارگانهای اقتدار حافظ آن و در رأس آنها ارتش امپریالیستی را هدف مرکزی خویش قرار ندهد ، حتی بغرض کسب موفقیتهایی محکوم به شکست است .

تجربه ثابت کرد که تمور وجود و تثبیت کردستان خودمختار و حاکمیت ملی خلق در کنار یک حکومت مرکزی سرکوبگر و وابسته به امپریالیسم غیر ممکن است . تجربه جمهوری خودمختار کردستان در ضمن مبین این آموزش اساسی بود که اگر جنبشی هدفهای خود را صرفا در حیطه آرمانهای ملی قرار داده و به مبارزه طبقاتی و تغییر مناسبات طبقاتی موجود بساغتنا باشد و مهمتر از آن اگر ایمن جنبش ملی خود را از مبارزات انقلابی سراسری سایر خلقهای میهنمان بر علیه امپریالیسم و سلطه منحوس تفکیک کرده و مجزا سازد ، بهیچ رو قادر به نیل آزادی و آرمانهای خود نخواهد بود . از جنبه دیگر چگونگی تولد و شکست جمهوری خودمختار کردستان همچنین ثابت نمود که خلق دلاور کرد در شرایط اسارت سلطه دیکتاتوری امپریالیستی برای رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت ، باید درک خود از مبارزه مسلحانه و دلیرانه ای که تا کنون به انجام آن مبارزت ورزیده است را به سطح درک از یک جنگ توده ای و طولانی که در بستر آن باید ارتش امپریالیستی درهم شکسته شود و با آزادی تدریجی مناطق و تغییر مناسبات تولیدی در آنها ، پایه های یک حکومت ملی با ثبات برای نابودی قطعی سلطه امپریالیستی بنیان ریخته شود ، ارتقاء دهد . و بالاخره مهمتر از همه تجربه جمهوری خودمختار کردستان نشان داد که تنها با وجود نیروی با سمت گیری پرولتری که به خاطر پیگیری طبقاتی خویش توانائی درک عمیق این قانونمندیها را دارد ، در رأس جنبش انقلابی وسیع ترین توده های زحمتکش خلق است که میتوان به این مهم دست یافت .

اینها رثوس برخی از درسهای مهم و قابل تقدیر مبارزاتی ای بود که جمهوری خودمختار کردستان به بهای خون قاضی محمد و یارانش از خویش به جای گذارد . اما امروز در شرایطی که قریب به یک دهه از اعتلا و شکوفائی دوباره جنبش انقلابی - مسلحانه خلق کرد میگردد ، مناسبتی نیروهای که داعیه رهبری این جنبش را دارند ، یعنی حزب دمکرات و کومه له نشان داده اند که نه میخواهند و نه میتوانند از تجارب غنی گذشته این جنبش برای راهگشایهای آینده درس بگیرند . و بهترین دلیل این مدعا روند دهساله گذشته و ضعفهای کوچک و بزرگی است که جنبش دلیرانه خلق کرد برغم پتانسیل بالایی خود ، به یمن اعمال جنبش "رهبریائی" در کمند آنها گرفتار شده است .

با وجود شرایط بسیار مناسبی که به میمنت قیام خونبار خلقهای تحت ستم در تمامی نقاط میهنمان و از جمله در کردستان مهیا شده بود ، با وجود مناطق وسیع آزاد شده و عاری از نیروهای سرکوبگر از یکسو و توده بیباخته و مسلح از سوی دیگر ، نیروهای مزبور نه تنها نتوانستند از برکت چنین شرایط مطلوب مبارزاتی در جهت نیل به پیروزی استفاده کنند ، بلکه در طول دهسال با اعمال سیاستهای گونه بینانه و انحرافی بخش مهمی از انرژی بیکران و گرانبهای مبارزاتی این جنبش را به هرزبردند .

رهبری قوی پرولتری و یک برنامه انقلابی در رأس این جنبش‌ها خالی باشد برغم تمامی فداکاریها و جانبازیها این مبارزات حتی اگر به موفقیت‌های لحظه‌ای هم نائل گردند قادر به پیروزی نهائی و آزادی حق تعیین سرنوشت برای خلقها نخواهند بود. امری که تجربه جمهوری خودمختار کردستان و تجارب یک دهه اخیر جنبش این خلق در زنجیربر حقانیت آن تاکید ورزیده است.

امروز خلق بپا خاسته کرد برغم تمامی این محدودیتها با مقاومت مسلحانه و خونین خود خواب و آرامش را بر صدها هزار مزدور سرکوبگر و هزاران پایگاه ضدخلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در کردستان حرام کرده و این رژیم نتوانسته به خاطر مقاومت و ایثار این خلق در زنجیر به اهداف ضدخلقی خویش در این کانون گرم انقلابی جامعه عمل بپوشاند.

در سالروز ۳۱ ربیبه ندان با الهام از آرمانهای جمهوری خودمختار کردستان و مازش ناپذیری رهبران شایسته آنها را گرامی میداریم و ایمان داریم که خلق دلاور و بپاخاسته کرد سلاح برکف و با عزم پولادین در اتحاد و یکپارچگی با سایر خلقهای ایران سرانجام پوزه امپریالیستها و سگان زنجیریشان را در کردستان به خاک خواهند مالید و همگام با پیروزی قطعی جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران به خواستهای برحق خویش یعنی آزادی و خودمختاری در چارچوب ایرانی دمکراتیک خواهند رسید.



حزب دمکرات و کومه له با وجود سالها مبارزه مسلحانه که در جای خود ارزشمند و قابل تقدیر است از سازماندهی و گسترش یک جنگ انقلابی حقیقی سرباز زدند، در زندگی توده‌های تحت‌ستم روستائی تغییر محسوسی ایجاد نکرده و با بی اعتنائی به تغییر مناسبات تولیدی در مناطق آزاد شده، به امر بسیج و سازماندهی انقلابی توده‌های زحمتکش کم اهمیت دادند. آنها به جای یک برنامه ریزی صحیح و هدفمند و استراتژیکی سیاسی - نظامی به رقابت با یکدیگر و کسب موفقیت‌های تاکتیکی برآمدند و سرانجام نیز در اوج بی‌مسئولیتی کردستان قهرمان را به خاطر کسب "هژمونی" و منافع حقیرانه به صحنه جنگی برادرکشی و کور برعلیه یکدیگر بدل ساخته و صدها تن از بهترین فرزندان پیشمرگه این خلق بپاخاسته و اقمربانی منافع حقیر خویش ساختند. جنگی که حزب دمکرات با شروع و هم‌اکنون با اصرار بر تعدادم آن بار بیشتری از مسئولیت آنرا بر گردن دارد. جنگی که بدون شک همچنان موجب خسارت‌های مادی و معنوی بسیار به جنبش خلق کرد گشته است و اگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول دهسال اخیر با توجه به تمامی امکانات ضدخلقی و ارتش تا بین دندان مسلح و حمایت‌های بی‌دریغ اربابان امپریالیستش توانست در عقب‌زدن جنبش توده‌های تحت‌ستم به موفقیت‌هایی هم نائل آید این امر در وجه عمده خود محصول ضعف رهبری و نبود یک برنامه پرولتری بود تا قدرت جمهوری اسلامی.

چرا که تجارب گرانبهای تاریخی اکثر جنبش‌های انقلابی توده‌ای موبد این نکته است که مادام که جای یک

با ما مکاتبه کنید!

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه یا نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده‌ها و به مجموعه‌ها و ادارات متکی باشد.

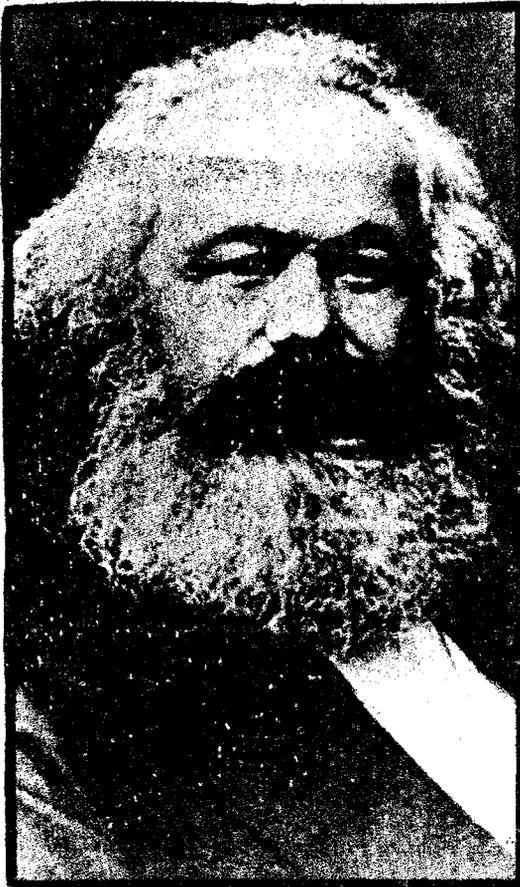
پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

ارگان چریکهای فدائیان خلق ایران

جهان زنده است و تئوری و آموزه‌های مارکس همچنان راهنمای مبارزات سترگ کمونیستها و میلیونها کارگر و زحمتکش سراسر دنیا میباشد.

گرامی یاد خاطره آموزگار و اندیشمند کبیر پرولتاریا کارل مارکس!

طبقاتی خود پرورش یافته و آگاه شدند، از موهومات جامعه بورژوازی آزادگشته و بیش از پیش بعنوان یک طبقه متحد و یکپارچه در مبارزه طبقاتیشان برعلیه سرمایه به موفقیت‌های بیشتری نائل میگردد. کارل مارکس در چهاردهم مارس ۱۸۸۲ دیده از جهان فرو بست. اما بعد از گسترش ۱۰۶ سال از مرگش هنوز یادش در دلهای میلیونها کارگر و رنجبر سراسر



گرامی یاد خاطره کارل مارکس آموزگار و اندیشمند کبیر پرولتاریا

کارل مارکس آموزگار کبیر پرولتاریا، اندیشمند نابغه‌ای بود که پایه‌های سوسیالیسم علمی را بمثابه علمی برای انقلاب یرمینیای ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی و اقتصاد سیاسی بنا نهاد و از تلیق بهترین اندیشه‌های قرن نوزدهم یعنی فلسفه آلمان، علم اقتصاد دانگستان و سوسیالیسم فرانسه، علم رهایی انقلابی ترین طبقه عمر ما، یعنی طبقه کارگر را از یسوغ سرمایه‌داران جهان‌خواه پدید آورد.

مارکس نقش جهانی و تاریخی پرولتاریا را بعنوان موجد جامعه سوسیالیستی بیش از پیش عربان ساخت و بقول لنین "فقط فلسفه ماتریالیسم فلسفی مارکس بود که راه بیرون آمدن از بردگی معنوی را که تمام طبقات ستمدیده تا کنون در آن سرگردان بودند، به پرولتاریا نشان داد. فقط تئوری اقتصادی مارکس بود که وضعیت واقعی پرولتاریا را در نظام عمومی سرمایه داری تشریح کرد." از مقطع پیدایش مارکسیم بمثابه علم آموزش پرولتاریا، کارگران مسلح به این تئوری در جریان مبارزه

ساخت، دشمن که سالها بدون وجود هیچ حرکت برجسته‌ای از طرف نبوده بودم توانسته بود سلطه بلامانع خود را ادامه دهد، در ۲۹ بهمن سال ۵۶ با قدرتی روبرو شد که موجودیت او را به خطر انداخت. در چنین روزی توده‌های بی‌خاسته تبریز، این فرزندان خلف ستارخان، حیدر عمواوغلی و ... گوشه‌ای از قدرت تاریخ ساز خلق ما را به نمایش گذاشتند که ناتوانی رژیم خونبار پهلوی را در مقابل آن آشکار ساخت. آنها روشن ساختند که جهنمی ترین حکومتها نیز عمرشان به آغاز جنبش توده‌ای محدود میشود.

تاریخ سیرد . یکبار دیگر سالگرد قیام پرشکوه ۲۹ بهمن را گرامی میداریم و اعتقاد داریم که زحمتکشان و کارگران مبارز تبریز در اتحاد با خلقهای ستمدیده سراسر ایران تا برقراری نظامی که مدافع واقعی زحمتکشان باشد ۲۹ بهمنهای دیگری خواهند آفرید و رژیم خونخوار جمهوری اسلامی جانشین خلف رژیم شاه خاشن را ساقط نموده و طومار عمر آن را درهم خواهند پیچید. تادروازه‌های پیروزی نهائی بر روی کارگران و زحمتکشان و همه خلقهای ستمدیده گشوده شود.

سالگرد قیام پرشکوه ۲۹ بهمن تبریز گرامی یاد

دهسال پیش مردم قهرمان تبریز با قیام علیه رژیم خونبار پهلوی، فصل نوینی را در مبارزات خلق ما گشودند. زحمتکشان غیور تبریز با یورش همه جانبه بر علیه تمامی مظاهر قدرت شاهنشاهی، به افسانه قدر قدرتی رژیم وابسته بکه امیرالیسم شاه خاشن پایان بخشیدند. قیام زحمتکشان تبریز دشمن را که اساسا تصور نمیکرد حرکتی آنچنان توده‌ای صورت گیرد که تمام نظام او را در شهر برهم زده و بر حاکمیتش لطمه زند، سخت‌پیشان

قیام مردم دلاور تبریز جرقه حریقی شد که یکسال بعد رژیم شاهنشاهی را در خود سوزاند و خاکستر آن را به‌زباله دان

گرامی یاد خاطره شهدای گرانقدر قیام ۲۹ بهمن تبریز!

صندوقهای قرص الحسنه و اظهارات ایادی رژیم در مورد آنها

کند ، میتواند از این صندوقها وام بگیرد. میزان حداکثر وام پرداختی این صندوقها به هر فرد نیز ۲۰۰۰۰ تومان تعیین گردیده بود.

در مورد این صندوقها مزدوران رژیم ازینصدرگرفته تا بهشتی معدوم طی تبلیغات ریاکارانه چنین وانمود میکردند که گویا وجود این صندوقها باعث میشود وضعیت کار و زندگی کمبیه جزء سر و سامان یابد و چه بسا این تبلیغات مورد قبول اقشار عقب مانده و نیروهای سیاسی اپورتونیست و سازشکار واقع میشود که ماهیت خرده بورژوازی برای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قائل بودند . ولی عملکرد این صندوقها بزودی نشان داد که آنها صرفا در خدمت سودجویی مثنی سرمایه دار قرار داشته و بعنوان منبع مالی بدون بهره وسیله ای برای چاپیدن مردم و تجارت سودآور با همیاری سردمداران و دست اندرکاران رژیم میباشند. با اوگیری تضادهای درونی هیئت حاکمه برخی از سردمداران رژیم به عملکرد ضد خلقی این صندوقها اعتراف نموده و پرده از بسیاری از واقعیات مربوط به این بنگاهای غارت و چپاول برداشته شد . البته این امر خود پس از آن صورت گرفت که اعتراضات توده ها و کسانی که از غارت این مراکز در امان نمانده بودند هرچه شدیدتر گشته و در سطحی وسیع مطرح گردید و بر زمینه رشد تضادهای درونی طبقه حاکم ، رژیم جمهوری اسلامی را وادار ساخت تا تعداد قلیلی از صاحبان اینگونه مراکز را توبیخ نموده و پای عده ای از آنان از قبیل مسئولین صندوق قرص الحسنه ولی عصر ، بنیاد نبوت ، شرکت سایبا را به دادگساره بکشاند .

اتفاقا در کشاکش برخورد به بنیاد نبوت بود که معلوم شد بسیاری از مزدوران سرشناس رژیم از جمله اردبیلی جنایتکار و خامنه ای در اختلاس و کلاشهای بنیاد مزبور سهم بوده و به همین دلیل نیز جلسات دادگاه پیر از چندی بصورت مخفی برگزار شد . در این مورد یکی از نمایندگان مجلس ضد خلقی به نام علی موحدی ساوچی (باصطلاح نماینده مردم ساوه) که سخنان وی را باید در چارچوب تضادهای درونی طبقه حاکمه مورد بررسی قرار داد . در همان زمان مطرح ساخت که : از دستگاه قضائی میخواهم مسئله بنیاد نبوت را به فراموشی نسپارد و معلوم کنند مجازات آنها را که در راس این بنیاد بوده اند و سوء استفاده هائی که کرده اند ، بعد از مراحل قانونی محکوم کنند و اعلام کنند که اینها با کجا زدوبند داشتند

در بیست و نهم دیماه امسال در گردهمایی اعضای صندوقهای قرص الحسنه در مدرسه مطهری در جمع سه هزارتن از تجار و بازرگانان که تحت عنوان مدیران عامل و نمایندگان اعزامی هزاروپانصد صندوق در سراسر کشور شرکت کرده بودند ، خامنه ای رئیس جمهور دزد و فاسدرژیم ، طی اظهاراتی از آنها خواست تا در مشارکت و تداوم کار این صندوقهای غارتگر کوشا باشند . او گفت : مردم باید هرچه بیشتر در زمینه های اقتصادی منجمله سپردن پول به صندوقهای قرص الحسنه مشارکت کنند ، چرا که تا به حال مشارکت در امر صندوقهای قرص الحسنه یکی از پر برکتترین فعالیتهای مردم بوده است و در آینده نیز باید باشد .

البته در فرهنگ رئیس جمهور معلوم الحال جمهوری اسلامی ، مردم مفهومی دوگانه دارد ، از یکسو به تجار و بازرگانان و سرمایه داران وابسته اطلاق میشود که بقول خامنه ای صندوقهای قرص الحسنه یکی از پر برکت ترین فعالیتهای آنها بوده و از سوی دیگر مردم در لفظ عمومی یعنی توده های خلق مورد نظر است که خامنه ای بشیرمانه از آنها میخواهد اندوخته های اندک خود را دو اختیار این صندوقها قرار دهند تا سرمایه داران جنایتکار این جانیان ز الوصف بتوانند هرچه بیشتر از این اندوخته ها استفاده کرده و مردم را هرچه افزونتر غارت و چپاول نمایند . و اتفاقا این امر علیرغم تبلیغات فریبکارانه که قصد دارد ایجاد صندوقهای قرص الحسنه را گامی در جهت کمک به توده های زحمتکش و یا به قول سردمداران رژیم کمک به مستضعفین قلمداد نماید ، امروز بحدی آشکار شده است که مثلا میبینیم هنگامیکه در مهرماه ۶۶ کارکلاشهای مدیران صندوقهای قرص الحسنه ولی عصر به دادگاه کشیده میشود ، رئیس دادگاه میگوید "مردم از خرج روزمره زندگی و لوازم مورد احتیاج خود بر میدارند ، پولی جور میکنند تا از رهگذر وام این صندوقها باری از مشکلات زیاد خود برده اند ، اما متاسفانه کمتر صندوقی را سراغ داریم که چنین مشکلاتی را حل کرده باشد و در قبالش عملکردش زیر سؤال نباشد ."

تاریخ تشکیل صندوقهای قرص الحسنه به اواسط سال ۵۸ بر میگردد. دولت بازرگان که در آن زمان بر سر کار بود این صندوقها را صندوقهای ترمیمی نامگذاری کرده بود که طبق آئین نامه هائی کار اعطای وام به متقاضیان را بپذیرد داشت و اعلام شده بود که "کسانیکه بتوانند یک واحد کوچک چه بصورت فردی و چه بصورت گروهی و شرکتی دایر نمایند ، بشرط آنکه اعضای گروه بیش از ۵ نفر نباشند و هر عضو مستقیما و تمام وقت در واحدی که ایجاد کرده کار



سرمایه‌های ناچیز هستند و در مساجد تحت نظر ائمه جماعات و یا در ادارات و موسسات دولتی با نظارت مسئولین فعالیت میکنند، اشکالی در سیستم اقتصادی کشور ایجاد نمیکند در عوض خدمت بزرگی انجام میدهند.

بر چنین اساسی است که اگر خامنه‌ای در گردهمایی اعضای صندوقهای قرض الحسنه در مدرسه مطهری سخنران فوق الذکر را بر زبان میراند، محتشمی در سمینار معاونین سیاسی استانداریها پیرامون ارتشاء و اختلاس صندوقهای قرض الحسنه بمثابه شبکه‌های غارت و چپاول مطرح میسازد که "این صندوقها در تهران و قم میلیونها تومان پول مردم را گرفته و سپس اعلام ورشکستگی کرده اند." محتشمی مزدور در ادامه اعترافات خود اضافه نمود که "هزاران نفر از مردم که اندوخته سالها عمرشان را در این گونه صندوقها گذاشته‌اند، فریب مشتیکلاش و سودجو را خورده‌اند"

در هر حال آنچه روشن است این واقعیت میباشد که صندوقهای قرض الحسنه توسط مشتیکلاش سرمایه‌دار وابسته در زد و بند با سردمداران دزد و فاسد رژیم بوجود آمده‌اند و حال چه محتشمی مزدور ریاکارانه بر علیه این صندوقها یقه‌درانی نماید و چه خامنه‌ای علی‌رغم افشاگر یها در این مورد با وقاحت تمام فراخوان مشارکت "مردم" در این صندوقها را صادر کند، تغییری در این حقیقت که صندوقهای قرض الحسنه وسیله غارت و چپاول توده‌هاست ایجاد نمیشود.



مگر میشود یک بنیاد بوجود بیاید، بدون اینکه با عناصری در ارگانها و نهادها سروکار نداشته باشد و در یک مدت کوتاه سال ۶۴ تا کنون فقط ۸۰۰ میلیون تومان مالیات آن باشد یعنی میلیاردها تومان سوء استفاده کرده باشد "در ادامه این برخورد احمدتوکلی در یکی از شماره‌های دیماه روزنامه رسالت در مقاله‌ای تحت عنوان "عدالت آشنا و بیگانه نمیباشد" نوشت: "واخرمجلس دوم جمعی از نمایندگان از مجلس تقاضای تحقیق و تفحص درباره بنیادها و موسسات خیریه و تعاونی تشکیل شده پس از انقلاب را نموده‌اند....."

یکی از بنیادها که تاکنون چندین بار تقاضای بررسی عملکرد آن شده بنیاد رجاء یا موسسه رشد جامعه اسلامی ایران است که موسسین این بنیاد از مسئولین کشوری میباشد. سرمایه اولیه این موسسه یک جلد کلام الله است ولی تا کنون عملیات اقتصادی گسترده‌ای در صنعت و تجارت و خدمات انجام داده "توکلی مزدور که البته علت طرح چنین مسائلی از طرف او اعتراض به "سهم شیروانی" است که وی خواستار بدست آوردنش میباشد در ادامه مینویسد: بنیاد راشد را چه کسانی تشکیل داده‌اند؟ سرمایه آن چقدر بوده و چه اقداماتی کرده است گفته میشود یکی از مسئولین سابق از موسسین آنست و در ارتباط با یکی از نهادهای رسمی کار کرده و میکند. ثروت بنیاد الحادی از کجا آمده است که در مزایده یک گاوداری متعلق به وزارت کشاورزی با پیشنهاد یکصد میلیون تومان برنده

میشود. پرونده سوء استفاده مالی شرکت‌ها ماراک وابسته به وزارت بازرگانی به کجا رسیده؟....."

بله این واقعیتی است که صندوقهای قرض الحسنه که جز وسیله‌ای جهت گردآوری سرمایه هر چه بیشتر و استثمار توده‌ها نمیباشند، عمدتاً توسط ایسادی و وابستگان به رژیم دزد و غارتگر جمهوری اسلامی بوجود آمده‌اند و طبیعتاً نیز گردانندگان این مراکز غارت تنها در ارتباط تنگاتنگ با سردمداران و دست‌اندرکاران رژیم و تحت پوشش‌های رسمی و قانونی به سوء استفاده‌های کلان مالی دست میزنند، ولی ابراز چنین مسائلی از طرف احمد توکلی که چهره رسوای او در پست وزارت کار و امور اجتماعی سابق با توجه به پشتیبانی وی از لایحه کاری که وقیحانه حتی میخواست نام کارگرا نیز از وی برآید برای همگان شناخته شده است تنها بیانگر این نکته میباشد که عملکرد غارتگرانه صندوقهای قرض الحسنه و سوء استفاده‌های مالی کلان گردانندگان آنها به وسیله‌ای جهت تسویه حسابهای عناصر و جناحهای ضد خلقی رژیم و حمله آنان به یکدیگر تبدیل شده است. هم از اینرو ما شاهد سخنان ضد و نقیض از طرف سخنگویان رژیم در این مورد میباشیم. مثلاً اگر در شماره‌هایی از روزنامه کیهان این مطلب درج میشود که "مهمترین مسئله در مورد صندوقهای قرض الحسنه این است که آنها حاکمیت اقتصادی را در خطر قرار میدهند" این مطلب نیز قید کرده که "البته صندوقهایی که دارای

گرامی باد ۸ مارس ۰۰۰۰

از صفحه ۲۹

است که دوشا دوش مردان زحمتکش بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و کلیه وجوه استثمار و ستم امپریالیستی به مبارزه هر چه فعالانه‌تر برخیزند.

زنان مبارز ما باید بدانند تا زمانیکه مالکیت خصوصی و روابط استثمارگرانه و بویژه سلطه امپریالیستی از جامعه ما بطور قطعی برکنده نشود، آنان به آزادی واقعی نخواهند رسید. زنان فقط در نظام انقلابی آینده در جامعه سوسیالیستی قادر خواهند بود به حقوق مساوی با مردان و برابری واقعی اجتماعی دست یابند و صرف نظر از جنسیت خویش دوشا دوش مردان به انسانی مستقل و خلاق و با آگاهی طبقاتی تبدیل شوند. آرمانی که سالهاست زنان انقلابی میهن ما برای آن بپا خاسته و سلاح بدست گرفته‌اند.



«عفو عمومی» برای لایوشانی کشتار زندانیان سیاسی

خلقهای قهرمان ایران!

در شرایطی که ماههاست ضدانقلاب حاکم، یورش بیسابقه‌ای را بر علیه انقلاب ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌های ستمدیده ما سازمان داده و در این تعرض جنایتکارانه قلب زندانیان سیاسی این فرزندان دلاور خلقهای ما را نشانه گرفته است و در حالیکه هر روز اخبار جدیدی از تیرباران و حلق آویز کردن زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی منتشر میگردد و از خون رشیدترین فرزندان خلق جویبارها جاری گشته، رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی به ترفند جدیدی تمسک جسته و برای پنهان نمودن نستان خون آلود خود از انظار جهانیان و به انحراف کشاندن افکار عمومی، ریاکارانه اعلام داشته که بمناسبت هفتمین سالگرد حاکمیت سیاهش زندانیان سیاسی و یا بقول دستگاه تبلیغاتی رژیم، «زندانیان گروهکی» را مورد عفو قرار خواهد داد.

گرچه اعلام «عفو عمومی» آنها پس از کشتار وحشیانه وسیع زندانیان سیاسی در ماههای اخیر و اعلام رسمی این امر که ۹۰۰ زندانی سیاسی همچنان در شکنجه‌گاهها باقی خواهند ماند خود بروشنی بیانگر ماهیت ددمنشانه جمهوری اسلامی است، اما بی‌تردید اعلام «عفو عمومی» از جانب جمهوری اسلامی نشاندهنده کوششهای وقیحانه رژیمی است که سعی دارد بدینوسیله چهره‌ای متفاوت از واقعیت سرکوبگرانه‌اش در افکار عمومی بنمایش بگذارد، کوششی که با تبلیغات پیرامون بااصلاح آزادی فعالیت احزاب سیاسی آغاز گردید و اینک با نمایش اخیر ادامه یافته است. اما همانطور که آزادی فعالیت احزاب سیاسی با هزاران قید و بند و با اعلام «ضوابط» کذائی نمایانگر مضحک و مهمل بودن آنست «عفو» اعثائی زندانیان سیاسی نیز پس از آنکه در واقعیت در یکسری از زندانها تماما یا اکثریت زندانیان سیاسی قتل عام گردیدند و برای نمونه در زندانهای بندرانزلی، برازجان، لاهیجان و کرمانشاه تعداد اعدام شدگان بعدی است که دیگر زندانی سیاسی ای در آنها باقی نمانده است بخوبی چهره و اباطیل این رژیم فاسد را به نمایش میگذارد و بار دیگر ماهیت جنایتکارانه رژیم مزدور جمهوری اسلامی و تبلیغات ریاکارانه‌اش را آشکار میسازد.

اعلام بااصلاح «عفو عمومی» ضرورتی تبلیغاتی برای رژیم است که بدنبال بی‌آبرویی جمهوری اسلامی در نتیجه انعکاس وسیع جنایتهای اخیرش در حق زندانیان سیاسی طرح گشته و دستاویزی است برای همه آن جریانات و دولتهای ضدخلق که بدلیل اهداف غارتگرانه‌شان نیازمند تظہیر چهره جنایتکار این رژیم ددمنش میباشند تا در شرایطی که در افکار عمومی جهان این رژیم بمنابہ یکی از وحشی‌ترین رژیمهای دیکتاتوری شناخته شده است در جهت گسترش ارتباطات خود با جمهوری اسلامی و تسهیل شرایط استثمار توده‌های خلق ما در موقعیت مناسبی قرار بگیرند.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

نیروهای آگاه و آزادیخواه!

بیشک برپائی نمایش عفو عمومی پس از تخلیه زنداتها از زندانیان سیاسی از سوی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تحت شرایطی که هنوز نستگی کمنیستها و مبارزین و اعدام زندانیان سیاسی ادامه دارد و طی ماههای گذشته هزاران کمنیست و مبارز در بند با بدنهاى مشک شده از گلوله پاسداران ارتجاع و نوکران امپریالیسم در گورهای دسته جمعی دفن گردیدند و نه تنها تن از رشیدترین فرزندان خلق ما به وحشیانه ترین شکلی در ملائع در مقابل چشمان آکنده از خشم و نفرت توده های مبارز ما بدار آویخته گردیدند، نه تنها باعث فریب زحمتکشان نخواهد گردید بلکه تنها به افزایش کینه انقلابیشان و شناخت دقیقتر از ماهیت مکارانه این سگان زنجیری منجر خواهد شد و عزم شما را در مبارزه ضد امپریالیستی تان تا نابودی سلطه جا برانه امپریالیسم صد چندان خواهد کرد.

بر واضح است که جسدهای سوزانده شده فرزندان صدیق خلق، لباسهای آغشته بخون زندانیان سیاسی که به خانواده های رنجنیده شان تحویل داده میشود و یا میانگاه توسط مزدوران رژیم به حیاط خانه ها پرتاب میگردد و گورهای دسته جمعی که از سوی بستگان زندانیان حماسه آفرین کشف میشوند و یا بر اثر سیلاب ناشی از باران آشکار میگردد، مانع از آن خواهد شد تا کارگزاران جمهوری اسلامی که هنوز به انعای خود، فرزندان انقلابی خلقهای ما را در سیاهچالهای خویش به زنجیر کشیده اند (مزدوران تعداد این زندانیان را به نروغ ۹۰۰ تن ذکر کرده اند) بتوانند به هدف ضد انقلابی خویش مبنی بر لاپوشانی چهره جنایتکارشان دست یابند.

لذا وظیفه تمامی انقلابیون و آزادیخواهان است که ماهیت فریبکارانه نمایش اخیر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را افشاء ساخته و به هر وسیله ممکن و در هر سطحی به افشای واقعیت اعمال جنایتکارانه این رژیم و تبلیغات او پیرامون اعلام "عفو عمومی" بپردازند.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
 درود بر اسرا و زندانیان سیاسی که دلیرانه در مقابل شکنجه های قرون وسطائی
 نژخیمان جمهوری اسلامی مقاومت میورزند!
 زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

۲۲/بهمن/۶۷

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

با این وجود زنان انقلابی و قهرمان ما نه تنها به ستمها و تعدیات مفاعی که توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به آنها روا میشود تن نداده اند، بلکه بسیاری از آنها در صحنه مبارزه انقلابی بر علیه این رژیم و اربابانش در طول یک دهه حاکمیت منحوس جمهوری اسلامی سلاح بدست گرفته و در راه آرمانهای انقلابی خویش صحنه های حماسی و ارزشمندی از اوج درایت و فداکاری زن انقلابی را بنمایش گذارده اند.

زنان زحمتکش، در تمام مبارزات انقلابی تاریخ معاصر میهنمان چه در زمان انقلاب مشروطیت، چه در مبارزه مسلحانه ای که با رستاخیز سیاهکل آغاز گشت و چه در قیام خونین بهمن ۵۷ فعالانسه و دوشادوش مردان شرکت کرده اند. امروز نیز بر زنان آزاده و آگاه میهنمان در صفحه ۲۶

مردشمرده میشود. شهادت دوزن برابر یک مرد است. در محیطهای کار شدیدترین شیوه های استثمار در مورد زنان صورت میگیرد و حتی ساعات کار زنان به ۱۶ ساعت افزایش یافته است. در حالیکه پرداخت حقوق زنان کارگر به میل کارفرما واگذار شده است. زنان کارگرو زحمتکش از حداقل وسائل و امکانات رفاهی و اولیه کار در کارخانه ها و کارگاهها محرومند. استخدام آنها در پیرون از خانه منوط به اجازه و رضایت شوهر است خلاصه اینکه از نظر جمهوری اسلامی ضد خلقی زن جدا از ستم امپریالیستی ای که در جامعه به او روا داشته میشود، موجودی است که باید بجهت آورد، در خانه توسط مرد استثمار شود، خانه داری کند، و در کنج آشپزخانه محبوس و زندانی شود. زن در فرهنگ ضد خلقی و امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی مترادف جنین مفهومی است.

گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز تاریخی زن

هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید. اگر زنان آزاد نباشند جامعه نیز آزاد نخواهد بود. روز هشتم مارس (۱۷ اسفند) سال ۱۹۰۸ یادآور مبارزات قهرمانانه هزاران تن از کارگران نساجی و لباس دوزی آمریکا در شهر نیویورک میباشد. در این روز زنان زحمتکش به تظاهرات وسیعی دست زده و خواهان پایان بخشیدن به تبعیضات موجود بر علیه خود، حقوق مساوی با مردان، پایان بخشیدن به استفاده انبوهی از کار کودکان و همچنین حق رای شدند.

دو سال بعد از مبارزات زنان کارگر آمریکا و پس از آنکه کلارا زتکین یکی از رهبران جنبش انقلابی زنان در آلمان پیشنهاد کرد که ۸ مارس روز جهانی زنان زحمتکش اعلام گردد، انترناسیونال دوم درخواست کلارا زتکین را به مورد اجرا در آورد و از آن پس این روز بعنوان روز جهانی زنان زحمتکش به رسمیت شناخته شد.

از این به بعد در طول سالهای متعددی، این روز فرخنده سمبل و الهام بخش مبارزات زنان انقلابی ای شده است که در چهار گوشه جهان و در نظامهای طبقاتی و استثمارگرانه دوشادوش مردان بر علیه اجحافات نظامهای طبقاتی بر علیه کل جامعه به مبارزه برخاسته اند. بر علیه خود و بر علیه همه توده های تحت سلطه به مبارزه برخاسته اند.

در ایران تحت حاکمیت امپریالیسم نیز اوضاع زندگی زنان جدا از وضعیتی که زنان کارگر و زحمتکش در سراسر جهان تحت سلطه امپریالیسم دارا میباشند نیست. و حتی از جهاتی میتوان گفت که استثمار و ستمی که بر زنان ایران، بخصوص از بدو حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی رفته است کم سابقه بوده است.

با روی کار آمدن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی زنان شدیدتر از هر وقت دیگر مورد تعرضات و اجحافات امپریالیستی این رژیم ضد خلقی قرار گرفته اند. امروز در قوانین امپریالیستی ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی زن نصف



در هر جامعه ای درجه آزادی زن یک مقیاس طبیعی برای میزان آزادی عمومی است!

- جمهوری اسلامی زیر پوش اسلام و قیحا نه زنان را رسماً "ناقص العقل" و موجوداتی "احساسی" خوانده و آنان را از یک سری حقوق اجتماعی محروم نموده است.
- جمهوری اسلامی حق زنان را در انتخاب آزادانه پوشش خود نادیده گرفته و حجاب اسلامی کذاشی را بر آنها تحمیل نموده است.
- جمهوری اسلامی تحت عنوان پیاده کردن قوانین اسلام کوشش نموده است قید و بند های هر چه بیشتری بر زندگی زنان ستم دیده کشور تحمیل کرده و این نیروی عظیم را بتدریج از صحنه مبارزه بر علیه امپریالیسم خارج ساخته و در گوشه خانه و آشپزخانه محبوس سازد.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۱۷ اسفند ۱۳۶۷ (۸ مارس)

گزیده هائیکه از رادیو صداک چریکها

گرگها برای دریدن یکدیگر دندان
تیز کرده‌اندوقتی که موسوی جنایتکار وعده
"خودکفانی" می‌دهد!جمهوری اسلامی و ازدیاد مصرف
دارو در ایران

۶۷/۱۲/۷

بحران برونی هیات حاکمه ابعاد وسیع و عمیقی به خود گرفته است و روزی نیست که تضاد بین جناحهای مختلف حاکمیت در مسائل مختلف به شکلی بازتاب بیرونی نیابد. جمهوری اسلامی نشان داده که بدین ترتیب بتانسیل پیشبرد و حل کوچکترین معضلات بشمار توده‌های تحت ستم و همچنین فلاکت و ماضی که کل نظام سرمایه‌داری وابسته ایران را دربر گرفته است ندارد و همین ساله دعوی قدرت را در بین سگان زنجیری حاکم بر ایران بیش از پیش تشدید کرده است. کفاکش و بحران قدرت در بالا به نوبه خود انعکاسی از ناراضی و انزجار عمیق توده‌های است که در اعمای جامعه بر علیه نظام امپریالیستی موجود و دیکتاتوری حافظ آن جریان دارد. چگونگی تخفیف بحران عمیق اقتصاد امپریالیستی در جامعه و حل و فصل مشکلات عظیم اقتصادی - اجتماعی که تاروپود نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم ایران را فرا گرفته و به همین اعتبار چگونگی سرکوب توده‌های تحت ستم و در زنجیر موضوع اساسی است که اکنون گرگها را به جان یکدیگر انداخته است و بدینگونه است که تلاش برای کسب همونی در ماضی

۶۷/۱۲/۶

دهال از حاکمیت ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر مبنی تحت سلطه مان می‌گذرد. آنچه که در طول این ده سال سیاه از دولت سر رژیم جدید بر کارگران و زحمتکشان مارفته است به هیچ رو قابل توصیف نیست. بجزرات می‌توان گفت که مائب و بدبختیهای يك دهه اخیر حیات اجتماعی اقتصادی مردم ما تحت رژیم سربرده جمهوری اسلامی، در تاریخ معاصر کشورمان کم سابقه بوده است. رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم در طول ده سال پیشبرد ما موریت امپریالیستی خویش، جز فقر و خانه خرابی، سرکوب و کشتار، اختناق و دیکتاتوری، جنگ و دریدری و ویرانی هیچ ارمغان دیگری برای توده‌های ستم دیده ما به نیار نیاورده است. نتیجه اینکه در طول این سالهای سیاه جمهوری اسلامی در پیشبرد ما موریت امپریالیستی، در تعمیق هر چه بیشتر سلطه منحوس امپریالیستی بر حیات توده‌ها و به موازات آن سرکوب عیان گسیخته خلقهای در زنجیر ایران از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است. به همین روست که توده‌های ما شاهدند که با سپری شدن يك دهه از قیام قهرمانان و خونریزان بر علیه رژیم سربرده شاه و

۶۷/۱۱/۱۳

وزیر صنایع جمهوری اسلامی در اولین سمینار با اصطلاح خودکفانی دارونی ایران که چندی پیش زیر نظر هسته خودکفانی - تحقیقاتی صنایع دارونی وزارت صنایع برگزار گردیده، ضمن اشاره به افزایش مصرف دارو در کشور گفت: "ایران از نظر مصرف سرانه دارو جزو ۱۰ کشور نخست جهان است و در آسیا مقام دوم را دارد" او در ضمن مطرح کرد که: "میزان فروش دارو در شش ماهه اول سال جاری معادل ۴۵ میلیارد ریال بوده است، بطوریکه هر ایرانی از کوچک تا بزرگ هر سال ۱۸۰ تومان برای خرید دارو می‌پردازد" از سوی دیگر بر اساس آمارهای رسمی طی ۱۰ سال یعنی از سال ۵۷ تا ۶۷ مصرف دارو در ایران ۳ برابر شده است. بدون شك افزایش مصرف دارو در ایران و سه برابر شدن مصرف آن زیر سلطه سیاه جمهوری اسلامی خود بروشنی بیانگر شرایط نکبت‌باری است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مبنی ایجاد نموده است در حالی که باید به رشد جمعیت در این دهال توجه داشت ولی سه برابر شدن مصرف دارو قبل از هر چیز انعکاسی از فقر و فلاکت حاکم بر کشور عدم رعایت بهداشت و عدم پیشگیری

فتاوی امام جنایتکارشان زیربای یکدیگر را خالی نکنند برعلیه یکدیگر توطئه نکنند و در جهت تضعیف یکدیگر برنمایند و از انحصارطلبی سایرین به شکوه و شکایت نپردازند. در همین رابطه منتظری ابله یعنی ولیعهد خمینی جلا که پس از اعدام چندتن از مزدوران داروستانش و منجمله دامانش و پس از مدتهای مدید غیبت از صحنه این روزها دوباره چهره فعالی به خود گرفته است. اخیرا با سوز و گداز زبان به شکایت و انتقاد از سایبر مقامات رژیم گشوده و در هیات آزادی خواهی و با اشاره به ضرورت آزادی رسانه های گروهی در ارائه نظرات مردم اعلام ناعته است که: رسانه های گروهی و رادیو تلویزیون نباید خط خاصی داشته و به صورت انحصاری درآیند و در دست چند نفر باغند. زیرا اگر اینگونه باشد کار به جایی می رسد که حرف من طلبیه را هم که از اول انقلاب در کنار مردم و همراه با انقلاب اسلامی بدم سانسور می کنند و در آن صورت معلوم است که با مردم چه می کنند.

آنچه که از آه و فغانهای منتظری در رابطه با سانسور حرفهای این آخوند ابله توسط رژیم استنتاج می شود این است که ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی به درجه ای رسیده است که این رژیم سرکوبگر و وابسته حتی تحمل حرفهای نوکران و کارگزاران شناخته شده و صدیق خویش و یا به زعم منتظری طلبیه ای که از اول انقلاب با رژیم بوده را هم نندارد.

ورشکستگی و افلاس جمهوری اسلامی به جایی رسیده است که حتی منتظری جنایتکار نیز صراحتا زبان به انتقاد از این رژیم گشوده است. البته باید در نظر داشت که آزادی خواهی منتظری ابله تنها و تنها به همین درجه نازل یعنی به اینک

ولتی و قبضه کردن مراکز و اهرمهای قدرت سیاسی توسط جناحها و باندهای مختلف حاکمیت به منظور تامین هرچه بیشتر و مطلوبتر منافع سلطه امپریالیستی باعث آن شده که جمهوری اسلامی این روزها دچار معضلات بفرنج و فراوانی شود. در همین چهارچوب است که میبینیم صرف نظر از نارضای عمیق توده ای و حرکات انقلابی پائینیها برعلیه حاکمیت حتی صدای اعتراض و آه و فغان بخشهایی از طبقه حاکمه برعلیه سایر همبالگهای خویش نیز به آسمان بلند شده است.

تضادهای روزمره بین دولت و سایر بخشهای هیات حاکمه بین نخست وزیر و رئیس جمهور و رئیس مجلس، منتظری و خمینی، مجلس و دولت و... تماما در چهارچوب مسائل مذکور قابل بحث و بررسی است. البته این نخستین بحران درونی حاکمیت جمهوری اسلامی نیست و آخرینش هم نخواهد بود قبلا بازرگان، بنی صدر، حجتیه، حزب جمهوری اسلامی و... از زمره قربانیان این بحرانها بوده اند. اما به جرات می توان گفت که تنشهایی که بویژه پس از آتش بس در جنگ امپریالیستی ایران و عراق در هیات حاکمه بروز کرده در طول سالهای اخیر کمتر سابقه داشته است.

حتی این تضادها تا جایی پیش رفت که حتی برخی از آخوندهای ستاندر کار جمهوری اسلامی نیز توسط این رژیم اعدام شدند اکنون نیز در عین حال که این تلاش قدرت به هیچ رو به سرانجام نرسیده است روزی نیست که مردم در زنجیر ما در رابطه با مسائل مختلف از داروستانهای رقیب در جمهوری اسلامی حرفهای متناقض نشنوند. روزی نیست که در مسائل مختلف جناحهای رقیب با تفاسیر خاص خود از

رسانه های گروهی مثلا چرا باید در انحصار نقطه نظرات بخش محدودی از سرمایه داران وابسته از طبقه حاکم باشد محدود می گردد و این سخنان او هیچ ربطی به منافع توده ها نداشته و ندارد.

اما تا آن جا که به کارگران و توده های زجر دیده ما مربوط می شود منتظری و داروستانه جنایتکارش هیچ فرق اساسی با سایر سگان زنجیری نظیر رنجانی و خمینی و خامنه ای و... نداشته و ندارند. آنها نیز در تمام جنایات ذنبوع جمهوری اسلامی برعلیه توده ها و به نفع اربابان امپریالیستان فریادند. منتظری و داروستانه جنایتکارش در اساسی ترین مسائل نظام موجود یعنی تامین منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته و به این اعتبار سرکوب قهرآمیز توده ها هیچ اختلاف اصولی ای با سایر جناحهای حاکمیت نداشته و ندارند تنها این که چگونه امر هدایت نظام موجود به پیش برده شود و این که چگونه و به چه روشی توده های تحت ستم و حقوق آنها در جهت حفظ منافع امپریالیستها پایمال و سرکوب گردد و این که بخش بیشتری از سهم غارت و چپاول توده ها به جیب آنها برود، موارد اختلاف بین این جلانان خلقهاست و مسلما همان طور که توده های تحت ستم ما در طول سالها مشاهده کرده اند این مسائل هیچ ربطی به آزادی توده ها از جنگال امپریالیستها نداشته و نخواهد داشت. اگر هم در مواردی نظیر آه و فغانهای اخیر منتظری مطالب محدود و حسب عده ای در مورد کلمات مقدس آزادی و حقوق توده ها به میان می آید باید فهمید که اهداف نظیر منتظری از طرح چنین مسائلی صرفا بهره برداری های سیاسی برعلیه



رقبا با مستمک قرار دادن ناراضیتی و انزجار توده‌ای از کلیت این رژیم است. وگرنه مردم آگاه ما آزادیخواهی از قماش منتظری را سالیان سال با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند و می‌دانند که ولیمهد سفیه خمینی جلاد گاه و بیگساز در سخن پراکنی‌های عوام‌فریبانه اش این ماسک را تنها به این منظور به چهره می‌زند تا با هیاتی باصطلاح مقبولتر و مردمی‌تر از سایر جلادان، توده‌های تحت ستم را به قبول وضع فلاکت‌بار موجود و تداوم آن اقتناع سازد. در واقع دمکراسی منتظری به دمکراسی طلبی نژدانی می‌ماند که بر سر تقسیم آنچه که از خانه‌ای به یغما برده‌اند با یکدیگر به نزاع برخاسته‌اند و صاحب‌خانه را برای تقسیم آن به داوری می‌طلبند.

اگر با توجه به واقعیات فوق‌مسله وقتتی که موسوی جنا بی‌تکار ۵۰۰۰۰ از صفحه ۳۰

را خلاصه کنیم می‌توان گفت که: بحران انقلابی و به تبع آن تنفس‌های نرونی رژیم جمهوری اسلامی به حدی رسیده است که طبقه حاکم برای این بحران و انامه حاکمیت خویش حتی تحمل بسیاری از همپالگی‌های خویش را نیز ندارد. و به همین خاطر داروسته‌های جنایتکار رقیب در جمهوری اسلامی ضمن همکاری در امر اساسی سرکوب توده‌ها شدیداً در تلاش برای تضعیف و حذف و محدود کردن یکدیگر هستند.

به اعتبار این کثاکثر ضدانقلابی قدرت در بین سگان زنجیری امپریالیسم در جناح‌های مختلف می‌کوشند که با گرفتن ظاهری باصطلاح مردمی و آزادیخواهانه ضمن به هرز بردن انرژی انقلابی توده‌ها و فریب آنها در این بین نیز آبرونی برای رژیم خویش کسب کرده و ضمن بزرگ کردن چهره جنایتکارشان

خواستهای واقعی توده‌ها را ابزار حل اختلافات درون طبقاتی خود با سایر همکیشان نشان نمایند. سخنان اخیر منتظری ابله و جنایتکار نیز کوششی است که برای فریب توده‌ها در این جهت صورت می‌پذیرد. اما توده‌های ما در واقعیت در تجارب روزمره سالها زندگی خود بخوبی به ماهیت پرنده‌خونی و وابسته‌به‌امپریالیسم تمامی سگان زنجیری از خمینی و منتظری گرفته تا رفسنجانی و خامنه‌ای و موسوی واقف شده‌اند و به خوبی دریافته‌اند که رهایی و آزادی واقعی خلقهای محروم تنها در نابودی تمامیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و داروسته‌های مختلف آن و همچنین قطع سلطه امپریالیستی بر مذهبمان در تمام مظاهر ضد خلقی آن نهفته است. امری که توده‌های آگاه و مبارز ما سالهاست برای انجام آن به مبارزه‌ای سخت و دلیرانه مشغولند.

اعتراف است اندر کاران خود رژیم بهی از ۴ میلیون بی‌تکار در جامعه سرگردانند. میلیونها تن از برکت جنگ امپریالیستی در بربر و آواره‌اند. فحشاء گرانسی، کمبود مایحتاج عمومی در سطح بسیار وسیعی به عنوان امری غیرقابل انکار خودنمایی می‌کند. آحاد جامعه از کوچکترین حقوق انسانی محرومند و اختناق و سرکوب‌لجام گسیخته همچون سایه سیاهی بر زندگی توده‌ها سنگینی می‌کند. و بالاخره تمامی این نمونه‌های کوچک بی‌انگهر بحران و حشتناک اقتصادی است که بار مرگبار آن توسط امپریالیستها و رژیم جمهوری اسلامی به زندگی بخور و نمیر توده‌ها منتقل شده است.

اما به رغم تمامی این مائثب حشتناک، جمهوری اسلامی این سنگ

بحران اقتصادی درمان ناپذیری که به تبع از بحران جهانی نظام امپریالیستی سالهاست در اعماق جامعه ما ریشه دوانده ده سال پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی نه تنها کم عمق تر نشده بلکه از برکت حکومت جمهوری اسلامی ابعاد بس شگفتی پیدا کرده است. امروز بنا به

زنجیری امپریالیستها پس از سالها جنایات بیشترانه در حق توده‌ها در طول يك دهه هنوز هم وقیحانه از مردم می‌خواهد که صبر داشته باشند قناعت کنند، از رفاه حرف نزنند و بسوزند و بسازند تا بدین ترتیب نظم ارتجاعی موجود حفظ و به بهای مکیدن شیره جان توده‌ها کیسه سرمداران جنایتکار رژیم و اربابان امپریالیستان هرچه بیشتر انباشته گردد. زندگی توده‌ها نابود شود تا حسابهای شخصی دار و ستده حاکم در بانکها و موسسات کشورهای اروپائی و آمریکائی بزرگتر گردد.

در همین رابطه طی روزهای اخیر و در جریان جشنهای باصطلاح دهه فجر، موسوی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم در سالگرد

امر اعنایهای وسیع و وحشیانه است که در طول دهسال و بخصوص پس از «فراغت از جنگ» توسط نولت موسوی انجام گرفته و طی آن هزاران تن از فرزندان رشید و دلاور خلق به جرم مبارزه با «بیگانگان» و امپریالیستها و وابستگانان به جوخه‌های آتش‌سپرده عددهاند.

توده‌ها به خوبی واقفند که موسوی مزدور به هیچ رو دلش به خاطر وابستگی به بیگانگان نمی‌سوزد. چون عملکردهای او نشان داده‌است که وی خود یک مزدور جیره خوار و سرکوبگر و به این اعتبار یک سرسپرده به تمام معنی است. حرف اصلی و حساب او نه همدار از خطر وابستگی به بیگانگان بلکه زنگ‌خطری به توده‌هاست که نباید به رفاہ و زندگی بهتر فکر کنند چرا که در شرایط بحران اقتصادی عمیق نامتکبر جمهوری اسلامی، موسوی مزدور بهتر از هرکس دیگر می‌داند که با وجود فراغت از جنگ رژیم بحران زده و وابسته او به هیچ رو قادر به کوچکترین تضمین رفاهی و مثبتی در زندگی توده‌های به جان آمده نیست. چرا که هدایت نظام وابسته‌ای که او اینک نخست‌وزیر رژیم حافظ آن است اساساً

در حیطه امپریالیستهاست و تا زمانی که نظام امپریالیستی در کشورهای اروپائی و آمریکائی با بحران اقتصادی روبروست طبعا نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم ایران و توده‌های تحت حکومت جمهوری اسلامی نیز در ابعادی بسیار مرگبارتر با این بحران و عواقب آن یعنی فقر و بیکاری و گرانی و ... باید دست و پنجه نرم کنند. و بدین مفهوم تصور ایجاد رفاہ تحت این نظام برای توده‌های فلک زده امری غیرقابل

رژیم مزدور موسوی را در تمام جوانب لمس کرده‌اند دیگر رنگی ندارد. داستان ضامپریالیست بودن نارونده جمهوری اسلامی و امثال موسوی بخصوص پس از دهسال دیگر «توزرتتر» از آن در آمده‌است که بتوان با آن احیاناً نهن توده‌های تحت‌ستم را مشوب ساخت. اما جالب اینجاست که درست در همین روزهایی که موسوی جنایتکار در تبریز و قیحانه از مضرات وابستگی به بیگانگان دم می‌زند در آمریکا، اربابان او و رژیمش در اثر تضادهای درونی مشغول محاکمه الیورنورث یعنی شخصی که گند رابطه عمیق و همه جانبه سران جمهوری اسلامی با سرستنه بیگانگان یعنی امپریالیسم آمریکا در جریان کارهای او در آمده‌هستند. یعنی همان شخصی که به جناب موسوی و دولت سرسپرده‌اش اسلحه‌های آمریکائی تحویل می‌داد و سود حاصل از آن را به سایر جیره‌خواران همپالگی موسوی در تیکاراکوئه منتقل می‌کرد. بنا بر این آنچه که در اینجا باقی می‌ماند فقط و فقط وقاحت ضدانقلابی است، وقاحتی درخور ستایشی که تنها شایسته مزدوران عوامفریبی نظیر موسوی است.

به هر رو تا آنجا که به خلقهای محروم و مبارز ما مربوط می‌شود برخلاف ماهیت و منضمضانقلابی و توکر منشی موسوی مردم ما به هیچ وجه چنین ذلتی یعنی وابستگی به امپریالیستها را قبول نکرده و نخواهند کرد و گواه این امر نیز مبارزات دلاورانه‌ایست که این خلق در زنجیر از آغاز روی کار آمدن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در اشکال و سطوح مختلف با حکومت‌عساک و جانشین خلفش یعنی رژیم متبوع موسوی و اربابان او ادامه داده‌اند. گواه این

قیام ۲۹ بهمن تبریز طی سخن پراکنی‌های سیوطی در مسجد جامع این شهر به مستمعان خود مزده داد که بدبختی و مصیبت‌های عدیده توده‌های تحت‌ستم پس از فراغت جمهوری اسلامی از جنگ همچنان ادامه خواهد داشت. او رنیلانه عنوان کرد که: «اکنون که از جنگ فراغت پیدا کرده‌ایم اگر بخواهیم فقط به رفاہ فکر کنیم. باید به دنبال آن ذلت و وابستگی به بیگانگان را نیز قبول نمائیم که فکر نمی‌کنم غیرت اسلامی مردم ما چنین ذلتی را قبول کند و راه دوم آنست که بر اساس توانائیهای خود حرکت کنیم، و ما در اینراه به نیروی مردمی ایمان داریم و به کمک شما ملت مسلمان مشکلات اقتصادی - سیاسی و فرهنگی از پیش‌پا برداشته‌شده و با ایجاد صنایع بایسته و تولید مواد اولیه کشور را به خودکفائی خواهیم رساند.»

به این ترتیب موسوی و قیحانه به مردم مصیبت زده اعلام خطر می‌کند که با وجود اینکه جنگ تمام شده ولی نباید به رفاہ فکر کنید! چونکه به زعم این سگ زنجیری شناخته‌شده به بیگانگان وابسته می‌شوید.

و البته باید یادآوری کرد که عوامفریبهای موسوی مزدور در مورد «وابستگی» و «بیگانگان» و از این قبیل خزعبلات اگر ۱۰ سال پیش و در آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی به خاطر توهم بخشی از توده‌ها عنوان می‌شده ممکن بود کسب و کار این مزدور و سایر همپالگی‌هایش را تا حدودی رونق بخشد ولی امروز دیگر حنای چنین عوامفریبهای حقیرانه در نزد توده‌هایی که یک دهه موجودیت کثیف و وابسته به امپریالیسم

ارگان چریکهای فدائیان خلق ایران

و مهرهای رنگارنگی از همان ابتدا اساسا بر بازسازی نهادهای امپریالیستی و ضد ملی و مردمی نظیر ارتش و سایر دستگاههای سرکوب، موسسات مالی و صنعتی امپریالیستی و در يك کلام ترمیم ساختارهای نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم استوار بوده است. اگر حتی به بررسیها و آمار و ارقام سانور شده خود رژیم نیز که گاه و بیگاه منتشر می شود رجوع کنیم خواهیم دید که اصولا اوضاع اقتصادی اجتماعی کارگران و توده های جامعه تحت سلطه ما به مراتب نسبت به يك دهه گذشته و حتی از دوران حکومت شاه خائن نیز مرگبارتر شده است. و ابعاد وابستگی به امپریالیستها در تمامی زوایا از برکت سر این سگان زنجیری امپریالیسم رشد قابل ملاحظه ای یافته است. و در واقع در طول این سالها نه تنها تحت حکومت جمهوری اسلامی و دولت موسوی در هیچ جا پای عمل واقعی برای باصلاح ایجاد صنایع پایه ای و گسترش تولید مواد اولیه برای خودکفائی حقیقی در کار نهوده است بلکه اصولا موجودیت جمهوری اسلامی و تمامی مزدوران و دار و دسته های ریز و درشتش از سوی امپریالیستها دقیقا به خاطر ضمیمت با استقلال، رشد اقتصاد ملی و ساختمان آزاد جامعه شکل گرفته است و وظیفه اساسی این سگان زنجیری امپریالیسم همانا نابودی استقلال و خودکفائی و سرکوب بیرحمانه هرگونه جنبش و حرکت آزادیخواهانه و ملی و ضد امپریالیستی است.

جمهوری اسلامی و ۰۰۰۰

از صفحه ۳۰

از شیوع بیماری های مختلف و در يك کلام انعکاس شرایط ذلت باری است که از نظام سرمایه داری وابسته ناشی می گردد. اما نگاهی به آمارهای موجود در زمینه افزایش مصرف دارو نشان می دهد که مصرف داروهای عمیق در میان ناروها به طور چشمگیری بالا رفته است. که در این رابطه می توان گفت که شرایط بسیار وخامت بار زیستی توده ها ناشی از بحران سهم سرمایه داری وابسته حاکم بر جامعه شرایط ناشی از سرکوب دهنشانه انقلاب به وسیله جمهوری اسلامی و جنگ امپریالیستی ایران و عراق که بدون شك هر سه در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند، در از نیاد مصرف داروهای عمیق نقش اساسی ایفا نموده اند. فقط کافیست

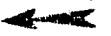
با توجه به این امر می توان فهمید سخن پراکنی های موسوی جنایتکار تا چه حد عاری از حقیقت و ریاکارانه است. در واقع می توان گفت این حرفها در چهارچوب

تصور است تحت این نظام این رفاه فقط برای اقلیتی از سرمایه داران وابسته ز الوصفت و امپریالیستهای غارتگر آنها به بهای فقر و خانه خرابی هرچه بیشتر توده ها میسر و امکان پذیر خواهد شد. و موسوی و نارسته اش در جمهوری اسلامی با توسل به سرکوب مطلق و دهنشانه مدافعین پلاننازع چنان نظامی می یابند و از همین روست که به سیاق معمول تمامی استثمارگران رنگارنگ جهانی، موسوی از مردم صبر و استقامت و تمکین می طلبد. روزی آنها را به آسمانها حواله می دهد و وضع ظالمانه موجود را برای آنها تئوریزه کرده و آنها را به پیروی از آن تمویق می کند. با گذاشتن "دوراهی های خیالی به آنها وعده های بوج و توخالی مبنی بر "خودکفائی" و غیره می دهد تا تامین منافع بیکران مفتی جنایتکار سرکوبگر نظیر خود و اربابان امپریالیستش را همچنان میسر سازد. به همین دلیل است که او به مردم می گوید که در صورت انتخاب "راه دوم" با ایجاد صنایع پایه ای و تولید مواد اولیه کشور را به خودکفائی خواهیم رساند.

البته خلقهای ما بخوبی در تجربه خود آگاهند که وعده و وعیدهای دولت موسوی مبنی بر خودکفائی و استقلال و ۰۰۰۰ تا چه حد به دور از حقیقت بوده و اصولا این ژستهای کهنه شده دقیقا به خاطر لاپوشانسی وابستگی عمیق به امپریالیستها و عدم استقلال حکومت جمهوری اسلامی است که گرفته می شود. و گرنه چه کسی است که در تجارب عدیده انقلابی يك دهه اخیر در مورد رژیم جمهوری اسلامی و دولت ضد خلقی موسوی نداند که تمام قدرت و تالدهای این رژیم



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



به گوشه‌ای از آثار مغرب‌جنگ امپریالیستی ایران و عراق اشاره شود تا روشن گردد که امپریالیستهای جنایتکار توسط سگان زنجیرشان چه شرایط نهشتناکی را در میهن ما بوجود آورده و خلقهای قهرمان ما با چه مائب و مشکلات هولناکی روبرو بوده‌اند و چگونه از جمله این واقعیت باعث فشارهای عمیقی و ناراحتی‌های روانی و روحی گردیده‌اند و الزاماً باعث افزایش مصرف داروهای عمیقی و حتی اشاعه اعتیاد در جامعه گشته‌است بطور خلاصه، تا دوام چند ساله جنگ امپریالیستی ایران و عراق باعث قربانی شدن نزدیک به یک میلیون نفر از مردم ما و بویژه جوانان کشوره آواره و لرزیده چند میلیون تن و موجب ویرانی ۲۰ شهر و بیش از ۱۰۰۰ روستا و آبادی و خرابی بسیاری از صنایع و کارخانجات شده‌است، بطوریکه خسارات این جنگ را در مورد ایران حدود پانصد و سیصد میلیارد و نوبست میلیون دلار ارزیابی کرده‌اند بدینیهی است که رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستی با تحمل مشقات بسیار به خلقهای قهرمان ایران، ناراحتی‌های روحی و عمیقی شدیدی برای آنان بوجود آورده و زندگی را هر روز بیشتر از قبل به کام آنها تلخ نموده‌اند. بگونه‌ای که بیماریهای عمیقی و روانی در چنان ابعاد وسیعی در میان هموطنانمان اشاعه یافته‌است که مرندی وزیر مزدور بهداشت و درمان و آموزش پزشکی رژیم مجبور شد تا ضمن اعتراف به این امر بگوید که داروهای نظیر والیوم و ایپریوم و دیگر داروهای عمیقی، بیشترین مصرف را در میان مردم ایران دارند و روزنامه‌های چیره‌خوار رژیم به ناچار به گوشه‌ای از این

واقعیت اشاره کرده و می‌نویسند: در کیف اکثر مردان و زنان ایرانی قرص‌های خواب‌آور و آرام‌بخش نظیر والیوم وجود دارد.

مرندی این نوکر حلقه بگوش نظام سرمایه‌داری وابسته در توضیح علت مصرف داروهای عمیقی به جنگ و بمباران شهرها اشاره می‌کند تا عوامل دیگر را لایوشانی نماید، در حالیکه در واقعیت جنگ و بمباران شهرها تنها یکی از عوامل وجود آورنده این وضع می‌باشد، همانطوری که قبلاً اشاره کردیم، باید شرایط ناشی از بحران اقتصادی در جامعه و در نتیجه فقر و فلاکت توده‌ها، سرکوب و حیثانه رژیم و حاکم بودن جو ترور و خفقان در جامعه را نیز در کنار عامل جنگ بحساب آورد. عواملی که در پیوند با هم بوده و همگی از سلطه جابریان نظام سرمایه‌داری وابسته بر کشورمان ناشی شده‌اند ولی برای نشان دادن فریبکاری مرندی مزدور چه دلیلی مهمتر از این که با برقراری آتش‌بس و در نتیجه حذف رسمی فاکتور جنگ مصرف داروهای عمیقی پایان نیافت و این امر همچنان تا دوام دارد.

در هر صورت با اذعان به این که جنگ نقش مهمی در مصرف داروهای عمیقی داشته‌است باید گفت هم‌اکنون علی‌رغم برقراری آتش‌بس در جبهه‌های جنگ و در حالیکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بازسازی را سیاست خود اعلام نموده با توجه به افزایش فشارهای مختلف بر زحمتکشان و به همه توده‌های خلق، که اعدام سسته سسته از زندانهای سیاسی در ماههای اخیر گواه روشنی بر آنست، بدون شک مصرف داروهای عمیقی ادامه خواهد یافت. با نگاهی بر این

واقعیتهاست که می‌توان دریافت که چرا مصرف دارو طی ده سال گذشته سه برابر شده‌است در ضمن باید تاکید کنیم، از آنجا که وضع تشنیه هر جامعه رابطه مستقیمی با بیماری‌های موجود در آن جامعه دارد، چون مصرف مواد غذایی و بویژه مواد پروتئین دار در این ده سال در ایران کاهش یافته و کارگران و زحمتکشان ما در شرایطی قرار گرفته‌اند که حتی بنا به اعتراف خود سردمداران رژیم در زیر غل فقر زندگی می‌کنند و مصرف گوشت این اقشار و طبقات به یکبار در ماه تنزل یافته‌است، بالطبع زمینه برای رشد و گسترش بیماریهای مختلف مهیا می‌باشد. چرا که یکی از دلایل رشد بیماریها و در نتیجه ازبیداد مصرف دارو ضعف جسمانی است.

سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بالطبع هم به اوضاع اسفبار جامعه بخوبی آگاهی دارند و هم دلایل سه برابر شدن مصرف دارو در ایران طی ده سال گذشته را می‌دانند ولی آنها بنا به ماهیت ضد خلقی خویش نه می‌خواهند و نه می‌توانند عملکردی جز آنچه تاکنون از خود نشان داده‌اند، داشته باشند و بالطبع روند فعلی را همچنان تا دوام خواهند بخشیده روندی که ده سال گذشته توده‌های ما نتایج عملی آن را با گوشت ویوست خود لمس کرده‌اند.



اخبار و

گزارشهای خبری

مقاومت زندانیان سیاسی

و گوشه‌ای دیگر از

جنايات رژيم

در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بنابه ماهیت ضد خلقی و جنایتکارانه خویش گروه گروه از بهترین فرزندان انقلابی جامعه را در مسلخ‌های خویش به جوخه‌های اعدام میسپارد و به این ترتیب نشان می‌دهد از وجود انقلابیون کمونیست و دیگر مبارزین حتی در تروان زندانهای خویش نیز بیچاره‌ها را و وحشت بی‌حدی می‌پاشد، هر روز اسناد جدیدی از جنایات بیشترمانه این رژیم در نزد توده‌های مبارز میهنمان افشا می‌شود، بطوریکه ساله اعدام زندانیان سیاسی به عنوان مهمترین ساله روز برای توده‌های رنج‌دیده ما مطرح است و آنان با ابراز تنفر و انتزاج خود نسبت به این جنایت فجیع و رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی در اینجا و آنجا در محیط‌های عمومی همچون قهوه‌خانه‌ها و اتوبوس‌ها و غیره در مورد این موضوع صحبت می‌کنند و اخبار جنایات رژیم را دهان به دهان در بین مردم بخش نموده و یکدیگر را از آن آگاه می‌گردانند. نمونه‌های زیر بیانگر گوشه‌ای از اعمال

تنگین و وحشیانه مزدوران حقیقی امپریالیسم جهت سرکوب مبارزات توده‌ها و ایجاد رعب و وحشت در میان آنان است. مزدوران تبهکار رژیم جمهوری اسلامی در شکنجه‌گاه اوین جسد نیمه جان یکی از پیشمرگان خلق کرد را که طی ماههای گذشته در منطقه سقز به اسارت گرفته بودند به خانواده‌اش تحویل می‌دهند هنگام تحویل این پیشمرگ به خانواده‌اش وی در شرف مرگ بود و کمترین جای سالمی در بدنش به چشم نمی‌خورد. شکنجه‌گران مزدور جمهوری اسلامی برای اعتراف گرفتن پشت این پیشمرگ اسیر را با اتوی برقی سوزانده و سپس در جای زخم اسید ریخته بودند، ناخنهای هر دو دست وی کمیده شده بود و اثر زخمهای عمیق و کهنه‌ای در قسمت کف پا و زانوان این انقلابی پاک‌باخته به چشم می‌خورد و بطور کلی جراحات وارده بقدری شدید بود که او دیگر قدرت حرف زدن را از دست داده بود.

دو تن از انقلابیون را در شهر کنگاور در ملاء عام بنار آویختند. ولی مزدوران جنایت‌پیشه رژیم تنها به این امر بسنده نکرده و پس از به شهادت رساندن این دو تن به خاطر زهر چشم گرفتن از مردمی که برای تماشا می‌آمدند این وحشیگری تجمع کرده بودند، بهر بیجان

آنها را به گلوله بستند، لازم به توضیح است که آدمکشان جمهوری اسلامی با کلاه صورت این دو انقلابی قهرمان را پودانده بودند تا مانع از شناسائی آنها توسط مردم شوند.

با توجه به کثرت تعداد انقلابیونی که خون آنها در ماههای اخیر ریختند مزدوران کثیف جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده مزدوران جهت از بین بردن جسد خونین این مبارزین و فرزندان رعید خلق به اتخاذ شیوع ترین تاکتیک‌های جنایتکارانه مبارزت می‌ورزند، سوزاندن جسد انقلابیون اسیر در زندان تنگیین اوین و دفن گروهی و دسته جمعی آنان در بیابان‌ها و اطراف شهرها از آن جمله است، چنانکه اخیرا بر اثر بارندگی شدید و غستن خاک یک گور دسته جمعی زندانیان سیاسی در نزدیکی شهر منجیل توسط اهالی کشف گردید و توده‌های ستم‌دیده ما دیدند که چگونه فرزندان حماسه آفرین خلق، پس از اعدام بسا کمبری بر روی هم ریخته شده و در این گورها جای گرفته‌اند.

اعدام زندانیان سیاسی کمونیست و مبارز با قساوت تمام توسط ایستادگی و مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. تنها طی اولین روزهای اسفندماه در زندان شیراز ۱۷۲۴ انقلابی زندانی به جوخه‌های مرگ سپرده شدند در این مورد جبهه - خواران جمهوری اسلامی با کمال وقاحت و بستی اعلام داشتند که زندانیان حین فرار کشته شده‌اند. غایبان ذکر است که مقابله این اقدام رذیلتانه نیز با چنین ادعاهای بیشترمانه‌ای در مورد اعدام تنی چند از زندانیان سیاسی همدان صورت

گرفت. ایجاد انفجار در زندان اوین از سوی مزدوران حلقه به گورامپریالیم که خبر آن وسما در میان مردم بخش عدیکی دیگر از جنایات بیسابقه ای بود که به شهادت بسیاری از قهرمانان و حماسه آفرینان دریند منجر گردید.

بعلاوه طی نیمه اول اسفند ماه حدود ۱۴۴ تن از زندانیان سیاسی که برای هیچکدام از آنها حکم اعدام صادر نشده بوده و جرمشان تنها شعار نویسی و امثالهم بود از استان خوزستان به سلخ اوین منتقل شده و همگی آنان به جوخه های مرگ سپرده شدند. طبق اخبار منتشره در جریان تناوم اعدام انقلابیون و فرزندان مبارز خلق تنها در زندان گورامپریالیم روزانه ۱۲۰ اعدام شده اند.

ساک محتوی وسایل زندانیان سیاسی اعدام شده به خانواده های آنها تحویل داده می شود. خانواده های داغدار برای تحویل گرفتن یادگارهای فرزندان انقلابی و حماسه - آفرینشان مجبور بودند ساعتها در هوای سرد به انتظار بایستند. مراسم تحویل ساکها همراه بود با تهدید مزدوران رژیم که از پدر و مادران عهدای خلق موکدا میخواستند که از پوشیدن لباس سیاه و برگزاری مجالس عزاداری خودداری ورزند و بیشرمانه

طرح آزادی فعالیت احزاب سیاسی فربکار ری جدید جمهوری اسلامی

علیرغم تبلیغات عوامفریبانه سران رژیم مفلوک جمهوری اسلامی در رابطه با طرح مسخره آزادی فعالیت سیاسی احزاب که البته در آن اقرار کرده بودند که منظورشان آزادی احزاب مجیزگوی جمهوری اسلامی میباشد محتشمی مزدور طی اظهاراتی که در روزنامه اطلاعات مورخه هفتم اسفندماه به چاپ رسید گفت: لیسرالها حق هیچگونه فعالیت حزبی را ندارند و آنان و گروهها و احزاب و کسانی که برخلاف مصالح جامعه انقلابی ما بایگانگان در ارتباط بوده اند طبیعی است که طبق قانون حق هیچگونه فعالیت حزبی را ندارند. این سخنان بخوبی ماهیت فربکارانه و دروغین طرح آزادی احزاب سیاسی رژیم را نشان میدهد. و بیانگر این امر است که پایه های حکومتی این رژیم ددمش آنچنان متزلزل گشته و در خطر قرار گرفته است که حتی تحمل انتقادات افراد و جریاناتی که مدتها دستشان با سران حاکم در یک کاسه بوده و متحدانه به حفظ و حراست از منافع اربابان امپریالیستشان وسرکوب توده ها مشغول بوده اند را ندارد.

*** ** *

کشتا رتحت پوشش مبارزه با قاچاق مواد مخدر

باردیگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به جنایتی تازه دست زد. و در ۱۵ شهریمنهمنان ۵۰ زن و مرد را درملاء عام به دار آویخت. بنابه ادعای مقامات مزدور رژیم جرم ۵۰ قربانی مذکور قاچاق مواد مخدر و حمل اسلحه و مهمات بوده است.

سران فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی با مبادرت به چنین اعمال نفرت انگیزی سعی دارند تا ضمن حاکم گرداندن فضای رعب و وحشت در جامعه با اصطلاح طاعت خود را در برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر نشان بدهند. ویدین طریق با انحرافات اذهان توده های ستمدیده نسبت به عاملین اصلی قاچاق مواد مخدر و ریشه های پیدایش اعتیاد و اینگونه معضلات اجتماعی، خود و مناسبات سرمایه داری وابسته را از تعرض توده ها در امان نگاه دارند.

*** ** *

اوضاع وخیم کشا ورزی

معاون تحقیقات و آموزش کشا ورزی رژیم جمهوری اسلامی در جریان سمیناری که از سوی این ارگان با شرکت نمایندگان چند کشور از آسیا و امریکای لاتین برگزار گردید. در رابطه با اوضاع وخیم کشا ورزی جامعه طی سخنانی اعتراف نمود که "ایران در بین ۲۹ کشور تولید کننده در جهان از نظر سطح کشت مقام هشتم را دارد، اما از نظر عملکرد در سطح جزء آخرین رده یعنی مقام بیست و هشتم را داراست". وی همچنین یکی از دلایل چنین وضعی را کار کردهای خودسرانه سازمانهای مختلفی که در امر کشا ورزی کشور فعالیت مینمایند، ذکر نمود؛ و منجمله از وزارت جهاد سازندگی در این مورد نام برد و گفت: "طرحها و برنامه های بعضی از سازمانها مانند طرح سنابل وزارت جهاد هیچگونه نتیجه و کار بربری مثبت ندارد و حاصل آن تنها دور ریختن تحقیقات و سرمایه های کشور است."

*** ** *

آلونک نشین را از بیخوله خود خارج ساخته و تمامی آلونکهای این ستمدیدگان زحمتکش را با بولدوزر تخریب نمودند. مزدوران و خادمین سرمایه داران پس از مبادرت به چینی عمل جنایتکارانه‌ای آوارگان را به اجبار به شهرستان های قوچان ، زابل ، و بجنورد کوچ دادند . این جنایات و وحشیگریها در شرایطی از سوی عمال جمهوری اسلامی صورت میگیرد که دستگاههای تبلیغاتی رژیم منحوس جمهوری اسلامی از تامین مسکن برای مردم سخن میگویند . لیکن کارنامه سیاه و ننگین این رژیم بخوبی نشان داده که سردمداران جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت وابسته شان نه خواهان پاسخوئی به ابتدائی ترین خواستهای زحمتکشان از جمله مسکن را دارند و نه توانائی چنین امری را و در عمل نه تنها مشکلی از پیشمار مشکلات زحمتکشان را پاسخ نمیگویند بلکه با اتخاذ سیاستهای ضد خلقی اینچنینی بر مشکلات آن می افزایند.

*** ** *

رواج دزدی و ارتشاء در دستگا‌ه‌های بوروکراتیک جمهوری اسلامی

در شرایطی که فقر ، بیکاری ، گرانی و کمبود مایحتاج اولیه عرصه را بیش از پیش بر زندگی کارگران و زحمتکشان تنگ نموده ، در حالیکه سردمداران رژیم ضد خلقی با دمیدن در بلندگوهای تبلیغاتی شان هر روز پز جدیدی در رابطه با مبارزه بر علیه گرانی ، احتکار و ... میگیرند ، کلیه دم و دستگا‌ه‌های بوروکراتیک جمهوری اسلامی به منشاء گسترش و رواج دزدی ، ارتشاء و ... تبدیل شده است . ما در اینجا به ذکر چند نمونه از عملکردهای سردمداران رژیم که بر اثر رشد تضادهای درونی حناهای جمهوری اسلامی ظرف مدتی کوتاه توسط مسئولین امور برملا گردیده است و در مطبوعات رژیم به چاپ رسیده ، اشاره میکنیم :

- قاچاق بیش از ۱۲ هزار قطعه لوازم یدکی اتومبیل در بندرگناوه از سوی مسئولین گمرک .
- کلاهبرداری صاحب صندوق قرض الحسنه حر از ۲۰۰۰ تن از توده‌های ستم دیده .
- رشوه خواری ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریالی مسئول کمیته باصلاح مبارزه با مواد مخدر واقع در دادسرای زاهدان .
- اختلاس مدیر کل بازرگانی استان کهگیلویه و بویراحمد در توزیع کالاهای ضروری مردم .
- رشوه خواری کفالت کننده سابق اداره ثبت اسناد و دبیر رسیدگی به اسناد شهرستان نهاوند .
- اختلاس ، ارتشاء و گرانفروشی یک باند ۴۵ نفره مزدوران جمهوری اسلامی در اداره کل بازرگانی و اداره غله استان بوشهر .

- اختلاس چندین میلیون تومانی در صنایع راوندکاشان از سوی مسئولین مربوطه .
- اختلاس بیش از ۲۰ میلیون ریال در جریان فروش کوپن

خز عیلات مسئولین رژیم در رابطه با مخالفینشان

در شرایطی که بر اثر اعدام وحشیانه زندانیان سیاسی کمونیست و مبارز توسط رژیم جمهوری اسلامی اکثر شکنجه گاهای قرون وسطائی رژیم از زندانی تهی شده است . مزدوری بنام حجت السلام فلاحیان قائم مقام وزارت اطلاعات رژیم و دادستان ویژه روحانیت پیرامون عفو کذائی زندانیان سیاسی وقیحانه اعلام کرد : «تدوت جمهوری اسلامی بقدری است که میتواند به مخالفان فرصتزدگی در جامعه را بدهد .

*** ** *

افزایش تعداد معلولین در حاکمیت جمهوری اسلامی

دکتر یاری گره رئیس سازمان بهزیستی رژیم اعلام داشت که در شرایط کنونی در هر ساعت ۲۰ نفر بر معلولین کشور افزوده میشود . وی که در مراسم برگزاری چهارمین سمینار سراسری مددکاری اجتماعی سخن میگفت دلیل وقوع چنین امری را وجود معضلات و کمبودهای محیط کار کارگران و کارخانجات و سایر معضلات اجتماعی از جمله اعتیاد و کمبودهای پزشکی و درمانی عنوان نمود .

*** ** *

گسترش بیسابقه مواد مخدر

روزنامه جیره خوار اطلاعات طی گزارشی اعتراف کرد که میزان کشف هروئین ۷ سال بعد از قدرت گیری جمهوری اسلامی نسبت به ۵ سال قبل از آن بیش از ۴۲۹۸ برابر ، تریاک بیش از ۴۸ برابر و حشیش بیش از ۵۸ برابر بوده است . این اعتراف ورق پاره اطلاعاتی پیش از هر چیز مویذ این واقعیت است که بر اثر سیاستها و عملکردهای ارتجاعی جمهوری اسلامی و به یمن سلطه منحوس نظام سرمایه داری وابسته که گسترش فقر و بیکاری از نتایج آن میباشد ، قاچاق مواد مخدر و استفاده از این مواد گسترش بیسابقه ای پیاپیافته است .

*** ** *

بیورش مزدوران به

آلونک نشینهای تهران

مزدوران کمیته های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ، بار دیگر در فصل سرما و یخبندان عده دیگری از مردم محروم و زحمتکش آلونک نشینهای شهر تهران را بی خانمان و آوار ساختند .

کمیته چپهای جنایتکار طی یک بیورش شبانه به منطقه آلونک نشین واقع در خیابان اتحاد تهران ، اهالی ۹۶

که طبقه کارگر با آن دسته گریبان میباید، در اینجا به درج بعضی از آن اظهارات میپردازیم.

صالح روحانی زاده باصلاح نماینده مردم قائم شهر و سواد کوه در یکی از جلسات مجلس ضدخلقی شورای اسلامی به وضعیت اسفانگیز کارگران محروم معادن استخراج ذغال سنگ زیر آب در منطقه سواد کوه اعتراف کرده و گفت اگر گذری به منطقه محروم شهرستان سوادکوه داشته باشیم و به معادن استخراج ذغال سنگ زیر آب که در چند صد متری زیر زمین قرار دارد سری مزنیم، خواهیم دید که آنسان پس از چند سال دچار انواع بیماریهای ریوی، کسری گوش دیسک کمر، آب آوردن زانو و غیره خواهند شد.

رفائی یکی از اعضای شورای اسلامی ضدکارگری شرکت ارج: "چرا بجای کالاهای اساسی همانند روغن نباتی و غیره، شامپو به کارگران میدهند؟ آیا شامپورا میشود بجای غذا مصرف کرد؟"

احدی عضو شورای اسلامی کارخانجات بافکار: "چرا باید کارگران که قبل از بیماری و قبل از اینکه حقوق خود را به خانواده خود برسانند، پول درمان خود را پرداخت مینمایند، مواقعی که احتیاج به درمان دارند سرگردان باشند، ونه دکتر آنها را میپذیرد و نه دارو در دسترس آنها قرار میگیرد."

تاج الدینی دبیر اجرایی خانه کارگرافغان: "جای بسی تاسف است که بعواقب کارهای سخت و زیان آور رسیدگی نمیشود، مثلا در کارخانه پلی الویک افغان، کارگران جوان در اثر کارهای سخت و زیان آور ریه های خود را از دست میدهند و یا کارگران جوان از واحدهای نساجی در پای ماشینهای نساجی وبه کارهای سخت و زیان آور مشغول هستند به بازنشستگی هم نمیرسند، یا اگر هم برسند سالم نیستند."

بلبشو در امر سربازگیری

براساس اخبار واصله تمامی سربازان غایبی که بدنبال پذیرش آتش بس در شهرهای بانه، سردشت و سقز خود را به مراکز سرکوب معرفی کرده اند، پس از رجوع به این مراکز از سوی کارگزاران رژیم مرتبا دسته دسته شده و به خدمت اعزام میشوند. مزدوران رژیم بمنظور وارد آوردن فشار هرچه بیشتر به سربازان غایب و فراری که خود را به تازگی معرفی کرده اند آنها را در ادارات دست به سر کرده و حتی گاه آنان را به ۳ تا ۴ دوره اعزام آینده حواله میدهند و به این ترتیب بخش بزرگی از این مشمولان را در بلاتکلیفی نگاه داشته اند.

بنزین در ساوه از سوی مسئولین توزیع رژیم - اختلاس دهها میلیون تومان توسط مدیرکل سابق گمرک جلفا به همراه ۳۰ تن دیگر از همپالکیهایش.

هراس رژیم از اشاعه فرهنگ انقلابی در بین توده ها

سیح مهاجری یکی از مزدوران صاحب نظر در رژیم جمهوری اسلامی در دومین روز از هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی ضمن تبلیغ بر علیه نیروهای انقلابی و مخالف رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی با اشاره به فعالیت های افشاگرانه این نیروها گفت: در حال حاضر علاوه بر رادیوهای استعماری که فعالانه به تبلیغات سوء علیه انقلاب اسلامی مشغولند، تعداد ۱۱ رادیو ضدانقلاب با ۴۴ ساعت برنامه شبانه روزی در حال پخش برنامه علیه جمهوری اسلامی هستند. جدا از تبلیغات مسموم و مذبحانه مسلما اشاعه فرهنگ انقلابی و افشای سیاستهای ضد خلقی و عوام فریبانه جمهوری اسلامی توسط نیروهای انقلابی از طریق ترویج فرهنگ انقلابی و مبارزاتی میتواند تا حدودی کوششهای دستگاههای تبلیغاتی رژیم را در انعکاس افکار توده ها خنثی نماید و همین موضوع است که مهاجری مزدور را به بیان سخنان فوق الذکر وادار نموده است. همچنین طرح چنین سخنانی از سوی مهاجری در کنفرانس اندیشه اسلامی بخوبی نقش اینگونه گردهمایی ها و مقاصد شرکت کنندگان در آن را که چیزی جز مقابله با رواج فرهنگ انقلابی در بین توده ها و دستیابی به راههایی جدید برای سرکوبی تلاشهای مبارزین نیست، برملا میسازد.

*** ** *

وخامت زندگی کارگران از زبان سران رژیم

شرایط زیستی کارگران ما تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی آنچنان وخیم و توأم با رنج و مشقات بسیاری است که گاه چیره خواران این رژیم جهت فریب کارگران در جماع مختلف و شوراها ی اسلامی ضدکارگری مجبور به بیان بخشی از واقعیت زندگی آنان میگرددند. اینان که یا بوسیله شخصه در مقام سرمایه دار، خون کارگران زحمتکش را در شیشه میکنند و یا بگونه ای دیگر در استثمار طبقه کارگر سهم بوده و اساسا حافظ سیستم ظالمانه سرمایه داری وابسته میباشند بطور ناقص و بسیار سطحی به بخش ناچیزی از معضلات کارگران اشاره میکنند. آنجا که این اعترافات خود گویای شرایط زندگی دردناکی است

پیش بسوی سازماندهای مسلح توده ها

سردشت

* - در ۴ اسفند ماه در میدان سرچوه شهر سردشت دو مزدور رژیم با هم درگیر شدند که بر اثر تیراندازی آنان فردی بنام حسین ابراهیم پور از اهالی بیتوش پشت زخمی شد، که در هنگام اعزام به بیمارستان ارومیه جان سپرد.

* - در سردشت مزدوران رژیم چند روز متوالی به دهکده داران حمله برده و مانع از کسب و کار آنها گردیدند. این یورش وحشیانه با حضور مستقیم شهردار مزدور سردشت صورت گرفت و ماموران شهرداری با لودر و دیزل به دهکده ها و بساط دست فروشان حمله برده و ضرر و زیان فراوانی را به این قشر زحمتکش وارد آوردند.

* - اخیرا جمهوری اسلامی در مناطق بانیکان، جواتر و، ثلاث باویجانی بطور گسترده و همه جانبه اقدام به سر بازگیری نموده است. بطوری که پاسداران ضد خلقی برای اجرای این منظور به روستاهای منطقه حمله ور شده و ضمن محاصره آن به تفتیش مردم میپردازند و با دستگیری جوانان، آنان را روانه پادگانهای نظامی میکنند.

علاوه بر این اداره نظام وظیفه طی بخشنامه ای به همه جوانان منطقه اخطار کرده است که باید در اسرع وقت خود را به حوزه های نظام وظیفه معرفی نمایند. که در این رابطه جز عده معدودی، بقیه جوانان از رفتن به سر بازی امتناع نمودند.

* - در ماه های اخیر و پس از آتش بس در جنگ ضد خلقی ایران و عراق تغییرات چندی در وضعیت سپاه ضد خلقی در مناطق مختلف کشورمان بوجود آمده است. این تغییرات که تا حدودی هم انعکاس تضادهای مشخص بین این ارگان سرکوب با ارتش امپریالیستی است تا حدود زیادی ناراضی بویژه کادرهای درجه پائین این ارگان ضد خلقی را دامن زده است، بطور مثال در منطقه سردشت وضع تدارکاتی پایگاه های سرکوب مربوط به سپاه پاسداران ضد خلقی بشدت نازل و نامساعد است. و این درحالیست که پایگاهها و مراکز سرکوب مربوط به ارتش امپریالیستی همچون گذشته از بهترین امکانات و تدارکات موجود استفاده میکنند. حقوق چند ماهه بسیاری از پاسداران مزدور به تعویق افتاده و هستند پاسدارانی که تا ۸ ماه حقوق عقب افتاده آنها از سوی رژیم پرداخت نشده است. در همین حال در رابطه با همکاری در پیشبرد امر سرکوب در منطقه نیز دست بالا را ارتش ضد خلقی دارد و اداره بسیاری از مسائل را بدون در جریان قرار دادن سپاه پاسداران در منطقه به پیش برده و ارتشیان مزدور بزم سابق ارزش و اعتباری برای تصمیمات و عملکردهای همپالکیهای مزدورشان در سپاه ضد خلقی قائل نیستند. مجموعه این مسائل اخیرا ناراضی بسیاری را در رده های پائین سپاه پاسداران بوجود آورده است.

مربوآن

* - گرانی مایحتاج اولیه زندگی در کردستان همچون اقصی نقاط ایران بیداد میکند و قیمت بعضی از اجناس در این



گزارش کوتاهی از یک برخورد با مردم در عجب شیر:

تازه از راه رسیده بودم. برای تهیه نان در شهر دنبال نانوائی میگشتم که با صف طولی روبرو شدم. متوجه شدم که مردم برای تهیه نان جلوی نانوائی جمع شده اند. در صف ایستادم. از غرولندها و فحشا و از صحنه های سایرین متوجه شدم که روزانه ماعتهای متوالی از وقت مردم برای گرفتن نان در همین صفها تلف میشود. با ورود من به صف نانوائی چند نفری با توجه به سرو وضع و لباسهای من فهمیدند که اهل عجب شیر نیستم و غریبه هستم. با وجود اینکه زبان ترکی را خوب نمیفهمیدم ولی اینطور دستم آمد که راجع به من صحبت میکنند و میگویند که او غریبه است. یکیشان از من به ترکی چیزی پرسید شبیه به اینکه غریبه ای؟ به او جواب مثبت دادم. پس از چند لحظه از من پرسید فلانی را نمیشناسی؟ گفتم کی؟ او دوباره تکرار کرد. باز هم برایم عجیب بود پرسیدم کی را میگوئی؟ این بار گفت فلانی را میگویم که پیشمرگ است. آیا او را میشناسی؟ دیگر مطمئن شدم عوضی نمیگیرم. جواب دادم بله میشناسمش. هستش و حالش خوب است. گفت پیشمرگان چطورند؟ آنها را میبینی؟ چکار میکنند؟ گفتم آره آنها را میبینم خیلی زیادند و عملیات هم میکنند. گفت ترو خدا اگر دیدشان سلام مارا به آنها برسان بگو تمام چشم امید ما به شاست. همه مردم اینجا ناراضند اما اختناق رژیم بیداد میکند. همه امید ما شماها هستید که حرکت کنید و رژیم را انشالله سرنگون کنید. در همین بین در لابلای صحبتهاش هم یک فحش خیلی آبدار نثار رژیم و آخوندها کرد. گفت فلان فلان شده ها دارند همه را میکشند و اعدام میکنند. و بعد میگویند که قاچاقچی مواد مخدر بودند. اصلا این حرفها را باور نکنید آنها دارند بچه های مبارز و سیاسی مردم را میکشند و بعد میگویند قاچاقچی بودند اعدامشان کردیم. در حالیکه مواد مخدر همچنان بوفسور پیدا میشود و اعتیاد بیداد میکند. این حرفها همه اش دروغ است.

دیگر بحث را با او زیاد ادامه ندادم حاضرین که فهمیده بودند غریبه هستم نوبت مرا جلو انداخته و با دادن نانهای مورد نیاز مرا روانه کردند. و آخر سر گفتند به آنها (یعنی پیشمرگان) سلام برمان.

نمودند. این مزدوران در اطراف پارک شهرو خیا با نهایی اطراف عدهها قفسه را در هم شکستند.

در ضمن کرمانی زاده شهردار رژیم دربانه در این روز همراه با مزدوران شهربانی در حمله به دکه داران شرکت جسته و بیش از ۸۰ دکه را با دیزل درهم شکستند و دکهها را در خارج از شهر در مسیر جاده بانه و سقز بدور ریختند.

مزدوران ضد خلقی رژیم در این یورش غافلگیرانه حتی به دکه داران فرصت انتقال اجناس و وسائشان را ندادند و بسیاری از وسائشان توسط مزدوران غارت شد.

لازم به یاد آوری است که در شهر بانه این چندمین بار است که مزدوران رژیم به دکه داران حمله میکنند و اموالشان را غارت و دکه هایشان را ویران مینمایند.

* - اخیرا گروه هزرت رژیم با یورش مجدد به روستاهای بخش بوئین از توابع بانه اهالی ۷ روستا را تحت فشار قرار دادند تا سلاحهای خود را به مزدوران رژیم تحویل دهند. از اینرو مزدوران سرسپرده، اهالی روستاها را تحت فشار قرار دادند تا هر روستا ۸ تا ۱۰ اسلحه به رژیم تحویل دهند. اما تودههای زحمتکش و مقاوم این روستاها در مقابل این اقدام سرکوبگرانه رژیم مقاومت کرده و علیرغم ایذاء و اذیت مزدوران، اسلحههای آنان تحویل ندادند. مهاباد

* - در اواخر آذرماه دست اندرکاران رژیم ۱۲۰ نفر از مشمولین مهاباد را به مراغه اعزام نمودند که هدفشان تحویل این افراد به سپاه پاسداران بود. مشمولین وقتی از این جریان مطلع شدند علیه این اقدام اعتراض نموده و از اتومبیلها پیاده شدند و اعلام نمودند که بهیچوجه حاضر به خدمت سربازی در سپاه نیستند و خواستار گردیدند که هرچه زودتر آنها را به مهاباد بازگردانند. در نتیجه مزدوران که برای مقاومت در برابر مشمولین رانداشتند بالاچار مجددا آنها را به مهاباد برگردانند. قابل ذکر است که مزدوران رژیم با وقاحت تمام مشمولین را وادار کردند که کرایه برگشتن را خودشان بپردازند.

* - در اواسط بهمن ماه تعدادی از مزدوران و جاشهای رژیم بمنظور غارت روستائیان به روستاهای شمه شیخه گوران گانی یورش بردند. این مزدوران در روستای شمه شیخه ۱۵ هزار تومان اهالی زحمتکش این روستا را به بنما بردند. همچنین در روستای گوران گانی نیز ۵۰۰۰ تومان از جیب زحمتکشان این روستا به تاراج بردند. مزدوران بعد از این عمل غارتگرانه در روستای فوق با مقاومت شدید روستائیان روبرو گشتند. بر اثر این مقاومت یکی از مزدوران زخمی گشته و بقیه غارتگران فرار

خطه نیز افزایش سرمایه آوری یافته است. نگاهی گذرابه قیمت مایحتاج مردم در مریوان، سردشت و میاندوآب با نگر این واقعیت میباشد که گرانی و کمبود ضروری ترین مواد عرصه را بر مردم ما بیش از پیش تنگ نموده است. روغن ۵ کیلوئی ۱۰۵۰ تومان - قند کیلوئی ۱۴۰ تومان آرد ۸۰ کیلوئی ۹۰۰ تومان - کبریت یک عده ۱۰ تومان تخم مرغ دانه ای ۵ تا ۷ تومان - چوراب معمولی ۶۵ تومان تا بیدک قوطی کوچک ۶۰ تومان - بونج یک گونی ۱۶۰۰ تومان ~~یکار بستن~~ ۸۰ تومان - خودکار یک معمولی هر عده ۲۰۰ تومان

* - رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه و غارتگرانه اش، پس از پذیرش فضا هت بار آتش بسوزان جنگ امپریالیستی با عراق، به بانه تا مین مخارج با اصطلاح بازسازی، هجوم تازه و بی سابقه ای را به زندگی و حیات بخورو نمیرکارگران و خلقهای ستم دیده میهنمان سازمان داده است. مطابق اخبار دریافتی در اوائل ماه جاری مردم مریوان نسبت به سیاست اخاذی رژیم از توده های محروم این شهر در رابطه با امر با اصطلاح بازسازی کشور، شدیداً اعتراض کرده و به او باشان سرگردنه بگیر رژیم اعلام کرده اند که حاضر نیستند و جبهه اعلام شده از طرف رژیم بمنظور بازسازی را بپردازند. بانه

* - رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مدتهاست که سعی دارد سیاست کوچاندن اجباری روستائیان زحمتکش از خانه و کاشانه شان را در کردستان قهرمان به مرحله اجرا درآورد. در راستای تحقق این سیاست ضد خلقی مسئولین رژیم، اهالی تعدادی دیگر از روستاهای بخش "سوره کیو" را محبور بترک روستاهایشان نموده اند. در نتیجه این اقدام جنایتکارانه، توده های زحمتکش این روستاها بدون سرپناه آواره شهرها و کوهها گشته اند.

* - مزدوران جمهوری اسلامی بمنظور غارت و چپاول توده های ستم دیده به روستاهای آرمده بانه رفته و به دزدی اموال روستائیان زحمتکش میپردازند. اهالی این روستاها که چپاولگران جمهوری اسلامی را در حین دزدی شناسائی نموده بودند، درصدد اعتراض برآمده و با مراجعه به مسئولین مزدور رژیم از آنها میخواهند که چیره خواران دزد و فاسدشان را دستگیر نمایند. دست اندرکاران رژیم وقتی که با بیکارگی و اعتراض روستائیان روبرو میگرددند، ۱۵ نفر از مزدوران را که از مدتها قبل به دزدی و غارت اموال توده ها میپرداختند، دستگیر و روانه زندانها میسازد.

* - در ۱۵ بهمن ماه مزدوران شهربانی بانه به دستور شهردار این شهر یورش وحشیانه دیگری را به دکه داران آغاز

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی میجنگد

خلقی جمهوری اسلامی ابعاد هرچه وسیعتری یافته است. مطابق اخبار دریافتی، پس از پذیرش آتش بس از سوی جمهوری اسلامی مسئولین و کارگزاران رژیم در مراکز ژاندارمری و شهرهای کردستان و بویژه سردشت در ازای دریافت ۱۰۰۰۰ تومان از مسئولین سربازی صدور دفترچه مربوط به اعزام مسئولین را به مدت ۳ ماه به تعویق می‌اندازند. این مسئله که اخیراً به یکی از کاسی‌های پررونق دست‌اندرکاران رژیم در مراکز ژاندارمری در شهرهای کردستان و بویژه سردشت تبدیل شده بیانگر عمق گندیدگی و فساد است که دستگا‌های حکومت منحوس جمهوری اسلامی را دربرگرفته است.

دوخیستراز نروژ

اواسط دیماه گذشته در تلویزیون سراسری نروژ فیلم مستند نیم ساعته‌ای از اوضاع کردستان ایران، چگونگی وضعیت و ترکیب نیروهای سیاسی موجود در آن، بنمایش گذاشته شد.

دقایق ابتدای این فیلم بنمایش جنگهای سال ۵۹ و ۵۸ سنندج و قتل عام خلق کرد توسط ارتش ضدخلق و سپاه پاسداران اختصاص یافته بود. سپس در ادامه فیلم مباحثه کوتاهی با چریک فدائی خلق رفیق اشرف دهقانی پخش گردید. رفیق اشرف دهقانی در پاسخ به سوال مباحثه‌گر در رابطه با موقعیت کردستان اظهار داشت که: "رژیم جمهوری اسلامی با ایجاد بیش از ۲۰۰۰ پایگاه نظامی، کردستان را به یک پادگان بزرگ تبدیل کرده، اما باید اضافه کنیم که البته پادگانی که حتی یک لحظه هم نیروهای سرکوبگر و مزدور رژیم در آن آسایش و آرامش برخوردار نیستند" سپس در ادامه فیلم صحنه‌هایی از محل رادیو صدای چریکها و بخشهای مختلف تولید و پخش آن بنمایش گذاشته شد. صحنه‌هایی از عملیات قهرمانانه پیشمرگان دلیر کردستان و مباحثه‌هایی با نمایندگان دیگر سازمانهای انقلابی و شخصیت‌های سیاسی از جمله بخشهای دیگری بود که در این فیلم پخش گردید.

در چارچوب موج وسیع اعتراض هموطنان آگاه و مبارزمان نسبت به کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، در تاریخ ۸۸/۱۷/۱۲ تعداد زیادی از هموطنان مان و هواداران سازمانهای انقلابی به مدت ۵ روز در شهرهاگوسند (Haugesund) نروژ دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب کنندگان ضمن حمل پلاکاردهایی در خیابان مرکزی این شهر تجمع کرده و به افشای جنایات رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی پرداختند. در جریان این حرکت اعتراض آمیز که با استقبال وسیع مردم شهر روبرو شد بیش از ۱۸۰۰ امضاء در محکومیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی از مردم نروژ جمع‌آوری شد که رونوشت آنها به سازمان ملل، وزیر امور خارجه نروژ، صلیب سرخ جهانی و عفو بین المللی فرستاده شد.

لازم به توضیح است که اعتصاب غذای مزبور از طرف انجمن ایرانیان مقیم هاگوسند سازمان داده شد.

را برقرار ترجیح دادند.

* - با تداوم قتل عام سبانه زندانیان سیاسی مبارز و انقلابی، دوخیمان جمهوری اسلامی در قالب دادوستدهای جنایتکار و گشتیهای ضدخلق و سیعا به جولان در خیابانها و معابر عمومی شهرهای مختلف پرداخته‌اند. مطابق اخبار رسیده، یورش جدید ضدخلق دستگاه سرکوب رژیم به توده‌های مبارز و انقلابیون در شهرهای کردستان در ابعاد وسیعی جریان دارد. بطوریکه تردد بدون وقفه گشتیهای شارالله کمیته، شهربانی و مزاحمت‌های بیمورد مزدوران در رابطه با مردم بیگناه، هرج و مرج زیادی را در شهرهای سقز، مهاباد و سنندج بوجود آورده است. ابعاد این یورش و کنترل ضدخلق، بویژه در شهر مهاباد بحدی است که در روزهای اخیر سیمای این شهر بکلی دگرگون شد، و مزدوران رنگارنگ رژیم در گوشه و کنار آن به صورت گروههای چند نفره بچشم میخوردند. افراد غریب و غیر بومی که وارد شهر میشوند در عرض مدت کوتاهی از سوی مزدوران جمهوری اسلامی شناسائی شده و تحت بازجویی و بازدید بدنی قرار میگیرند. این کنترل و مزاحمت‌های بیمورد، اکثراً تحت عنوان باصلاح مبارزه یا فحشاء و اعتیاد و قاچاق مواد مخدر صورت میگیرد.

ربط

* - ایادی رژیم در تاریخ ۵ بهمن ماه برای چندمین بار اهالی روستای نستان واقع در منطقه ربط را مورد هجوم قرار داده و ضمن آزار و اذیت روستائیان از آنان خواستند که سلاحهای خود را تحویل رژیم دهند. این مزدوران با گفتن اراجیفی مردم را تهدید کردند که اگر کسی همسلاح ندارد باید به هور طریق ممکن آنها تهیه و یا خریداری نماید و به مزدوران جمهوری اسلامی تحویل بدهد.

سقز

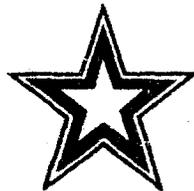
* - در اواخر آذرماه سال جاری آب در برخی از محلات شهر سقز قطع گردیده بود. قطعی آب بعلت ترک خوردن لوله‌ها بر اثر سرمای شدید بود. از آنجا که سازمان آب این شهر هیچگونه اقدامی برای ترمیم این لوله‌ها نکرد، در ۲۸ آذر ماه، زنان و مردان ساکن این محلات بطور جمعی به طرف اداره آب سقز رفته و آنها را ملزم به ترمیم لوله‌های آسیب دیده نمودند.

ایادی رژیم ابتدا با مکر و فریب سعی کردند با دادن وعده‌هایی جمعیت را پراکنده نمایند. اما مردم معترض در برابر حیل و رای مسئولین این اداره مقاومت کرده و تصمیم گرفتند که به طرف فرمانداری راه پیمائی کنند. در نتیجه رئیس اداره آب در مقابل اراده مردم به دست و پا افتاده و از مردم معترض یک روز مهلت طلب نمود. در اثر مقاومت اهالی این محلات فردای آن روز از طرف سازمان آب به تعمیر لوله‌های آب پرداخته شد و آب قطع شده مجدداً وصل گردید.

* - رشوه‌خواری در دستگا‌های دولتی، تحت حاکمیت ضد

۵۲/۱۲/۱۲	محتبی خرم آبادی
۵۵/۱۲/۹	صبا بیژن زاده
۵۵/۱۲/۹	بهنام امیری دوان
۵۵/۱۲/۱۸	عبدالرضا کلانتر نیستانکی
۶۰/۱۲/۱۶	رضا حشمت زاده
۶۰/۱۲/۲۵	کاظم
۶۱/۱۲/	زهرا حاجیان سهیله (زیر شکنجه)
۶۲/۱۲/۲۸	منصور
۶۴/۱۲/۱۹	حمید آقا وردی زاده (کلک کاووس)

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
(ما ثوتسه دون)



روز شمار بهمن و اسفند

- ۱۳۰۲/۱۱/۱ درگذشت لنین ۱۹۲۴
- ۱۳۱۲/۱۱/۱ درگذشت عارف قزوینی
- ۱۳۲۴/۱۱/۲ تشکیل جمهوری خودمختار کردستان (۲۱ ریبندان)
- ۱۳۴۰/۱۱/۱ حمله جتربا زان به دانشگاه تهران
- ۱۳۵۷/۱۱/۸ کشتار مردم تهران توسط بختیار
- ۵۰/۱۱/۱۱ شهادت محماه خلق احمد ز فزائی اولین شهید سازمان ماهدین خلق ایران
- ۱۳۱۸/۱۱/۱۴ شهادت رفیق مبارز دکتر تقی ارانی
- ۱۳۲۷/۱۱/۱۵ تیراندازی ناصر فخرآزائی به سوی شاه مزدور
- ۵۷/۱۱/۱۸ پایان ماموریت ژنرال هویزر آمریکائی در ایران
- ۵۸/۱۱/۱۸ دستگیری رهبران شوروی دهقانی ترکمن صحرا
- ۶۰/۱۱/۱۹ شهادت ماهدین خلق موسی خیابانی، اشرف ربیعی و دیگر همزمانان
- ۴۹/۱۱/۱۹ رستاخیز سیا هکل و آغاز جنبش مسلحانه در ایران
- ۵۸/۱۱/۱۹ تکمیل جنگ دوم به خلق ترکمن
- ۵۷/۱۱/۲۱ قیام شکوهمند خلق و شرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در آن
- ۵۷/۱۱/۲۲ ادا مه قیام خونین بهمن
- ۱۱/۲۲ تولد برتولت برشت
- ۵۷/۱۱/۲۶ شهادت رفیق مبارز محمد حسین کریمی از رهبران کومه له

شهدای بهمن و اسفند

چریکهای فدائی خلق ایران

۴۹/۱۲/۱	مهدی اسحاقی
۴۹/۱۲/۱	محمد رحیم سمائی
۴۹/۱۲/۲۶	علی اکبر عفاائی فراهانی
۴۹/۱۲/۲۶	احمد فرهودی
۴۹/۱۲/۲۶	محمد علی محدث قندچی
۴۹/۱۲/۲۶	ناصر سیف دلیل صفائی
۴۹/۱۲/۲۶	هادی بنده خدا لنگرودی
۴۹/۱۲/۲۶	شعاع الدین مشیدی
۴۹/۱۲/۲۶	اسکندر رحیمی
۴۹/۱۱/۲۶	غفور حسن پوراصیل شیرجو پشته
۴۹/۱۲/۲۶	محمد هادی فاضلی
۴۹/۱۲/۲۶	عباس دانش بیزادی
۴۹/۱۲/۲۶	هوشنگ نیروی
۵۰/۱۲/۱۱	جلیل انفرادی
۵۰/۱۲/۱۱	مسعود احمدزاده هروی
۵۰/۱۲/۱۱	عباس مفتاحی
۵۰/۱۲/۱۱	مجید احمدزاده هروی
۵۰/۱۲/۱۱	اسدالله مفتاحی
۵۰/۱۲/۱۱	حمید توکلی
۵۰/۱۲/۱۱	غلامرضا گلوی
۵۰/۱۲/۱۳	بهمن آژنگ
۵۰/۱۲/۱۳	سعید آریان
۵۰/۱۲/۱۳	عبدالکریم حاجیان سهیله
۵۰/۱۲/۱۳	مهدی سوالونی
۵۰/۱۲/۲۲	علیرضا نابدل
۵۰/۱۲/۲۲	یحیی امین هریسی
۵۰/۱۲/۲۲	اکبر موید
۵۰/۱۲/۲۲	علی نقی آرشی
۵۰/۱۲/۲۲	حسن سرکاری

رفقا:

- پوران یدالهی
- بهروز عبدی
- یوسف زرگار
- فتحعلی پناهیان (در ظفار)
- جعفر پناهی
- ابراهیم پوررضا خلیق
- سعید پایان
- فاطمه اقدرنیا
- مجید پیرزاده جهرمی
- جعفر محتشمی
- مسعود بیروش
- مصطفی دقیق همدانی
- کاووس رهگذر
- حمید مومنی
- انوش فضیلت کلام
- کیومرث سنجری
- حسین چو خاچی
- محمد کا سه چی
- محسن نوربخش
- قاسم سیادت
- بابک سیلانی
- خسرو پناهی
- مهدی اقتدار منیش
- محمد حواد عرفانیان
- مهرداد اردلان



هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

۲۰ دلار - نا قوس - هوستون
 ۲۵ دلار - اتحاد - هوستون
 ۲۵ دلار - خلق عرب - هوستون
 ۱۹۰ دلار - کاک بهرام کاک قادر - میامی
 ۶۰ دلار - احمدزاده - دیترویت
 ۱۶۵۰ دلار - دیترویت
 ۱۰۰ دلار - صمد - میامی
 ۴۳۰ دلار - O.I.D.A - شیکاگو
 ۲۳۱ دلار - پرومته - ویزجینیا
 ۲۰۴ دلار - پایداری - اوهاو
 ۲۴۶ دلار - الیکا - اوهاو
 ۳۰۰ دلار - بهرنگ - اوهاو
 ۵۰ دلار - تظاهرات - نیویورک
 ۱۰۰ دلار - تظاهرات - نیویورک
 ۲۹۰ دلار - آزاد - نیویورک
 ۲۹۰ دلار - کشتار زندانیان سیاسی - اوهاو
 آلمان

۱۹ بهمن: هوادار چریکهای فدائی خلق ایران
 ۴۰۰ مارک

سوئد

۲۰۰ کرون

مهدی



۵۳/۱۲/۱۵ - اعدام انقلابی عباس شهریاری
 خائن توسط چفخا
 ۱۲/۱۷ - روز جهانی زن (۸ مارس)
 ۱۲/۲۳ - درگذشت کارل مارکس اندیشمند
 کیپرپرولتاریا ۱۸۸۲
 ۲۲/۱۲/۲۴ - شهادت روزنامه نگار مردمی
 کریم پور شیرازی
 ۶۰/۱۲/۲۴ - شهادت رفیق محمدرضا بهکیش
 (کاظم) از رهبران سفخا (اقلیت)
 ۶۰/۱۲/۲۵ - شهادت رفیق احمد غلامیان
 لنگرودی (ها دی) از رهبران سفخا (اقلیت)
 ۲۹/۱۲/۲۹ - ملی شدن صنعت نفت



کمکهای مالی

امریکا

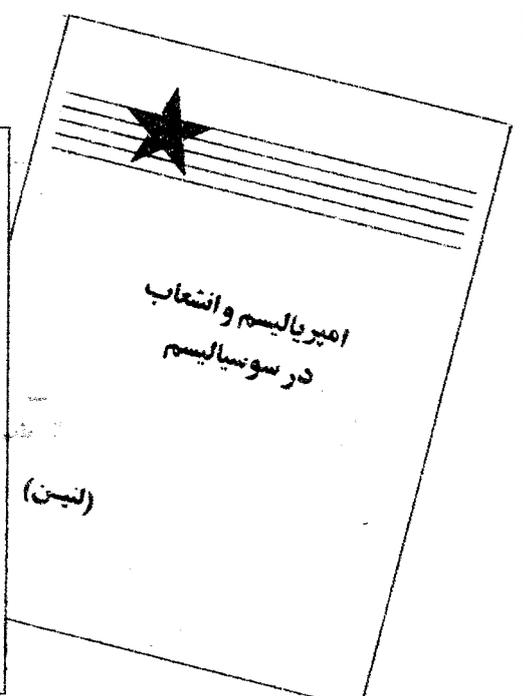
جایزه دالاس ۳۰ دلار
 درود به زندانیان سیاسی - اوهاو ۱۳۵ دلار
 بولتن پناهندگان و آوارگان - اوهاو
 ۱۶۵ دلار
 رفیق از نیویورک ۱۰۰ دلار
 ققنوس - هوستون ۲۰ دلار
 چریک فدائی - هوستون ۵۰ دلار
 کردستان - هوستون ۲۰ دلار

۵۲/۱۱/۲۹ - شهادت رفقا: خسرو گل سرخی و
 کرامت الله دانشیان
 ۵۸/۱۱/۲۹ - شهادت رهبران شورای دهقانی
 ترکمن صحرا رفقا: محمد درخشنده توماج ،
 عبدالحکیم مختوم ، طواق محمد واحدی و
 حسین جرجانی
 ۵۶/۱۱/۲۹ - قیام مردم تبریز



۱۲۹۹/۱۲/۳ - کودتای رضا خان مزدور
 ۵۵/۱۲/۷ - شهادت رفقای مبارز شکوه
 طواقچیان و مهوش حاسمی از شهدای سازمان
 انقلابی ۵۵
 ۱۲/۱۱ - تشکیل کنگره موسس انترناسیونال
 سوم ۱۹۱۹
 ۵۳/۱۲/۱۲ - اعدام انقلابی سروان نوروزی
 رئیس کارگردان نگاه توسط چفخا
 ۱۲/۱۳ - درگذشت رفیق استالین ۱۹۵۳
 ۶۰/۱۲/۱۳ - شهادت عبدالرحیم صبوری از
 رهبران چفخا (آر خا)
 ۴۵/۱۲/۱۴ - درگذشت دکتر محمد ممدق
 ۵۷/۱۲/۱۴ - شکستن اعتصاب کارگران نفت
 ۱۲/۱۴ - تولد روز الوکزا میورگ ۱۸۷۱

منتشر شد



در آستانه نوروز خجسته

کارگران و خلقهای ستمدیده ایران!

این روزها در آستانه فرارسیدن فصل بهار و آغاز سال جدید هستیم. یازده بهار از عمر حاکمیت خونین سگان زنجیری جدید امپریالیسم یعنی رژیم جلاهد جمهوری اسلامی بر میهنمان سپری شده و به این اعتبار کارگران و خلقهای تحت ستم ما یازده نوروز خونین را زیر چکمه هاودشنه های خون چکان مزدوران امپریالیسم در ایران از سرگذرانده اند.

اگر فصل بهار در فرهنگ توده های خلق ما مترادف واژه هایی همچون تولد و شکفتن، سبزی و شادابی و طراوت، و هستی و زندگی است، رژیم مزدور حاکم برای پیشبرد سیاستهای غارتگرانه اربابان جهانیش، ظرف یازده بهار اخیر، همه مظاهر سبزیگی و زندگی را در عرصه های مختلف حیات کارگران و توده های ستمدیده ما به خون و شقاوت بیحد و حصر دستگاه جهنمی سرکوب خویشتن آلوده ساخته و مذبحخانه کوشیده است، مرگ و پژمردن، نیستی و اضحلال و نابودی را بجای مفاهیم زندگی بخش بینشاند. بحران مرکب از اقتصادی، جنگ و ویرانی و آوارگی، فقر و گرانی و فلاکت، بیکاری و رواج دزدی و فحشاء و اعتیاد، باایمال شدن طبیعی ترین حقوق انسانی، سرکوب تمامی فرهنگ و سنن و ارزشهای ملی و معنوی، و به موازات تمامی اینها زندان و شکنجه و تازیانه و اعدام، و در یک کلام دیکتاتوری لجام گسیخته امپریالیستی، این است کارنامه "عیدی های سیاه" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به خلقهای ما در آغاز یازدهمین حاکمیت منحوس خویش. اما در ورای تمامی جنایات این موجودیت طفیلی امپریالیستی، یازده نوروز است که هستی نوین دیگری در حال مقاومت و تکوین است. شعله های مبارزه برعلیه تمامی این بیعدالتیهای اجتماعی در گوشه و کنار میهنمان همچنان فروزان و سرکش است. انقلاب رها شیبش در لبان به اعتراض گشوده شده زحمتکشان در مشتهای انتقام گره کرده و قلب انباشته از کینه و بالاخره در بیکار مسلحانه و قهرآمیز آنان و در تمامی اشکال دیگر مقاومت در هم ناشکستنی شان، در اقصی نقاط میهن زخمی و تحت سلطه مان برعلیه بانیان این وضع دهشتناک یعنی امپریالیستها و جمهوری اسلامی جاری و همچنان فروزان است.

پس در آستانه یازدهمین نوروز خونینی که از قیام قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و دیگر افشار خلق در ۲۲ بهمن ۵۷ برعلیه دیکتاتوری امپریالیستی شاه میگردد، متحد و یکپارچه بکوشیم! فریاد اعتراض خود را برعلیه امپریالیسم و داور دسته جمهوری اسلامی ضد خلقی و بیدادگریهای بیحد و حصر آنها هرچه رساتر سازیم.

بکوشیم مبارزات ضد امپریالیستی و عادلانه مان را در سال جدید برعلیه تبهکاران مزدور حاکم در شهرها و روستاها، در کارخانه ها و در میدانهای جنگ مسلحانه هرچه بیشتر گسترش دهیم. با تمام توان به جنگ انقلابی و مسلحانه ای که سالهاست در سطوح مختلف برعلیه امپریالیستها و مزدورانش در کردستان و سایر نقاط تداوم دارد، یاری رسانیم و آتش نبردینیان بر افکنیم. مسلحانه را برعلیه نظم امپریالیستی موجود هرچه پرشورتر سازیم. ایمان داشته باشیم که امپریالیستها و مزدوران عمامه بسری نظیر خمینی و رژیمهای ضد خلقی نظیر پهلوی و جمهوری اسلامی در مقابل قدرت یکپارچه و متشکل کارگران و خلقهای تحت ستم میهن ما بیره های کاغذی ای بیبش نیستند. طومار زندگی جنایتبار آنها سرانجام با آتش مبارزه مسلحانه خلقها در هم پیچیده و ماشین سرکوب و ارتشهای سرکوبگر آنها در هم شکسته خواهد شد، و سلطه آنها بهمراه تمامی تجلیات منحوس سرانجام به دست توده های مسلح و ارتش انقلابیشان به زیاله دان تاریخ پرتاب خواهد شد.

پس با ایمان به پیروزی راه سرگ انقلاب و محتومیت پیروزی تاریخی خلقهای دربند میهنمان در آستانه نوروز و آغاز سال جدید برای رسیدن به این آرمان مقدس یکپارچه و مصمم به پیش رویم! نوروزتان پیروز!

جایگاه و نقش کنونی مبارزه مسلحانه در جنبش خلق کرد

توده‌های تحت‌ستم کرد، چه در زمان جمهوری خودمختار کردستان و جنبش انقلابی آن‌ها و چه در هنگام قیام خونین بهمن ۵۷ خلقهای ایران، بروشنی به خلق در زنجیر کرده‌نظام فاسد که برای حصول آزادی و حق تعیین سرنوشت هیچ راهی جز بدست‌گرفتن سلاح و مبارزه

در صفحه ۱۲

بی‌تردید یکی از ارزشمندترین مباحث خلق بی‌خاسته کرد در جریان دهها سال جنبش انقلابی خویش برای رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت، توسل به عالیترین شکل مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه انقلابی بر علیه ستمگران و رژیمهای وابسته به امپریالیسم بوده است. تجربه زندگی روزمره و وسیعترین

گرامی باد یاد شهدای پرافتخار ۱۱ اسفند!

۱۷ سال پیش در سحرگاه ۱۱ اسفند میدان چیتگر از خون انقلابی ترین پیشگامان جنبش نوین کمونیستی ایران گلگون شد. رفقا: مسعود احمدزاده، عباس مفتاحی، مجید احمدزاده، اسدالله مفتاحی، حمید توکلی و غلامرضا گلوی توسط دشمنان خلق به تیرک‌های اعدام بسته شدند و رگبار مسلسل‌های جیره‌خواران امپریالیسم بدن آنان را مشک کرد. چرا که آنان با فداکاریهایشان و با دست زدن به مبارزه مسلحانه آسیب‌پذیری امپریالیسم و سگان زنجیریشان را به کارگران و زحمتکشان نشان دادند و بدر آگاهی را در میان آنان افشاندند. خون رفقا، نهال انقلاب را آبیاری کرد و واقع روشن فردا را در مقابل چشمان میلیونها ستمدیده دربند قرار داد.

در میان شهدای ۱۱ اسفند رفیق مسعود احمدزاده بنیانگذار کمیته و تئوریسین سازمان از زمره برجسته‌ترین کارهای جنبش نوین کمونیستی بود. وی که از نبوغی بی‌مانند برخوردار بود با تکیه بر قابلیت‌های تئوریکش و با اتکاء به صداقت و موضع پرولتاریا تیش تئوری مبارزه مسلحانه را که حامل کوشش و زحمت چندساله چریکهای فدائی خلق بود بدون نمود و به این ترتیب مارکسیسم - لنینیسم به خلاقانه‌ترین شکل ممکنه با شرایط جامعه تحت سلطه‌مان انطباق داده شد. و آنگاه در پرتو تئوری انقلاب ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه هم‌استراتژی هم تاکتیک بود که صدیق‌ترین کمونیستها، چریکهای فدائی خلق صفحات درخشانی را بر تاریخ مشحون از مبارزه انقلابی

در صفحه ۱۸

گرامی باد ۲۱ ریه‌ندان سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان

دوم بهمن ماه (۲۱ ریه‌ندان) مصادف با سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان است. ۴۲ سال پیش در چنین روزی به همت پیشوا قاضی محمد و یارانانش در صدر مبارزات حق طلبانه خلق کرد، تشکیل جمهوری خودمختار کردستان در میدان مرکزی شهر مهاباد جشن گرفته شد. اما عمر جمهوری تازه تولد یافته در کنار قدرت وابسته به امپریالیسم مرکزی یعنی رژیم ضد خلقی شاه، بیش از ۱۱ ماه نپا شد.

در صفحه ۲۲

یازده ماه بعد و در حالیکه پایه‌های دیکتاتور امپریالیستی شاه پراز شرایط بحرانی دهه ۲۰ انجام هرچه بیشتری یافته بود، ارتش امپریالیستی مهاباد را متصرف گشت و به عمر جمهوری جوان توده‌های خلق کرد پایان داد. چندی بعد نیز صدق قاضی محمد به همراه سایر یاران وفادارش توسط رژیم ضد خلقی بدار آویخته شدند.

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

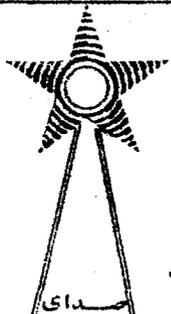
در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه

F. S
B. P. 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND



ساعت پیش:

شب و

۶ صبح و ۱۷ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر

چریکهای فدایی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!